

گوشه‌هایی از زندگی هژبر یزدانی

علی اکبر خدیری زاده

هژبرالله یزدانی یکی از چهره‌های جنجالی و مشهور اواخر دوره سلطنت محمدرضا پهلوی به شمار می‌آید که به واسطه وابستگی به جامعه بهائیت و ارتباط با دربار پهلوی، با استفاده از رانتهای دولتی و خرید سهام شرکتهای مختلف تولیدی، صنعتی و کشاورزی صاحب ثروت و شهرت بادآورده‌ای گردید ولی از قضای روزگار در ماههای آخر سلطنت محمدرضا پهلوی، همزمان با انقلاب شکوهمند مردم ایران برضد نظام استبدادی، در ۲۴ مرداد ۱۳۵۷ در پی شکایت اداره سرچنگلداری اردستان از نامبرده، به اتهام تصرف غیرقانونی اراضی ملی، بازداشت شد و تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در زندان به سر برد لیکن در پی پیروزی انقلاب و گشوده شدن در زندانهای کشور، نامبرده نیز از فرصت به دست آمده استفاده کرده از زندان متواری شد و سپس به کمک ابادی خود به خارج از کشور گریخت.

در نوشته حاضر که براساس اسناد موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تهیه شده است چگونگی قدرت یابی اقتصادی هژبر یزدانی و برخورداری وی از اعتبارات بانکی و محدود شدن این اعتبارات در سال ۱۳۵۴ش - که به بروز اختلافاتی میان وی و یوسف خوش‌کیش^۱ انجامید - و شهادت دادن غلامعباس سرافراز و جهانبخش کنارسری انهاری علیه هژبر یزدانی که موجب ضرب و شتم انهاری توسط ابادی یزدانی شد مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. از سنگسر سمنان تا تهران

هژبر یزدانی (متولد ۱۳۱۳ش) در خانواده‌ای گله‌دار در سنگسر^۲ سمنان به دنیا آمد. پدرش رضاقلی بدون آن که شهرت چندانی در میان همولایتیهای خود داشته باشد به شغل گله‌داری اشتغال داشت و هژبر، مانند پدر، کار خود را با حرفه گله‌داری و شکار

۱. یوسف خوش‌کیش در زمان موردنظر، مدیر کل بانک ملی ایران بود و بعدها رئیس کل بانک مرکزی ایران شد.
۲. مهدی شهرکونی

آغاز کرد و بعدها به واسطه وابستگی به جامعه بهائیت و حمایتی که از جانب عبدالکریم ایادی^۱ از وی می‌شد اقدام به خرید سهام شرکتهای صنعتی و کشاورزی متعددی نمود و صاحب کارخانجات و ثروت بی‌شماری گردید.

هژبر یزدانی تا قبل از اوایل دهه ۱۳۵۰ش موقعیت اجتماعی و اقتصادی برجسته‌ای نداشت و صرفاً از این تاریخ به بعد است که با استفاده از رانتهای بانکی و برخورداری از اعتبارات وامهای کلان - خصوصاً از بانک ملی و بانک صادرات ایران - و خرید سهام شرکت‌ها و کارخانجات مختلف، صاحب ثروتی بادآورده گردید. زهرا محمدحسین‌زاده عراقی همسر جهانبخش کنارسری انهارى دوست و همکار هژبر یزدانی که البته بعدها مورد ضرب و شتم ایادی وی قرار گرفت، در مورد چگونگی قدرت‌یابی اقتصادی هژبر یزدانی می‌گوید:

هژبر یزدانی کسی نبود، چیزی نداشت؛ گله‌داری در سنگسر بیش نبود. او با حمایت بهائیان و عبدالکریم ایادی صاحب این همه ثروت شد.^۲

حسین فردوست هم که حمایت‌های بی‌دریغ عبدالکریم ایادی از هژبر یزدانی را از عوامل مهم و مؤثر در قدرت‌یابی اقتصادی وی دانسته، در خاطرات خود می‌نویسد:

هژبر یزدانی با حمایت ایادی به قدرتی تبدیل شد و اراضی وسیعی را در باختران و مازندران و اصفهان و غیره در اختیار گرفت و برای من معلوم شد که تمام این وجوه متعلق به بهائیت است و این معاملات را یزدانی برای آنها ولی به نام خود انجام می‌دهد.^۳

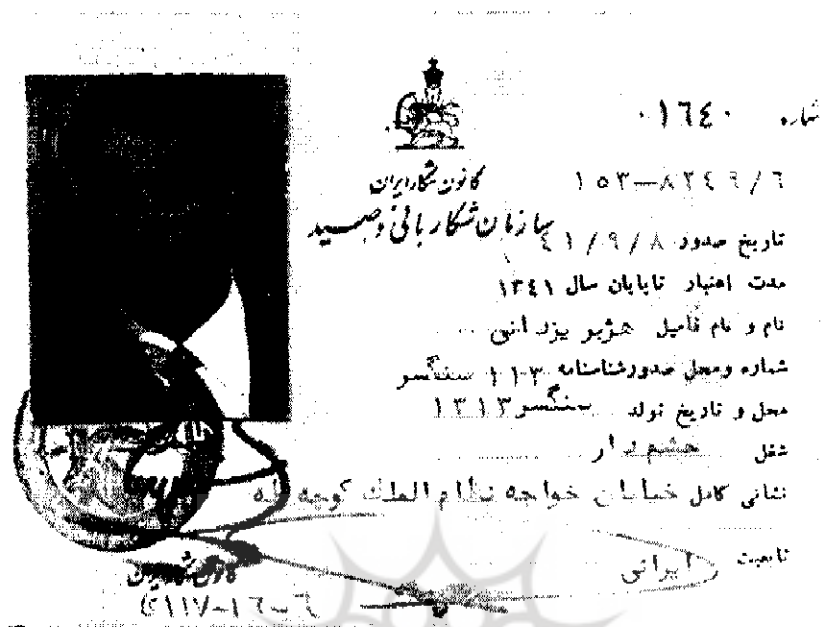
فردوست همچنین در مورد چگونگی معاملات یزدانی و قدرت فراوانی که با حمایت جامعه بهائیت و دربار محمدرضا پهلوی پیدا کرده بود می‌نویسد:

چند مورد از معاملات یزدانی را شخصاً شنیدم. یک روز ابتهاج، مدیرعامل بانک ایرانیان، به من تلفن کرد که از این پس در بانک ایرانیان سمتی ندارد و تمام سهام بانک و ساختمان و اثاثیه و وسایل آن به هژبر یزدانی فروخته شده است. یک روز

۱. عبدالکریم ایادی به این دلیل نام خانوادگی «ایادی» داشت که پدرش از ایادی امرالله یعنی چند نفر خواص اطراف عباس افندی بود. ایادی با نفوذی که نود محمدرضا کسب کرد. بهائیه‌ها را به مقامات عالی رساند. او مسلماً در رسانیدن امیرعباس هویدا (بهائی) به نخست‌وزیری نقش اصلی را داشت. در زمان هویدا مقامات عالی مملکت توسط آنها به راحتی اشغال می‌شد. پدر هویدا نیز مانند پدر ایادی از خواص عباس افندی و گویا منشی مخصوص او بود. (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، پیشین، ص ۳۷۴)

۲. مصاحبه‌نگارنده با خانم زهرا محمدحسین‌زاده عراقی همسر جهانبخش کنارسری انهارى در تاریخ ۱۶ بهمن

۱۳۷۸. ۳. فردوست، پیشین، ص ۳۷۶.



کارت شکار مربوط به هژبر یزدانی | ۱۱۷-۱۶۶ ی

هم سمعی رئیس بانک توسعه کشاورزی، به من شکایت کرد که فرد بی‌تربیتی با دوگارد مسلح به مسلسل بدون اجازه وارد دفتر کارم شده و گفته که نامش یزدانی است و می‌خواهد سهام بانک با ساختمان و وسایل به او واگذار شود! سمعی پاسخ داده که این امر منوط به اجازه وزارت کشاورزی و تصویب دولت است. یزدانی با خشونت جواب داده که ترتیب آن را می‌دهم.^۱

حسین فردوست در قسمت دیگری از خاطرات خود به نقش عبدالکریم ایادی و دربار محمدرضا پهلوی در حمایت از هژبر یزدانی پرداخته و می‌نویسد: در حوالی سال ۱۳۵۴ شکایتی از معینان رئیس دفتر مخصوص شاه به دستش رسیده مبنی بر اینکه هژبر یزدانی در سنگسر به مراتع چوپانها تجاوز کرده و برای آنان مزاحمت ایجاد می‌کند. سپس از وی خواسته می‌شود که تحقیق و گزارش نماید. فردوست نیز دو افسر دفتر خود را به همراهی عکاس ساواک به منطقه اعزام می‌دارد. فرستادگان فردوست پس از مراجعت گزارش می‌دهند که اهالی ده مرزان‌آباد در ارتفاعات سنگسر همه بهائی هستند و رئیس آنها هژبر یزدانی است و آنها همه مراتع ده مجاور را که مسلمان‌نشین است، به

۱. همان. همان صفحه.

زور تصرف کرده‌اند. مدارک مستند جمع‌آوری شده به ضمیمه عکسها و گزارش تهیه شده به اطلاع محمدرضا پهلوی رسانده می‌شود. فردای آن روز سپید ایادی به فردوست تلفن کرده می‌گوید «شاه گزارش را به من نشان داده؛ گزارش سراپا مغرضانه است و به شاه هم گفتم و ایشان دستور داد که مجدداً هیئت بی‌غرضی را اعزام دارید.» فردوست پاسخ می‌دهد که گزارش هیئت مستند است و اعزام مجدد مفهومی ندارد و می‌افزاید که «وقتی شاه می‌خواهد یزدانی به مناطق چرای دیگران تجاوز کند من که مدعی نیستم»^۱

مؤید این نظر فردوست، روابط نزدیکی است که هژبر یزدانی با خاندان محمدرضا پهلوی داشته است. هژبر البته برای توجه و رضایت خاندان سلطنتی از هیچ کوششی فروگذار نکرده و به مناسبت‌های مختلف ارادت خود را با ارسال هدایا و اقداماتی نظیر آن اعلام می‌داشته است. برای نمونه در نامه‌ای که از دفتر مخصوص فرح برای هژبر یزدانی ارسال گردیده آمده است:

جعبه سیگار طلا با تاج برلیان زمرد تقدیمی جناب‌عالی از لحاظ پیشگاه مبارک علیا حضرت شهبانوی ایران گذشت. حسب الامر، مراتب خوشوقتی خاطر معظمه [لها] ابلاغ می‌گردد. ضمناً در اجرای اوامر صادره چون قوطی سیگار قدیمی مربوط به دوره پهلوی است عیناً به وزارت فرهنگ و هنر فرستاده شد که با ذکر نام اهداءکننده در موزه پهلوی واقع در کاخ مرمر حفظ و نگهداری کنند.^۲

و یا در نامه دیگری که از جانب ارتشید غلامرضا ازهراری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران به هژبر یزدانی نوشته شده آمده است:

آقای هژبر یزدانی، مجلس ضیافت مجلل و باشکوهی که به مناسبت زادروز خجسته والاحضرت همایون ولایتعهد ایران در هتل هیلتون ترتیب داده بودید و در آن چندین صد نفر مورد پذیرایی گرم و شایان توجهی فرار گرفتند عشق شدید جناب‌عالی را نسبت به سلسله جلیله پهلوی که همگی هرچه داریم از آنهاست می‌رساند و این احساسات در خور هر گونه تقدیر و تقدیس می‌باشد. لذا وظیفه نظامی خود دانستم که مراتب را به شرف عرض مبارک شاهانه برسانم و اجازه بگیرم که از این احساسات گرم و بی‌شائبه جناب‌عالی کتباً قدردانی نمایم که این اجازه را مرحمت فرمودند و خوشوقتم که بدینوسیله مراتب سپاس و تشکر خود را به

۱. همان، ص ۳۷۵.

۲. فراهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا. تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، ص ۱۶.

از عوامل دیگر جهش اقتصادی هژبر یزدانی در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ش حمایتی بود که از جانب مسلک بهائیت از او می‌شد چه، در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی بهائیت در ایران توسعه عجیبی یافت. بهائیت در دوران عبدالکریم ایادی، که یکی از افراد طراز اول بهائیت بود، نفوذ بسیاری یافت. در این دوران، ایادی هرچه از دستش برآمد از کمک به بهائیان کوتاهی نکرد و آنها هم به نوبه خود در انحطاط اقتصاد مملکت نقش مؤثری داشتند. محمدرضا پهلوی نیز نه تنها نسبت به نفوذ بهائیت حساسیت نداشت بلکه خود او صراحتاً گفته بود که «افراد بهائی در مشاغل مهم و حساس مفیدند چون علیه او توطئه نمی‌کنند» مضافاً اینکه بهائینی که به مقامات حساس می‌رسیدند از موقعیت خود برای ثروتمند شدن جامعه بهائیت استفاده می‌کردند تا از این طریق اقتصاد مملکت را به دست گیرند.^۲ عبدالکریم ایادی با نفوذ فوق‌العاده‌ای که در دربار پهلوی پیدا کرده بود وسایل تحصیل جوانان بهائی را فراهم می‌آورد، خصوصاً اینکه بخشهای مهمی از فعالیتهای اقتصادی در بخش خصوصی در اختیار آنان قرار داده می‌شد. در چنین موقعیتی هژبر توانست با برخورداری از امکانات و نفوذ فوق‌العاده رهبران محفل بهائیت صاحب کارخانجات و مراکز تولیدی فراوانی شود.

به هر حال، تبدیل شدن هژبر یزدانی به یک قطب اقتصادی - که از شغل گله‌داری در سنگسر سمنان کار خود را آغاز کرده بود - ریشه در اوضاع اقتصادی و نظام بانکداری بیمار ایران در سالهای دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش داشت. هژبر یزدانی از سال ۱۳۵۰ به بعد (و در مواردی قبل از آن) به خرید سهام شرکت‌های مختلف پرداخت و از قبل آن، اعتبارات کلانی از شعب مختلف بانک ملی ایران دریافت نمود لیکن با وجود دریافت اعتبارات و وام‌های غیرقانونی و همکاری غیرمجاز بانک ملی ایران و برخی دیگر از بانک‌های کشور با نامبرده هرکدام از شرکت‌های وابسته به وی مبالغ هنگفتی به بانک بدهکار شدند و از پرداخت بدهیهای خود خودداری کردند و هیچ‌گاه برخورد جدی از جانب بانکها صورت نگرفت.

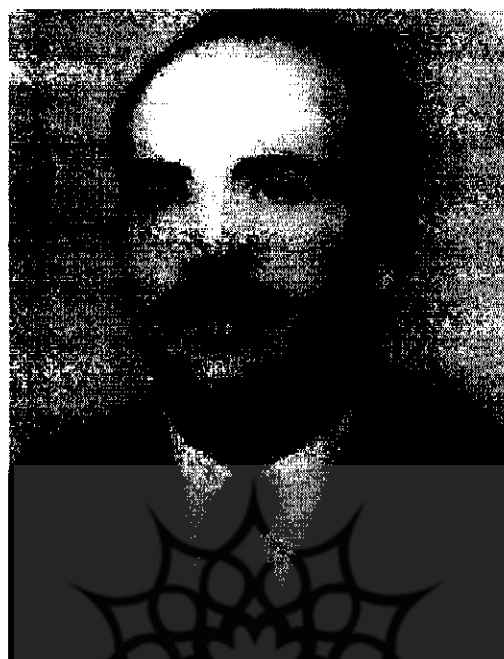
ب. رانتهای باتکی

نحوه اداره و تشکیل شرکت‌های وابسته به هژبر یزدانی، به طوری که پرونده شرکت‌های مزبور نشان می‌دهد، از تاریخی که نامبرده سهامدار آنها شد با روش اداره آن در گذشته

تغییرات عمده‌ای پیدا کرد، بدین معنی تسهیلاتی که در زمان ریاست هیئت مدیره یا مدیرعاملی وی برایش فراهم می‌شد با پیش از آن زمان متفاوت بود و در همه جا جانبداری و تعلل در وصول مطالبات و بی‌توجهی حتی به گزارشهای مأموران اطلاعات بانک صورت می‌گرفته است. این امر در حقیقت مؤید این نظر است که شعب بانک ملی و اداره اعتبارات بانک درباره اعطای اعتبارات به هژبر یزدانی نظر خاص داشتند و وضع معاملاتی او را نادیده می‌گرفتند.

هژبر یزدانی بابت معاملات مختلف، وامهایی با بهره‌های متفاوت از ۵٪ وام تولیدی تا ۱۲٪ اعتبار در حساب جاری دریافت می‌کرد که هیچ‌گاه بانک ملی و ادارات امور اقتصادی و دارایی بر آن کنترلی نداشتند تا مصرف واقعی این اعتبارات و وامها را مورد رسیدگی و بررسی قرار دهند زیرا در همه جا هژبر یزدانی از ارائه دفترها و اسناد خود خودداری می‌کرد، و ترازنامه‌هایی هم که در مورد پرداخت مالیات می‌فرستاد بیشترشان با واقعیت منطبق نبود به طوری که وزارت امور اقتصادی و دارایی در مورد مشارکتهای وی ناچار شد راساً به تشخیص مالیات اقدام کند. با این حال، هژبر از پرداخت میلیونها ریال مالیات خود به دولت استنکاف می‌ورزید و مطالبات دولت را پرداخت نمی‌کرد. علاوه بر آن، با ایجاد تغییراتی در اساسنامه شرکتها زمینه را طوری فراهم ساخت که راه هرگونه معامله‌ای را باز گذاشته بود و هرگونه وجهی که به عنوان وام یا اعتبار از بانک دریافت می‌کرد به نحو دلخواه خود به مصرف می‌رساند. مهم‌تر اینکه نحوه معاملات و خرید سهام شرکتها از طرف هژبر یزدانی صورت خاص داشت بدین ترتیب که سهام اشخاص را با پرداخت وجوهی که از اعتبارات خود استفاده می‌کرد به نام خود و فرزندان می‌خرید و با تشکیل شرکت خانوادگی تعداد سهام را افزایش می‌داد و به میزان افزایش سهام و سرمایه از بانک اعتبار دریافت می‌کرد. این روش غیرقانونی در شرکت کفش اطمینان که سرمایه از ده میلیون ریال به یکصد میلیون به طوری صوری ترقی داده شد و به همان میزان اعتبار دریافت کرد نمونه‌ای بارز از شگردهای هژبر یزدانی بود که در شرکتهای دیگر او نظیر شرکت کشاورزی مکانیزه و دامداری کیخسرو، شرکت سهامی قند قزوین، شرکت پوست آریازمین، شرکت سهامی قند شاه زند و شرکت سهامی قند شیروان عمل می‌شد.

موضوع دیگر اینکه در اعطای اعتبارات و تمدید آن - که قاعدتاً می‌بایست در پایان مدت، بدهکار اعتبار دریافتی را واریز نماید - قوانین بانکی به هیچ وجه مراعات نمی‌شد و یا وقتی که صراحتاً تذکر داده می‌شد که اعطای اعتبار برای مدت یک سال است بدون اینکه به این تذکر توجه شود و میزان بدهکاریهای شرکتها به سایرین و بانکها مورد توجه قرار گیرد اقدام به تمدید و تجدید اعتبار می‌شد و تخلفات هژبر در بسیاری



هژبر یزدانی | ۱۳۸۸-۱-پ

از موارد نادیده گرفته می‌شد، به خصوص اینکه اکثر اعتباراتی را که او به منظور خاصی دریافت می‌کرد بعداً به صورت دیگری مورد استفاده قرار می‌داد. مثلاً در مورد دریافت مبلغ پانصد میلیون ریال اعتبار در حساب جاری در بانک ملی شعبه فردوسی، خود را بازرگان و دارای املاک و تاجر آهن آلات معرفی نمود و بانک بدون توجه به کارت بازرگانی و مدارک معتبر دیگر شروع به اعطای اعتبار کرد و با آنکه تخلفات در پرداخت بدهی او مشهود بود و سفته‌هایش و اخواست گردید مع‌ذالک هژبر، بدون دریافت هیچ‌گونه تضمینی با قبول سفته اشخاص و حمایت نامحدود، از تسهیلات اعتباری برخوردار شد و رعایت اصول و قوانین به هیچ‌وجه درباره‌اش معمول نگردید. عجیب این است که با وجود تخلفات یادشده، شعب بانک ملی همیشه در پیشنهادهای خود به اداره اعتبارات برای تمدید و افزایش اعتبار، وی را بازرگانی معروف و خوشنام و خوش حساب قلمداد می‌نمود.

بالاخره بعد از آنکه هژبر یزدانی با دریافت اعتبارات و وام‌های بی‌حد و حساب، که بانک ملی شعبه فردوسی در اختیار نامبرده قرارداد داده بود، موفق به انجام ادای تعهدات خود نشد، بخشی از اعتبارات بانکی او در آخر اسفند ۱۳۵۳ و فروردین ۱۳۵۴ قطع شد.

همچنین دو فقره تقاضای کتبی وی که در تاریخهای ۳ و ۲۰ آذر ۱۳۵۴ به بانک ملی شعبات بازار و مرکزی به مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان تسلیم شد و در آن تقاضای اعتبار مجدد نمود در کمیته اعتبارات بانک به طور شفاهی مطرح شد و با توجه به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ ۱۹۷ میلیون تومان در اختیار نامبرده و شرکتهای وابسته به او گذاشته شده بود مورد تصویب قرار نگرفت.^۱ این امر موجب اختلافاتی میان هژبر یزدانی با محمد یگانه رئیس بانک مرکزی و یوسف خوش‌کیش رئیس بانک ملی ایران گردید.

ج. اختلافات هژبر یزدانی با یوسف خوش‌کیش

هژبر در پی محدود شدن اعتبارات بانکی خود در سال ۱۳۵۴، نامه‌ای به شکایت از دکتر محمد یگانه رئیس بانک مرکزی ایران، خطاب به محمدرضا پهلوی نوشت و تقاضا کرد موضوع محدود شدن اعتبارات بانکی او توسط یگانه، از طریق بازرسان خارج از کادر بانکها مورد بررسی قرار گیرد. در این نامه ادعا شده بود:

رئیس بانک مرکزی ایران که به جهاتی مایل به خرید سهام و سرمایه‌گذاری از طرف فدوی در بانک اصناف ایران نبوده دست به اقدامات ناروایی زده که ناگزیر به عرض نطلم به خاکپای همایونی و مراجع ذیصلاحیت کشور شدم ولی نامبرده برای آنکه اعمال خلاف خود را پرده‌پوشی نماید شروع به شایعه‌سازی علیه فدوی نموده مبنی بر اینکه هژبر یزدانی با صدور چک بلامحل و داشتن تعهدات سنگین در بانکها تصمیم دارد با خرید اکثریت سهام بانکها برای خود شخصیت کاذب اقتصادی به وجود آورد و مدیریت بانکها را در دست بگیرد. و با این عمل ایجاد محدودیتهای اعتباری برایم فراهم نموده به نحوی که هرآن امکان دارد فدوی را تحت فشار قرار دهد تا سهام خود را ناگزیر به خارجیانی که مورد نظر او می‌باشند واگذار نمایم.^۲

یزدانی در ادامه نامه فوق به محمدرضا پهلوی می‌نویسد: «چون مشارالیه [یگانه] از مقام و موقعیت اداری خود سوءاستفاده [کرده] و با اعمال قدرت و نفوذی که در بانکها دارد نسبت به اعتبارات فدوی که از تمام افراد همسطح هم کمتر و شاید یک سوم آنها هم نباشد» ایجاد شک و تردید نموده و حیثیت وی را که هنوز پایش به خارج از کشور

۱. مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. گزارش حسنعلی رفیعا کارشناس رسمی دادگستری درخصوص رسیدگی به اعتبارات و وامهای دریافتی هژبر یزدانی اسناد شماره ۹۶ تا ۹۴ - ۲۰-۱۱۷؛ ۹۱ تا ۸۱ - ۲۶ - ۱۱۷؛ ۶۹ تا ۶۱ - ۳۹ - ۱۱۷؛ ۴۲ تا ۳۵ - ۳۸ - ۱۱۷؛ ۶۸ تا ۵۸ - ۳۸ - ۱۱۷؛ ۷۱ تا ۵۸ - ۳۷ - ۱۱۷؛ ۸۵ تا ۷۸ - ۳۶ - ۱۱۷.

۲. مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱-۲-۱۱۷.

شماره ۲۱۱
شماره ۲۱۱
۱۳۵۷

شماره ۲۱۱
شماره ۲۱۱
۱۳۵۷
آقای بازرگان محترم شعبه داد سرای تهران

مطلبی مترازماده در مورد رسیدگی به حسابهای اعتباری و وامهای درخواستی آقسای
های
هژیراله یزدانی از بانک ملی ایران موضوع پرونده شماره / ۲۳۳۵۲ اینک نتیجه رسیدگی خود را در
مورد استفاده نامبرده از اعتبار حساب جاری و اعتبار پایه از شعب بانکهای ملی ایران شرح
اعلام میدارد .

طبق پرونده بررسی شده در راه اعتبارات بانکی ایران شعبه مرکز و شعبه فردوسی جریان امور
بنقراری است که با استحضار میرساند .

۱- آقای هژیراله یزدانی تا اردیبهشت ماه / ۱۳۵۲ از مشتریان شعبه حافظ بوده که از اعتبار پایه
مخصوص حساب جاری استفاده ننموده و طبق نامه شماره / ۲۷۲۵۱۷ - ۲ / ۲ / ۵۲ دارای نامبرده

بقران زهر	۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال
سرمایه	۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال
سهام	۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال
غیر منقول	۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال
کسب مقابل مینگ	۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

اعتبار مخصوص در حساب جاری طبق کارتهای شماره / ۱۷۱۷۷ / ۷ / ۲۴۰ - ۲ / ۲ / ۱۳
و ۱۱ / ۲ / ۵۲ برای مدتیگسال در مقابل سفتههای معتبر و چک ناشی از فروش کالا با باز ۳۰ درصد
بنامبرده اعطاشده .

۲- در خرداد ماه / ۱۳۵۲ شعبه شاهرضا غیر منقولی با ارزش ۲۵ میلیون ریال بوشیقه گرفته وطنی نامه
شماره / ۱۱۰۱ مورخ / ۲۶ / ۳ / ۵۲ با اداره اعتبارات ارسال داشته ولی اداره مذکور وثیقه را کافس
ندانسته وطنی نامه شماره / ۷ / ۲۳۲۰ مورخ / ۶ / ۲ / ۵۲ متذکر شده شعبه باید سعی نماید در وثائق
غیر منقول دیگری از مشتری در یافت دارد .

ولکن از طرف شعبه در این مورد اقدامی بعمل نیآورد مویظنونیکه پرونده امر حاکی است غیر منقولها را
که در گرو بانک بوده است از آن فنک رهن بعمل آمد مود مقابل در تاریخ / ۱ / ۳ / ۱۳۵۲ غیر منقول دیگری
۱۱ - ۲۶ - ۱۱۷

گزارش حسشعلی رفیعا کارشناس رسمی دادگستری در مورد حسابهای اعتباری و وامهای
درخواستی هژیر یزدانی از بانکهای ملی ایران | ۱۱۷ - ۲۶ - ۸۱ |

نرسیده و دیناری در خارج از مملکت سرمایه‌گذاری نکرده و تنها هدفش خدمت به شاهنشاه و میهن بوده در جامعه جریحه‌دار کرده است. «استدعا دارد مقرر فرمایند که بازرسی خارجی از کادر بانکها که زیر نفوذ آقای یگانه نباشند موضوع را بررسی و حقایق امر را روشن نموده مراتب را به شرف عرض ملوکانه برسانند»^۱

علاوه بر این، در تاریخ چهارم بهمن ۱۳۵۴ یزدانی دادخواستی حاکی از مسدود شدن اعتبارات خود در بانک ملی ایران خطاب به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت نوشت و تقاضای رسیدگی نمود. در این دادخواست آمده بود:

در اثر اختلافات اینجانب با آقای دکتر یگانه اعتبارات بانکی اینجانب در بانک ملی و بعضی از بانکها بسته شد و در آبان ماه سال جاری [۱۳۵۴] آقای عباس سرافراز که معروف به واسطه و دلال آقای خوش‌کیش نزد تجار و بازرگانان است و اعتبارات مردم را او درست می‌کند، ایشان [توسط] یکی از دوستان انهاری^۲ با من آشنا شد و بعد از چند روز در [رستوران] لوتریک - چاتانوگا با آقای خوش‌کیش نهار صرف شد. بعد از دو روز ایشان در دفترشان بنده و آقای سرافراز را مهمان نموده و اظهار نمودند که چون آقای دکتر یگانه عوض شده اعتبار تو را مجدداً مفتوح می‌نمایم.^۳

یزدانی در این دادخواست نیز مدعی شد که ملاقاتی با سرافراز داشته و به وی اظهار شده که خوش‌کیش توقعاتی دارد و او هم در دو مرحله دو فقره چک به مبلغ ۵۰ میلیون ریال در وجه حامل به سرافراز داده است و متعاقب آن در ۲۸ آبان ۱۳۵۴ در شعبه مرکزی بانک ملی مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال به او پرداخت شده است و فردای آن روز سرافراز از طریق شعبه مرکزی چکها را به بانک ملی فردوسی فرستاده که نقد کنند. یزدانی می‌افزاید:

بنده به ایشان گفتم باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود

۱. همان سند.

۲. جهانبخش کنارسری انهاری از کارکنان بانک اصناف تهران بود که از حدود سال ۱۳۴۰، به علت نوع کار خود، با هژبر یزدانی آشنایی پیدا نمود و پس از کناره‌گیری از بانک اصناف از سال ۱۳۵۳ به بعد همکاری خود را با یزدانی آغاز نمود و عهده‌دار سمتهایی نظیر مدیریت کفش اطمینان و عضویت هیئت مدیره کارخانجات قند اصفهان و قزوین و مدیریت عامل شرکت کشت و صنعت شاهین کی بود. در ۱۹ بهمن ۱۳۵۴ در نتیجه اختلافی که از قبل با یزدانی پیدا کرده بود از ادامه همکاری با وی خودداری ورزید. سپس در ۲۱ اسفند ۱۳۵۴ به علت امتناع از دادن شهادت علیه خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی ایران، که متهم به درخواست رشوه از هژبر یزدانی شده بود، مورد ضرب و شتم ابادی یزدانی قرار گرفت و سرانجام در دوم آذر ۱۳۵۷ پس از تحمل سه سال زندگی در حالت بیهوشی جهان را بدرود گفت.

۳. سند شماره ۵۹-۱۰-۱۱۷.ای.

تا بنده هم چکها را بپردازم. ایشان اظهار نمودند خوش‌کیش به شما جمله‌ای مبنی بر ۳ یا ۵ یا ۱۰ میلیون تومان گفته‌اند؟ اظهار داشتم درست است. گفتند ایشان برای باز شدن اعتبارات شما کمتر از ده میلیون تومان نمی‌خواهند. اجباراً اظهار نمودم بنده از اعتبار گذشتم و چکها را پس گرفتم. روز سی‌ام آبان ماه رئیس شعبه مرکزی بانک ملی به من تلفن کردند که سی میلیون تومانی که گرفته‌اید باید دوباره پس بدهید. بنده فوراً پرداختم ضمناً به سرافراز و خوش‌کیش گفتم که چرا داده‌اید و [که] سه روزه پس بدهم؟ خوش‌کیش گفتند علتش را خود شما بهتر می‌دانید.^۱

از متن دادخواست یزدانی علیه خوش‌کیش چنین برمی‌آید که خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی ایران برای اعطای اعتبارات مجدد به یزدانی رشوه‌ای به مبلغ ده میلیون تومان خواسته است و چون یزدانی حاضر به پرداخت چنین مبلغی نشده خوش‌کیش از بازکردن اعتبارات بانکی وی امتناع ورزیده است.

در پی این دادخواست، هویدا دستور رسیدگی و تحقیق صادر نمود و متعاقب آن تحقیقات همه‌جانبه‌ای به سرپرستی سرلشکر هوشنگ ارم صورت گرفت و در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۵۴ گزارشی در این مورد تهیه شد.

در این گزارش که توسط سرلشکر هوشنگ ارم، غلامرضا نشاط و امیراحمدعلی بیگدلی تهیه شده است چنین می‌خوانیم:

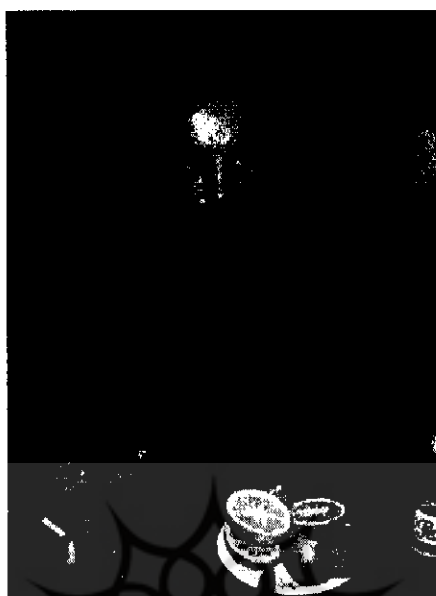
به منظور تعیین صحت یا سقم اظهارات هژیر یزدانی، غلامعباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی آکرویل واسطه دریافت چک و همچنین جهانبخش کنارسری انهاری، مدیرعامل شرکتهای کشت و صنعت شاهین و مدیرکفش اطمینان و عضو هیئت مدیره کارخانجات قند اصفهان و قزوین و دوست و همکار هژیر یزدانی، احضار شدند و به عنوان شهود مورد بازجویی قرار گرفتند. ابتدا در تحقیقاتی که از سرافراز به عمل آمد اظهار داشت که چندی قبل جهانبخش انهاری به او مراجعه کرده و اظهار داشته که تقریباً ۹ ماه است که خوش‌کیش و یزدانی در مورد مسائل بانکی و اعتباری اختلاف دارند؛ چنانچه او بتواند بین این دو نفر رفع کدورت کند خیلی خوب است. به همین جهت، سرافراز با خوش‌کیش ملاقات و موضوع را با وی مطرح می‌کند تا اینکه در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۵۴ خوش‌کیش و یزدانی ناهار را در رستوران لوتریک - چاتانوگا صرف می‌کنند و بدین ترتیب آشتی انجام می‌گیرد و رفع سوء تفاهم می‌شود.

در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۴ متقابلاً خوش کیش، یزدانی را برای صرف ناهار در دفتر کارش دعوت می‌کند. یزدانی به خوش کیش می‌گوید: «همان‌طوری که اطلاع دارید من در بانک ملی شعبه فردوسی ۳۴۰ میلیون تومان اعتبار داشتم که استفاده نمی‌کنم و قطع شده است» خوش کیش هم در پاسخ به او می‌گوید: «چون این اعتبار شما غیرقانونی و بدون مجور اداره اعتبارات کل بانک ملی بوده و فقط با موافقت رئیس شعبه انجام می‌گرفته قطع شد که در نتیجه برای شما ناراحتی به وجود آمد و باعث سوء تفاهم شد و من نمی‌توانم در این حدود برای شما ایجاد اعتبار نمایم، باید صبر کنید تا سال آینده اگر وضع اقتصادی بهتر شد استفاده نمایم؛ البته نه به این مبلغ بلکه صورت شرکتها و معاملات خود را کتباً بدهید تا رسیدگی شود. اگر قابل پرداخت بود مبلغی به شما کمک مجدد خواهد شد.» سپس یزدانی اصرار می‌کند که «من اکنون متجاوز از یکصد میلیون تومان چک و سفته وعده‌دار دارم که می‌خواهم به بانک ملی بسپارم و اعتباری بگیرم» خوش کیش نیز در پاسخ به او می‌گوید: «چکها و سفته‌ها را به بانک ملی شعبه مرکز بفرستید تا مورد رسیدگی قرار گیرد»^۱

پس از این ملاقات، یزدانی چکها و سفته‌ها را به بانک تحویل می‌دهد و از سرافراز می‌خواهد که این کار سریع‌تر انجام پذیرد. سرافراز در بازجویی‌ای که از وی به عمل آمد در این مورد می‌نویسد یزدانی از قائمیان رئیس شعبه مرکزی بانک ملی خواست که با توجه به پشتوانه یکصد میلیون تومان چک و سفته‌هایی که به بانک تسلیم نموده چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال صادر کند و رئیس بانک این مبلغ را به صورت اوردرافت (overdraft) (علی‌الحساب) پردازد و یزدانی فردای آن روز مبلغ مذکور را به بانک مسترد نماید. لذا رئیس شعبه به علت نبودن خوش کیش در بانک با سهامی، معاون بانک، تلفنی تماس گرفت و سهامی در جواب اظهار داشت: «اگر یزدانی یک روز بعد پول را مسترد می‌دارد به مسئولیت خودتان پردازید» که در نتیجه مبلغ مذکور به یزدانی پرداخت شد و وی نیز یک روز بعد وجه مذکور را به بانک برگرداند.^۲

ضمناً یزدانی دو فقره درخواست دریافت اعتبار تهیه کرد که یکی را به بانک ملی شعبه مرکز و دیگری را به بانک ملی شعبه بازار تسلیم نمود ولی چون تقاضایش مورد تصویب قرار نگرفت به سرافراز گفت: «شاید آقای خوش کیش که اعتبارات مرا تصویب نمی‌کند پول می‌خواهد.» لذا دو فقره چک به مبلغ دو و سه میلیون تومان می‌نویسد و به سرافراز می‌دهد تا به خوش کیش تحویل نماید، و علاوه بر آن، مبلغ دویست هزار تومان نیز می‌دهد که ۵۰ هزار تومان به مرزبان معاون شعبه مرکزی و ۱۵۰ هزار تومان به

۱. سند شماره ۶۰-۱۰-۱۱۷ ای. ۲. همان سند.



هزیر یزدانی | ۳۸۸۹-۱-پا

قائمیان رئیس شعبه مرکزی داده شود. لذا سرافراز به بانک مراجعه و با ارائه دو فقره چک به مبلغ ۵ میلیون تومان جریان را با خوش‌کیش در میان می‌گذارد که در نتیجه خوش‌کیش ناراحت می‌شود و از سرافراز می‌خواهد که بلافاصله چکها را به یزدانی برگرداند و یزدانی هم تلفنی وصول دو فقره چک را به اطلاع خوش‌کیش برساند.^۱ سرافراز در ادامه این بازجویی می‌گوید:

اینجانب چگونگی را به یزدانی اطلاع دادم لیکن چون با سفر شاه به اصفهان الزاماً روز ۲۸ آبان ۱۳۵۴ عازم اصفهان بودم و این سه روز مقارن با واریز نمودن تعهد بانکی معادل مبلغ این دو فقره چک به حساب خودم از طرفی تعطیل پنجشنبه و جمعه بانک ملی بود. لذا از یزدانی و انهارای خواستم که در صورت موافقت دو فقره چک را به حساب مذکور منظور [کنند] و [امن] پس از مراجعت از اصفهان مسترد دارم. لذا با موافقت انهارای و یزدانی، هر دو چک برگشت شده بود و [امن] پس از مراجعت از اصفهان چک را به انهارای تحویل دادم و ایشان هم به یزدانی مسترد نمودند.^۲ ایشان از قبول آن خودداری و وجه مذکور را به حساب شماره ۸۰۱۰۰

۱. سند شماره ۶۱-۱۰-۱۱۷ی.

۲. سرافراز حتی در بازجوییهای مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ چنین اتهامی به خوش‌کیش وارد کرده می‌نویسد:

مورخ ۹ آذر ۱۳۵۴ یزدانی واریز قائمیان هم از قبول ۱۵۰ هزار تومان خودداری نمود و مبلغ مزبور نیز طی چک شماره ۶۰۶۹۱۲ مورخ ۱۶ آذر ۱۳۵۴ به یزدانی مسترد گردید.^۱

سرافراز همچنین اضافه می‌کند خوش‌کیش به هیچ وجه در این مسئله دخالتی نداشته و حتی با دیدن چکها ناراحت شده است، لذا اتهامات یزدانی در مورد درخواست رشوه از سوی خوش‌کیش فاقد اعتبار می‌باشد.

سرافراز دربارهٔ افتتاح و بسته شدن حساب یزدانی در بانک ملی نیز اظهار داشته است: یزدانی در بانک ملی شعبه مرکز حساب جاری افتتاح و چون حدود یکصد میلیون تومان چک و سفته در اختیار بانک قرار داده بود لذا رئیس شعبه مرکزی، با کسب اجازه تلفنی از معاون بانک و نیز با توجه به اعتبار یکصد میلیون تومان چک و سفته تسلیمی، با مسئولیت خود سیصد میلیون ریال به یزدانی پرداخت نمود و یزدانی هم روز بعد این مبلغ را به بانک مسترد داشت و مسئله بستن اعتبار در بین نبود. تقاضای یزدانی دایر بر دریافت مبلغ ۳۵۰۰ میلیون ریال اعتبار هم به علت تعهداتی که به بانکها داشته مورد تصویب قرار نگرفت.^۲

جهان‌بخش انهاری نیز، که از دوستان قدیمی هژبر یزدانی بوده و در چند شرکت و کارخانه او سمتهایی داشته، به علت دوستی‌ای که با سرافراز داشته است واسطه آشنایی بین سرافراز و یزدانی می‌شود و پس از چند جلسه ملاقات سه نفره، موضوع انسداد اعتبارات یزدانی در بانک ملی مطرح و سرافراز داوطلب می‌شود که به اختلاف میان خوش‌کیش و یزدانی خاتمه دهد.

انهاری که واسطه ارتباط یزدانی با سرافراز بوده است در مورد اختلافات یزدانی با خوش‌کیش اظهار می‌دارد که با صرف دو جلسه ناهار در رستوران و بانک رفع کدورت گردید و قرار شد یزدانی به منظور تحصیل اعتبار جدید دو تقاضا بدهد که این تقاضاها

→ یزدانی اظهار داشت من شنیده‌ام اگر آقای خوش‌کیش بخواهند اعتبارات مرا بدهند پول می‌گیرند بنده عرض کردم من در مدتی که ایشان را می‌شناسم هرگز چنین چیزی نشنیده‌ام ولی ایشان اصرار داشت که من مطمئن هستم و پس از مذاکراتی که به عمل آورد دفتر مرا به اتفاق انهاری ترک کرد چند روز بعد مجدداً مراجعه نمود و دو قطعه چک حامل جمعاً به مبلغ ۵۰ میلیون ریال نوشت و روی میز من گذاشت و گفت از شما می‌خواهم چکها را به آقای خوش‌کیش بدهید. من گفتم این کار را نمی‌کنم زیرا اگر آقای خوش‌کیش بفهمد چون قصد رشوه‌دادن دارید دوستی من هم با او قطع می‌شود ولی ایشان به اصرار چکها را روی میز من گذاشت و رفت. (سند شماره ۵۸-۱۴-۱۱۷ص).

۱. همان سند.

۲. همان، سندهای شماره ۶۲ تا ۶۱-۱۰-۱۱۷ی، و ۵۸-۱۰-۱۱۷ی.

نوشته و به سرافراز تحویل شد تا به بانک بدهد. در همین موقع یزدانی دو فقره چک به مبلغ دو و سه میلیون تومان نوشت و در اختیار سرافراز گذاشت. یزدانی نیز از حساب جاری بازشده در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۵۴ در بانک ملی شعبه مرکز به مبلغ سیصد میلیون ریال استفاده کرد و در مقابل ۲۰۰ هزار تومان به سرافراز داد که ۵۰ هزار تومان به مرزبانی و ۱۵۰ هزار تومان به قائمیان رئیس شعبه بانک بدهد که هر دو نفر از قبول این وجه خودداری کردند. ضمناً چون هیچ یک از تقاضاهای یزدانی در مورد تحصیل اعتبار به مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان در شعبات بازار و مرکز مورد تصویب قرار نگرفته بود انهارى از طرف یزدانی به سرافراز مراجعه کرد و چکهای دو و سه میلیون تومانی را که از طرف سرافراز پشت نویسی شده بود پس گرفت و به یزدانی تحویل داد. ضمناً یزدانی به او گفت: «کار خوش‌کیش به درازا کشیده و حکم توقیف خوش‌کیش صادر شده است و ممکن است از شما هم سؤالاتی بکنند». انهارى در مورد اختلافات محمد یگانه و خوش‌کیش با یزدانی اظهار می‌دارد که به علت اختلاف بین یگانه رئیس وقت بانک مرکزی و یزدانی، خوش‌کیش در اسفند ۱۳۵۳ به شعبه فردوسی بانک ملی دستور داد که از اعتبارات استفاده شده یزدانی جلوگیری و آنها را وصول کند. به این ترتیب، طی دو فقره چک، یکی در آخر سال ۵۳ و یکی در پایان فروردین ۵۴ اعتبار یزدانی را گرفتند و دیگر اجازه پرداخت اعتبار قبلی را ندادند.

همچنین در مواجهه‌ای که بین غلامعباس سرافراز و جهان‌بخش کنارسری انهارى داده شد هر دو نفر موضوع آشتی و رفع کدورت خوش‌کیش و یزدانی و نیز نحوه تحویل دو فقره چک به سرافراز و دوست هزار تومان به کارمندان بانک ملی را به شرح فوق تأیید نمودند. علاوه بر این، انهارى اظهارات یزدانی مبنی بر تهدید خوش‌کیش و سرافراز را که گفته بود: «علیه آنها اقدام خواهم نمود» تأیید کرد و پس از یک رشته بحث و گفت‌وگو بالاخره، تحت تأثیر عواطف خود، افزود: «حاضر نیستم به خاطر یزدانی شرافتم را از دست بدهم» و اضافه نمود: «بدون اطلاع یزدانی و سرافراز نزد سپهبد ایادی رفتم و جریان را به اطلاع ایشان رسانیده و گفتم که در این ماجرا سرافراز بی‌گناه است.» انهارى در خاتمه اظهار نمود دلایل و مدارکی که نادرستی خوش‌کیش را ثابت کند ندارد.^۱

سرانجام در پایان گزارش سرلشکر ارم، با استناد به اظهارات آگاهان و بررسی اسناد و مدارک معتبر و دفترهای بانکها و کارتهای هژبر یزدانی، چنین نظر داده شده است که:

۱. قطع اعتبار بانکی هژبر یزدانی در آخر اسفند ۱۳۵۳ و فروردین ۱۳۵۴ به علت واگذاری اعتبارات نامعقول که شعبه فردوسی در اختیار نامبرده قرار داده بود مورد

تأیید مسئولین بانک می‌باشد. اما در عوض اعتباری به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال برای سه کارخانه متعلق به وی و نیز ۵۰۰ میلیون ریال دیگر به شخص یزدانی اعتبار داده شده است.

۲. دو فقره تقاضای کتبی هژبر یزدانی که در تاریخ های ۳ و ۲۰ آذر ۱۳۵۴ به بانک ملی شعبات بازار و مرکزی به مبلغ ۳۵۰ میلیون تومان تسلیم گردیده و در آن تقاضای اعتبار مجدد شده است در کمیته اعتبارات بانک به طور شفاهی مطرح شد و با توجه به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ ۱۹۷ میلیون تومان در اختیار نامبرده و شرکت‌های وابسته به او گذاشته شده بود، مورد تصویب قرار نگرفت.

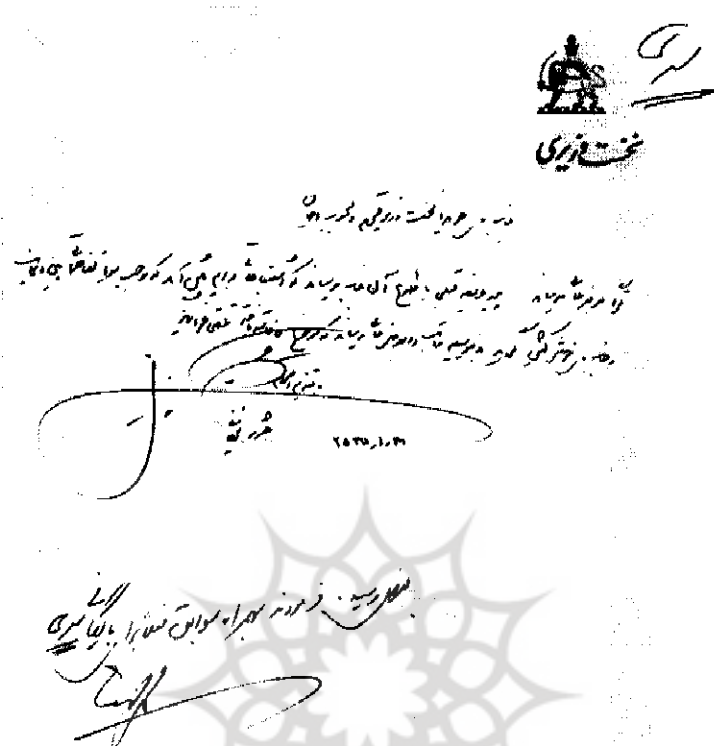
۳. موضوع افتتاح حساب جاری شماره ۸۵۱۱۳ به نام هژبر یزدانی در بانک ملی شعبه مرکز در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۶ و تسلیم حدود یک میلیارد ریال چک و سفته مدت‌دار به بانک و نیز دریافت مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال از همین حساب در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۷ به صورت علی‌الحساب و نیز استرداد مجدد آن به بانک مورد تأیید است لیکن موضوع تصویب اعتبار جدید به نام وی و قطع مجدد آن مورد تأیید نمی‌باشد.

۴. تسلیم دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان و ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد برای هر دو نفر کارمندان شعبه مرکزی بانک ملی توسط هژبر یزدانی به غلامعباس سرافراز به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت دریافت اعتبار جدید مورد تأیید می‌باشد که مراتب به اطلاع خوش‌کیش نیز رسیده لیکن نامبرده با رؤیت چک‌ها متغیر و از قبول آن خودداری و به سرافراز اظهار نموده چک‌ها را به یزدانی مسترد و حتی تلفنی و حضوری نیز از این عمل یزدانی گله نموده است. سرانجام با بررسی‌هایی که به عمل آمد دلایل یا مدارکی که نشان دهند خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای یزدانی نظر مادی داشته باشد به دست نیامد کما اینکه از مبالغ مذکور دیناری هزینه نشده و عیناً توسط سرافراز به یزدانی مسترد شده است.

۵. روابط نزدیک خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی با غلامعباس سرافراز از ۲۰ سال قبل شروع شده و مورد تأیید می‌باشد.^۱

به هر حال بعد از گذشت چندماه، ارتباط هژبر یزدانی با یوسف خوش‌کیش مجدداً برقرار گردید و پس از رفع اختلافاتی که بین آن دو وجود داشت هژبر یزدانی توانست اعتبارات بانکی خود را طبق روال گذشته به طور غیرقانونی دریافت نماید. چگونگی

۱. سند شماره ۶۸ تا ۶۷-۱۴-۱۱۷ ای. گزارش سرلشکر هوشنگ ارم به هویدا.



نامه هژیر یزدانی به امیرعباس هویدا | ۱۱۷-۱۰-۶۶ ی

رفع کدورت میان خوش‌کیش و هژیر یزدانی موضوع مهمی است که هیچ یک از اسناد و مدارک بانکی مربوط به هژیر یزدانی که در دسترس نگارنده بود نتوانست به رفع این ابهام کمک کند.^۱ تنها نامه مهمی که در این خصوص موجود می‌باشد نامه‌ای است که در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۵۵ هژیر یزدانی به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت نوشته است. یزدانی در این نامه اظهار می‌دارد:

پیرو عریضه قبلی، باطلاع آن جناب می‌رساند که اشتباهاتی برایم پیش آمد که موجب سوء تفاهماتی بین اینجانب و جناب آقای خوش‌کیش گردید. بدینوسیله مراتب را به عرض عالی می‌رساند که موضوع را خاتمه یافته تلقی فرمایند.^۲

۱. اما نکته‌ای که سؤال‌برانگیز بوده و جای تأمل دارد این است که هژیر یزدانی در بازجویی خود در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۶، در مورد اختلاف خود با خوش‌کیش می‌گوید: «بنده هنوز با آقای خوش‌کیش حرف نمی‌زنم. سروکاری هم ندارم چون از طرفین نامه‌ای گرفته شده در مقامات امنیتی که از هم شکایت نکنیم. از اینرو حرفی نمی‌زنم» (سند شماره ۶۱-۳۲-۱۱۷ ی).
 ۲. سند شماره ۶۶-۱۰-۱۱۷ ی.

علاوه بر این، نامه دیگری است که در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۵۶ یزدانی خطاب به خوش‌کیش رئیس کل بانک مرکزی ایران می‌نویسد. در این نامه یزدانی چنین اظهار کرده است:

اینجانب از سوء تفاهمی که چندی قبل بین جنابعالی و اینجانب رخ داد عمیقاً متأسفم و اجازه می‌خواهم که از جنابعالی به این مناسبت صمیمانه پوزش بطلبم.^۱

اینک برای روشن‌تر شدن مسئله فوق بهتر است موضوع اعتبارات دریافتی هژبر یزدانی از بانک ملی شعبه فردوسی را مورد بررسی قرار دهیم:

د. اعتبارات هژبر یزدانی در بانک ملی ایران شعبه فردوسی

در پی محدود شدن اعتبارات بانکی هژبر یزدانی، اداره بازرسی بانک ملی ایران در نامه مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۴ به اداره اعتبارات نوشت: پرونده رئیس شعبه فردوسی از اداره کارگزینی به کمیسیون تخلفات ارجاع شده است تا در مورد معاملات انجام یافته شعبه با هژبر یزدانی رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند. همچنین نامه مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۵۴ اداره اعتبارات به اداره بازرسی کل بانک حکایت از آن دارد که جریان معاملات شعبه فردوسی با هژبر یزدانی جهت رسیدگی به موضوع مزبور به آن اداره ارسال شده است. با وجود این نه تنها هیچ اقدام مؤثری در این خصوص صورت نگرفته است بلکه در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۵۴ شعبه فردوسی پیشنهاد نمود که ۲۰۰ میلیون ریال حساب جاری کارت شماره ۱۳۳ (مربوط به هژبر یزدانی) در مقابل سفته‌های فروشی که سررسید آن ۲۹ فروردین ۱۳۵۴ بوده و ۲۰۰ میلیون ریال حساب جاری موضوع کارت شماره ۱۴۳۷ که سررسید آن ۹ شهریور ۱۳۵۴ بوده است با همان شرایط برای مدت یک سال دیگر تمدید شود. علاوه بر این، پیشنهاد نمود کارتی به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال صادر شود که تسهیلات اعطائی یکجا نوشته شود.^۲

مضافاً اینکه در سال ۱۳۵۵ شعبه فردوسی به بانک ملی ایران پیشنهاد نمود اعتبار شماره ۱۲۴ (مربوط به هژبر یزدانی) با همان شرایط کارت قبلی در قبال واگذاری سفته و چکها به شعبه با همان شرایط به مدت یک سال تمدید شود.^۳

همچنین در تاریخ ۲ آذر ۱۳۵۶ شعبه فردوسی تقاضای تمدید اعتبار کارت شماره ۲۲۷۲/۷ تاریخ ۱۳۵۵/۶/۲۱ به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال را با همان شرایط نمود و اداره

۱. سند شماره ۱۱-۱۱-۳-۱۱۹.خ. ۲. سند شماره ۸۷ تا ۸۶-۲۶-۱۱۷.ای.

۳. سند شماره ۸۷-۲۶-۱۱۷.ای. *

اعتبارات نیز موافقت خود را با تمدید اعتبار مزبور در مقابل سفته و چکهای فروش اعلام داشت و برای آخرین بار به طوری که از درخواست اعتبار شماره ۷۰ مورخ ۱۳۵۷ برمی‌آید شعبه فردوسی تقاضای تمدید اعتبار کارت شماره ۲۵۱۷/۷ مورخ ۱۰ مهر ۱۳۵۶ و افزایش مبلغ آن از ۵۰۰ میلیون ریال به ۵۵۰ میلیون ریال را نمودند.^۱ در ذیل این درخواست جمله‌ای بدین شرح آمده است:

تعهد مشتری نزد سایر بانکها زیاد است و شعبه باید ترتیبی اتخاذ نماید که اضافه پرداختی هرچه زودتر واریز شود. شعبه پس از واریز به ازاء بدهی می‌تواند در سررسید کارت، پیشنهاد مجددی ارسال دارد.^۲

شعبه فردوسی نیز در جواب نامه اداره اعتبارات، نامه‌ای در مورخه ۴ مهر ۱۳۵۷ بدین شرح نوشت:

با وضعی که اخیراً برای هژبر یزدانی پیش آمده سفته‌های واگذاری او مینی به واخواست می‌گردد و حتی تعدادی از سفته‌های کوچک به مبلغ پانزده هزار ریال واگذاری نامبرده پرداخت نمی‌شود در صورتی که با سفته‌های جدید تعویض نگردد واخواست خواهد شد.^۳

در ادامه این نامه شعبه فردوسی همچنین تقاضای اجازه تجدید آنها و تمدید کارت حساب جاری نامبرده را نمود. اما با این پیشنهاد موافقت به عمل نیامد و دستور داده شد هرچه زودتر نسبت به تملیک وثائق که گرو بانک است اقدام شود.

روی هم‌رفته تعهدات هژبر یزدانی و شرکتهای وابسته به وی تا تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۷ برابر نامه شماره ۳۴/۷ اداره اعتبارات، دو میلیارد و هفتصد و دومیلیون ریال (۲/۷۰۲/۰۰۰/۰۰۰) بوده است. براساس آخرین رسیدگی‌ای که در مورد حساب هژبر یزدانی بابت ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار به عمل آمده است کارت حساب جاری نامبرده در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۵۷ مبلغ ۴۵۶ میلیون ریال بوده است. همچنین غیرمنقول نامبرده به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۵۷ برای اقدام قانونی به اداره دغاوی مطالبات بانک ارسال و سفته‌های واخواست به مبلغ ۲۰/۶۶۸/۷۰۰ ریال جهت طرح دعوی به اداره دغاوی فرستاده شد. علاوه براین، سفته‌های تضمینی سررسید نرسیده مبلغ ۳۱۰ میلیون ریال گزارش شده است.^۴

۱. همان سند. ۲. سند شماره ۸۸-۲۶-۱۱۷. ۳. سند شماره ۸۹-۲۶-۱۱۷. ۴. همان سند.

۵. ضرب و شتم جهانبخش کنار سری انهاری

درگیر و دار مناقشه‌ای که بین خوش‌کیش و یزدانی برپا شده بود اعترافات سرافراز و انهاری در داوری نهایی و صدور حکم نقش اساسی داشت؛ به همین دلیل انهاری برای اظهارات خود هزینه سنگینی پرداخت زیرا، برخلاف توقع یزدانی، انهاری حاضر به شهادت علیه خوش‌کیش نشد و به احتمال خیلی زیاد به واسطه اعترافات فوق بود که در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۵۴ مورد ضرب و شتم ایادی یزدانی قرار گرفت. در دادخواستی که انهاری مبنی بر ضرب و شتم خود به توسط ایادی یزدانی و نداشتن امنیت جانی خطاب به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت نوشته آمده است:

به دنبال افترای واهی آقای هژبر یزدانی علیه دستگاههای اقتصادی مملکت و صدور دستور رسیدگی از طرف آن جناب به تیمسار سرلشکر ارم، و احضار و توضیحات چاکر، واهی بودن اتهامات وارده را برای دستگاههای مأمور رسیدگی روشن ساخت و نیت آشوبگر نامبرده نقش بر آب گردید. از آن تاریخ مرتباً تهدید به قتل می‌گردیدم تا اینکه بعد از ظهر پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۵۴ در خیابان تکش مورد ضرب و جرح شش نفر از آدم‌کشان هژبر یزدانی که با اتومبیل پیکان نامبرده بودند قرار گرفتم و با وساطت عابرین نقشه خائنانه آنها که قصد قتل این جانب را نموده بود نقش بر آب شد. ولی از ناحیه پا مجروح [شدم] و پس از مراجعه به کلانتری ۴ و پزشکی قانونی اکنون در منزل بستری هستم و از آن به بعد نیز مرتباً به وسیله تلفن تهدید به قتل می‌شوم. اینک با نداشتن تأمین جانی دست توسل به این نخست‌وزیر [...] زده استدعا دارم مقرر فرمائید ترتیبی اتخاذ شود که چاکر هم مانند ۳۵ میلیون ایرانی از نعمت بزرگ امنیت که همیشه مورد نظر شاهنشاه [...] است بهره‌مند گردم.^۱

به هر حال در اثر ضرباتی که ایادی یزدانی به پای چپ جهانبخش انهاری وارد آوردند استخوان کاسه زانوی وی شکست و او به مدت شش روز در بیمارستان بستری شد؛ لیکن سه ماه بعد از ترخیص از بیمارستان در خیابان آبان زمین خورد و پس از انتقال به بیمارستان آمریکایی تهران، روز ۱۹ خرداد ۱۳۵۵ مورد عمل جراحی قرار گرفت؛ اما در حین عمل، قلبش چند دقیقه از کار افتاد و منجر به از کار افتادن مغز و اعصاب وی گردید. بعد در حالت اغمای مطلق و بیهوشی از اطاق عمل به اطاق مراقبت انتقال داده شد. حوادث مبهمی که در اطاق عمل اتفاق افتاد و منجر به حالت بیهوشی دائمی انهاری گردید باعث شد تا همسر انهاری از دکتر هومن ظهیری و دکتر مستانه صفوی به سازمان

۱. همان سند، شماره‌های ۴۲ تا ۴۱-۱۶-۱۱۷ی.

عین نقه فشانم آنکه که نقه حق انجلیت دادند
 نقش و آیه بر روی از ناله با کرم و بس از راه جلیوتی
 ۴ دگر بستی تازه آنرا در زان لسته هفت از آن
 دره نیز بر تاقه بر می توفن که بر توفن میوم از یک
 با بد توفن آینه جان بومست آوس جلیوتی
 بد جانی کشت دگر جوب زده بسته عدام
 نوزده به خطه توفن آینه از خطه که با کرم
 ۳۵ میون آینه از نقه توفن هفت که
 هفت بره نوان هفت آینه بر هفت بره نوان
 با توفن اقلام جلیوتی از آن
 ۱۱۷-۱۱-۳۱

عین نقه فشانم آنکه که نقه حق انجلیت دادند
 نقش و آیه بر روی از ناله با کرم و بس از راه جلیوتی
 ۴ دگر بستی تازه آنرا در زان لسته هفت از آن
 دره نیز بر تاقه بر می توفن که بر توفن میوم از یک
 با بد توفن آینه جان بومست آوس جلیوتی
 بد جانی کشت دگر جوب زده بسته عدام
 نوزده به خطه توفن آینه از خطه که با کرم
 ۳۵ میون آینه از نقه توفن هفت که
 هفت بره نوان هفت آینه بر هفت بره نوان
 با توفن اقلام جلیوتی از آن
 ۱۱۷-۱۱-۳۱

نامه جهانپخش انهاری به امیرعباس هویدا | ۱۱۷-۱۴-۴۱ ی

نظام پزشکی شکایت نماید.^۱ سازمان نظام پزشکی در پاسخ به نامه مورخ ۴ مرداد ۱۳۵۵ دکتر انواری وکیل همسر انهاری می نویسد:
 شکایت شما از آقای دکتر هومن ظهیری و خانم دکتر مستانه صفوی در دادسرای انتظامی نظام پزشکی مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از انجام تحقیقات لازم و طرح موضوع در کمیسیون کارشناسی چنین اظهار نظر شد:
 بیمار در مراحل آخر عمل دچار توقف قلب گردیده که این عارضه ناگهانی و غیر قابل پیش بینی است و در این باره اقدامات درمانی لازم به عمل آمده و قصور و

۱. در مصاحبه‌ای که نگارنده در تاریخ بهمن ۱۳۷۸ با خانم زهرا محمد حسین زاده عراقی (همسر انهاری) انجام داد وی مدعی شد که دکتر مستانه صفوی برای کشتن انهاری مبلغ یک میلیون تومان پول از هژیر بزدانی دریافت کرده بود.

تخلفی از طرف پزشک معالج و پزشک متخصص بیهوشی به وقوع نپیوسته است. بنابراین قرار منع تعقیب از لحاظ انتظامی صادر می‌گردد.^۱

اما پس از چندی در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۵۶ دکتر عالم‌زاده سرپرست مرکز پزشکی قانونی در نامه‌ای به بازپرسی شعبه ۸ دادسرای تهران اعلام داشت:

... از مجموعه اوراق پرونده مصدوم جهانبخش انهاری کنارسری که در اختیار پزشکی قانونی گذاشته شده است و مطالعه پرونده کیفری به شرح آتی اظهارنظر می‌شود:

۱. جهانبخش انهاری کنارسری در تاریخ ۵۴/۱۲/۲۱ به موجب اعلام کلاتری بخش ۴ مورد ایراد ضرب زانوی چپ قرار گرفته.

۲. در معاینه‌ای که در همان تاریخ از طرف پزشکی قانونی از مصدوم به عمل آمده شش روز مدت زمان برای ضربه زانو و صورت تعیین گردیده است.

۳. مدت درمان مندرج در گواهی فوق سپری شده لکن بهبودی نیافته است.

۴. کانون ضایعه ضربه‌ای زانو خاموش نشده و پیشرفت هم نموده است.

۵. بناچار به بیمارستان آمریکایی تهران مراجعه کرده و تحت عمل جراحی قرار گرفته.

۶. اوراق پرتونگاری شکستگی‌های متعدد کشکک و پوکی استخوان را در فاصله زمانی حدود یک ماه بعد از ضربه توجیه کرده‌اند.

۷. پوکی استخوان می‌تواند منجر به شکستگی خودبخود شود یا زمینه را برای ایجاد شکستگی در اثر کوچکترین حادثه و ضربه ایجاد کند.

۸. ضمن بیهوشی برای عمل جراحی زانو، مصدوم دچار ضایعات مغزی شده که منجر به از دست دادن قدرت تکلم و قدرت حافظه و قدرت شنوایی گردیده و تشنجات متناوب و بالاخره بی‌اختیاری دفع مدفوع و ادرار عارض شده و ضمناً از راه سوند معدی تغذیه می‌شود.

۹. معالجات در کشور اسرائیل نیز نتیجه‌بخش نبوده است.

۱۰. در مورد ضایعات مغزی و پیدایش عوارض مربوط به آن که در بند هشتم ذکر شده توجه را به نظریه شورای نظام پزشکی مرکز که در پرونده است معطوف می‌دارد.

۱۱. از مجموعه بررسیهای ده‌گانه اظهارنظر می‌شود که همه این ضایعات در پی ضربه اولیه وارد بر زانوی مصدوم پیش آمده است و رابطه سببیت را نباید از نظر

دور داشت. در مورد وضع آتی مصدوم نظر داده می‌شود که پیش آگهی بیمار وخیم است و قابل علاج به نظر نمی‌رسد.^۱

و خلاصه آنکه در ششم آبان ۱۳۵۷ - در ایام بازداشت هژبر یزدانی - نادر ذوالفقاری وکیل زهرا محمد حسین‌زاده عراقی (همسر انهاری) در نامه‌ای به بازپرس شعبه ۳ دادسرای تهران درخصوص تبانی یزدانی با دکتر اقراری، رئیس بیمارستانی که انهاری در آن بستری بوده است، نوشت:

در اینجا [بیمارستان] فی‌مابین دکتر اقراری، بهائی و هم‌مسلك هژبر، و هژبر توافق می‌شود که در لحظه عمل جراحی بر روی آقای انهاری جریان اکسیژن بیمارستان را قطع کنند تا انهاری و رازها و دانسته‌ها و آرزوهایش برای همیشه دنیای هژبر آقارا ترک بگویند و همین کار را هم می‌کنند.^۲

ذوالفقاری در ادامه این نامه می‌نویسد:

در یک بیمارستان عریض و طویل و مجهز که هر لحظه چندین نفر زیر عمل جراحی قرار دارند قطع جریان اکسیژن اطافهای عمل نمی‌تواند امری اتفاقی باشد همچنانکه اتفاقی نبود که در لحظه عمل جراحی انهاری هیچ مریض دیگری را به تخت عمل قرار نداده بودند؟ استدعا دارد به این قضایا دقیقاً عنایت فرموده و نیز تحقیق شود که مسئول دستگاه اکسیژن در آن روز چه کسی بوده و هویت و موقعیت او چیست؟

وی همچنین می‌افزاید:

هرچند اینکه حالت کما و بیهوشی انهاری ناشی از ضربه وارده به او می‌باشد ولی در صورتی که مقام بازپرسی تحقیق بیشتری لازم بدانند در این مورد پرفسور سمعی استاد ایرانی دانشکده‌های پزشکی آلمان که از آغاز در جریان بوده‌اند حاضر به ادای شهادت می‌باشند و بارها به عنوان یک وظیفه شرعی آمادگی خود را در این مورد اعلام کرده‌اند.^۳

اما آخرین مدرک معتبری که درخصوص پرونده ضرب و شتم جهانبخش انهاری توسط ایادی هژبر یزدانی موجود می‌باشد گزارشی است که در تاریخ نهم آبان ۱۳۵۷ حسین فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی خطاب به محمدرضا پهلوی نوشته است.

۲. همان، سند شماره ۹۰-۲۱-۱۱۷.ی.

۱. همان، سند‌های شماره ۷۳ تا ۷۲-۳۰-۱۱۷.ی.

۳. همان، سند شماره ۹۱-۲۱-۱۱۷.ی.

متن این گزارش به شرح زیر می‌باشد:

مفتخراً به شرف عرض می‌رساند: عریضه بانو زهرا انهاری مبنی بر اینکه شوهرش وسیله هژبر یزدانی مضروب شده و بعد از انجام عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده، از شرف عرض گذشت. اوامر ملوکانه شرف صدور یافت: «بازرسی شاهنشاهی به مطالب این زن رسیدگی کند.» در اجرای اوامر همایونی، درباره اتهامات وارد به هژبرالله یزدانی [...] تحقیق، موارد عنوان شده و نتیجه تحقیق مربوط به هر مورد به شرح زیر می‌باشد:

قسمت یکم عریضه [...] نتیجه تحقیق:

الف - ادای شهادت جهان‌بخش کنارسری انهاری (شوهر بانو انهاری) برخلاف میل هژبرالله یزدانی و مضروب شدن او وسیله ایادی وی تأیید می‌گردد.

ب - طبق محتویات پرونده متشکله در کلانتری چهار تهران، مضروب، ضاربین را هژبرالله یزدانی و پنج نفر سرنشینان خودرو پیکان متعلق به او معرفی و درخواست رسیدگی نموده، حین رسیدگی در کلانتری، چون شاکلی از شکایت خود (مشروط بر اینکه هژبرالله یزدانی از وی عذرخواهی نموده و کارمندان مهاجم خود را تنبیه کند) صرف‌نظر نموده، پرونده امر به دادسرا ارسال و به لحاظ اعلام گذشت شاکلی، بموقوفی تعقیب منتهی شده.

قسمت دوم عریضه [...] نتیجه تحقیق:

الف - ضربیدگی پای چپ مضروب و هم‌چنین شکستگی استخوان زانو همان پای او بعد از سه ماه که ناشی از زمین خوردن وی حین عبور از جوی آب بوده تأیید می‌گردد، پزشک معالج در مورد وجود رابطه بین وارد آمدن ضربه قلبی و شکستگی بعدی زانوی پای بیمار اظهار داشت: چون در رادیوگرافیهای قبل از عمل پوک شدن استخوان پا که ناشی از استفاده کم از زانوی ضربیدگی می‌باشد به وضوح به چشم می‌خورد، همین موضوع می‌تواند عامل زمینه‌سازی برای شکستگی زانوی انهاری حین سقوط به زمین باشد...^۱

علاوه بر این فردوست در این مورد در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۵۷ نامه‌ای خطاب به شریف‌امامی نخست‌وزیر وقت نوشت و از وی درخواست رسیدگی نمود. متن نامه مذکور بدین شرح است:

جناب آقای شریف‌امامی نخست‌وزیر

گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۹ درباره عریضه بانو زهرا انهاری مبنی بر اینکه شوهرش

وسيله هژبر یزدانی مضروب شده و بعد از عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده که فتوکی آن به پیوست می‌باشد از شرف عرض مبارک ملوکانه گذشت. اوامر شاهانه در مقابل پیشنهاد شرف صدور یافت: «بفرستید»^۱ متمنی است مقرر فرمائید نتیجه اقدام را اعلام دارند تا به شرف عرض مبارک شاهانه برسد. رئیس بازرسی شاهنشاهی ارتشبد حسین فردوست.^۲

به هرحال جهانبخش کنارسری انهاری پس از تحمل سه سال زندگی مشقت‌بار در حالت اغماء، سرانجام در دوم آذر ۱۳۵۷ زندگی را بدرود گفت. پرونده شکایت جهانبخش انهاری از یزدانی به اتهام معاونت در ایراد ضرب منتهی به نقص عضو نامبرده نیز که با اعلام انصراف انهاری از تعقیب کیفری متهمان در اسفند ۱۳۵۴ در کلانتری ۴ تهران مختومه اعلام شده بود،^۳ به بازپرسی شعبه ۱۴ دادسرای تهران که در ایام بازداشت یزدانی (۲۴ مرداد تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) مأمور رسیدگی به کلیه جرائم کیفری نامبرده شده بود ارجاع گردید. لیکن - همان‌طور که قبل از این خاطر نشان شد - با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و بازشدن در زندانهای کشور، نامبرده از زندان گریخت و پرونده کیفری او به محکمه تاریخ سپرده شد.

در پایان بخشی از گزارش مورخ ۵۷/۶/۲ ساواک راجع به ملاقات و گفتگوی دکتر مهدیان با دکتر محمود عنایت و احسان نراقی - پیرامون مصاحبه عنایت با شاه - آورده می‌شود. در این گزارش، ارتباط هژبر یزدانی با نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک و عبدالکریم ایادی و ماجرای پیشنهاد رشوه از جانب هژبر یزدانی به یوسف خوش‌کیش که در نهایت منجر به ضرب و شتم جهانبخش انهاری گردید به طور آشکار تأیید شده است. در ادامه این گفتگو احسان نراقی خطاب به مهدیان چنین می‌گوید:

مسئله هژبر یزدانی که [عبدالکریم] ایادی معرف وی بوده و نصیری شریکش. ایادی وی را جهت اخذ وام ۳۰۰ میلیون تومان به خوش‌کیش [رئیس بانک ملی] معرفی می‌کند و زمانی که خوش‌کیش به علت اینکه قبلاً وام گرفته موافقت نمی‌کند نصیری طی گزارشی مراتب را به عرض شاه می‌رساند و چنین وانمود می‌کند که خوش‌کیش رشوه می‌خواسته و دو نفر را به عنوان شاهد اسم برده‌اند که شاه این پرونده را می‌دهد به هویدا برای رسیدگی، که هویدا نیز زرنگی می‌کند و می‌دهد به دستگاهی

۱. منظور، فرستادن بازرسی جهت رسیدگی به پرونده یادشده می‌باشد. همان، سند شماره ۷۹-۲۱-۱۱۷ ای.
 ۲. لازم است یادآوری شود که اعلام انصراف جهانبخش انهاری از تعقیب کیفری متهمان بعد از اظهار ندامت هژبر یزدانی در حضور فرمانده کلانتری ناحیه ۴ و نیز متعهد شدن نامبرده درخصوص تنبیه متهمان (که از ایادی او بودند) انجام پذیرفت. (سند شماره ۶۰-۳۱-۱۱۷ ای).

که خارج از دسترس و کنترل نصیری بوده و دو نفر را می‌خواهند و بازجویی جدی می‌کنند اعتراف می‌کنند که گزارش خلاف واقعیت است و گفته‌اند که ما رفته بودیم رشوه برده بودیم برای خوش‌کیش نه اینکه خوش‌کیش از ما رشوه بخواهد و آن وقت آن دو نفر آزاد می‌شوند و دو روز بعد می‌دهد به چاقوکشهای خودش که این بابا را که کارمند خودش هم بوده است بزنند و بکشند که آنان نیز بقصد کشتن می‌زنند و داخل جوی آب اندازند. لکن بعد زنده می‌شود و می‌برند بیمارستان و هویدا از ماجرا مطلع می‌شود و می‌گوید که این فرد [انهاری] را از طرف بودجه محرمانه دولت بخارج ببرند که شش ماه ۳۰۰ هزار تومان خرج وی می‌شود و برمی‌گردد ایران و هنوز خوب نشده است. عجیب اینجا است که چطور ممکن است نخست‌وزیرش در جریان باشد و نتواند تعقیب کند او را و بعد هم در روزنامه نوشته شود و خبرنگار رستاخیز نیز در همین زمینه از شاه سؤال کند.

در ادامه سخنان نراقی، مهدیان اظهار می‌دارد:

درست است. زمانی که سؤال شد چرا دادگستری در این مدت سکوت کرده و پرونده‌ها را یک جا اکنون می‌خواهند جمع کنند و رسیدگی کنند.

در پایان نراقی اظهار می‌نماید:

برای اطلاع بگویم که در چند شرکت عمده یزدانی یکی از صاحبان عمده پسر ارتشبد نصیری است که شش سال بیشتر ندارد و به همین علت من تصمیم دارم که بگویم هرکس که در جریان پرونده هژبر دست دارد باید رو شود چون در غیر این صورت اقتضاح خواهد شد.^۱

اینک برای روشن‌تر شدن قضایای مربوط به اختلافات هژبر یزدانی با محمد یگانه و یوسف خوش‌کیش که منجر به ضرب و شتم جهانبخش انهاری توسط ابادی هژبر یزدانی شد. گزیده‌ای از اسناد مربوط به آن درج می‌گردد:

۱. داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸-۲۵۹.

[۱]

نامه هژبر یزدانی به محمدرضا پهلوی در مورد اختلافات وی با
یگانه رئیس بانک مرکزی ایران

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
مفتخراً به شرف عرض خاکپای همایونی می‌رساند. رئیس بانک مرکزی ایران که به
جهاتی مایل به خرید سهام و سرمایه‌گزاری از طرف فدوی در بانک اصناف ایران نبوده
دست به اقداماتی ناروانی زده که ناگزیر به عرض تظلم به خاکپای همایونی و مراجع
ذیصلاحیت کشور شدم ولی نامبرده برای آنکه اعمال خلاف خود را پرده‌پوشی نماید
شروع شایعه‌سازی علیه فدوی نموده مبنی بر اینکه هژبر یزدانی با صدور چک بلامحل
و داشتن تعهدات سنگین در بانکها تصمیم دارد با خرید اکثریت سهام بانکها برای خود
شخصیت کاذب اقتصادی به وجود آورده و مدیریت بانکها را در دست بگیرد و با این
عمل ایجاد محدودیتهای اعتباری برایم فراهم نموده به نحوی که هر آن امکان دارد
فدوی را تحت فشار قرار دهد تا سهام خود را ناگزیر به خارج‌جیانی که مورد نظر او
می‌باشند واگذار نمایم.

چون مشارالیه از مقام و موقعیت اداری خود سوءاستفاده و با اعمال قدرت و نفوذی
که در بانکها دارد نسبت به اعتبارات فدوی که از تمام افراد هم‌سطح کم‌تر و شاید یک
سوم آنها هم نباشد و همچنین اعتبارات اجتماعیم تردید ایجاد و حیثیت فردی را که
هنور پایش به خارج از کشور نرسیده و دیناری در خارج از مملکت سرمایه‌گزاری نکرده
و تنها هدفش خدمت به شاهنشاه و میهن است در جامعه جریحه‌دار می‌نماید از خاکپای
همایونی استدعا دارد مقرر فرمایند بازرسینی خارج از کادر بانکها که زیر نفوذ آقای
یگانه نباشند موضوع را بررسی و حقایق امر را روشن نموده مراتب را به شرف عرض
ملوکانه برسانند.

غلام جان‌نثار

هژبر یزدانی

[۱۱۷-۱۲۲ ی]

[۲]

نامه سرلشکر هوشنگ ارم به دادسرای تهران

نخست‌وزیری

جناب آقای فرشچی

بازپرس شعبه چهارم دادسرای تهران

بازگشت به نامه شماره ۴-۱۷۶/۵۳۶ مورخ ۲۵۳۷/۲/۲۳ به پیوست ۱۰۶ برگ

پرونده متشکله در مورد آقای هژبر یزدانی به انضمام عین چکهای مربوط جهت استحضار ارسال می‌گردد. خواهشمند است وصول آن را اعلام فرمایند.

بازرس مخصوص نخست‌وزیر

سرلشکر هوشنگ ارم

[۵۸-۱۰-۱۱۷ ی]

[۳]

گزارش سرلشکر هوشنگ ارم به امیرعباس هویدا

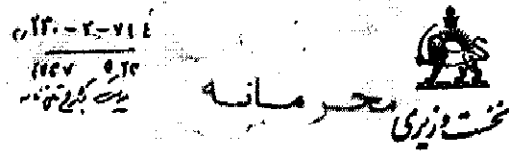
نخست‌وزیری

تاریخ ۵۴/۱۱/۸

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران

محترماً به استحضار عالی می‌رساند. آقای هژبر یزدانی در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۴ دادخواستی به جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌دارد مبنی بر اینکه در اثر اختلافات اینجانب با آقای دکتر یگانه اعتبارات بانکی اینجانب در بانک ملی و بعضی از بانکها بسته شد. و در آبان ماه سال جاری آقای عباس سرافراز که معروف به واسطه و دلال آقای خوش‌کیش نزد تجار و بازرگانان است و اعتبارات مردم را او درست می‌کند، ایشان با یکی از دوستان با من آشنا شد و بعد از چند روز در (لوتریک - چاتانوگا) با آقای خوش‌کیش نهار صرف شد. بعد از دو روز ایشان در دفترشان بنده و آقای سرافراز را مهمان نموده و اظهار نمودند که چون آقای دکتر یگانه عوض شده اعتبار تو را مجدداً مفتوح می‌نمایم.

فردای آن روز آقای سرافراز با بنده ملاقات و اظهار نمودند، آقای خوش‌کیش توقعاتی دارند و بنده در دو مرحله دو فقره چک به مبلغ ۵۰ میلیون ریال در وجه حامل به ایشان دادم و روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ در شعبه مرکزی بانک ملی ۳۰۰ میلیون ریال به بنده پرداخت شد و فردای آن روز آقای سرافراز وسیله شعبه مرکزی چکها را به بانک ملی فردوسی فرستادند که نقد کنند. بنده به ایشان گفتم، باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود و بنده هم چکها را بپردازم. ایشان اظهار نمودند آقای خوش‌کیش به شما جمله‌ای مبنی بر ۳ یا ۵ یا ۱۰ میلیون تومان گفته‌اند؟ اظهار داشتم درست است، گفتند ایشان برای باز شدن اعتبارات شما کمتر از ده میلیون تومان نمی‌خواهند، اجباراً اظهار نمودم بنده از اعتبار گذشتم و چکها را پس گرفتم. روز سی‌ام آبان ماه رئیس شعبه مرکزی بانک ملی به من تلفن کردند که سی میلیون تومانی که گرفته‌اید باید دوباره پس بدهید، بنده فوراً پرداختم. ضمناً به آقای سرافراز و آقای



جناب آقای فرحجسی

بازرئیس ششم چهارم دادسرای تهران

بارکنت بنامه شماره ۱۷۶/۵۲۶ - ۲ مورخ ۲۸۲۷/۹/۲۲
بمبوست ۱۰۶ برگ پرونده متنگه در مورد آقای هژیر یزدانی
بانضمام سبب‌های مربوط جهت استحضار ارسال میگردد.
خواهشمند است وصول آنرا اعلام فرمایند.

بازرئیس محترم نخست وزیر
سرلشکر هوشنگ ارم

نامه سرلشکر هوشنگ ارم به دادسرای تهران | ۱۱۷-۱۰-۵۸ ی

خوش‌کیش گفتم که چرا داده‌اید و سه روزه پس بدهم، آقای خوش‌کیش گفتند علتش را خود شما بهتر می‌دانید و با تقدیم فتوکپی چکها تقاضای تحقیق و رسیدگی نموده است. جناب آقای نخست‌وزیر حضوراً مقرر فرمودند "رسیدگی و گزارش گردد". در اجرای اوامر آنجناب، با همکاری مأمورین امنیتی تحقیقات همه‌جانبه‌ای انجام و نتیجه به شرح زیر می‌باشد.

تحقیقات انجام شده

به منظور تعیین صحت یا سقم اظهارات آقای هژیر یزدانی، آقایان مهندس غلامعباس سرافراز مدیرعامل شرکت ساختمانی آکروپیل واسطه دریافت چک و همچنین جهان‌بخش کنارسری انهاری مدیرعامل شرکتهای کشت و صنعت شاهین و مدیر کفش اطمینان و عضو هیئت مدیره کارخانجات قند اصفهان و قزوین که دوست و همکار آقای هژیر یزدانی بوده و از طرف مشارالیه در مشاغل مورد اشاره انجام وظیفه می‌نماید، احضار و در تحقیقاتی که از آقای مهندس غلامعباس سرافراز به عمل آمد اظهار داشت: «چندی قبل آقای جهان‌بخش انهاری به مشارالیه مراجعه و اظهار داشته که حدود ۹ ماه است که آقایان خوش‌کیش و یزدانی روی مسائل بانکی و اعتباری اختلاف دارند، چنانچه شما بتوانید بین این دو نفر رفع کدورت بنمائید خیلی خوب است روی

این اصل اینجانب با آقای خوش‌کیش ملاقات و موضوع را با ایشان مطرح تا اینکه در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۱۲ آقایان خوش‌کیش و هژبر یزدانی ناهار را در رستوران (لوتریک - چاتانوگا) صرف نموده و با این ترتیب مراسم آشتی انجام و رفع سوء تفاهم گردید. متقابلاً آقای خوش‌کیش از آقای یزدانی دعوت نمود که در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۱ در دفتر آقای خوش‌کیش ناهار صرف نماید لذا روز مذکور آقای یزدانی اظهار داشت «همان طوری که اطلاع دارید من در شعبه فردوسی بانک ملی حدود ۳۴۰ میلیون تومان اعتبار داشتم که استفاده نمی‌کنم و قطع شده است». آقای خوش‌کیش اظهار داشتند «چون این اعتبار شما غیرقانونی و بدون مجوز اداره اعتبارات کل بانک ملی بوده و فقط با موافقت رئیس شعبه انجام می‌گرفت قطع گردید که در نتیجه برای شما ناراحتی به وجود آمد و باعث سوء تفاهم شد و من نمی‌توانم در این حدود برای شما ایجاد اعتبار نمایم، باید صبر کنید تا سال آینده اگر وضع اقتصادی بهتر شد استفاده نمایم. البته نه به این مبلغ بلکه صورت شرکتها و معاملات خود را کتباً بدهید تا رسیدگی شود، اگر قابل پرداخت بود مبلغی به شما کمک مجدد خواهد شد». آقای یزدانی اصرار نمودند که «من اکنون متجاوز از یک صد میلیون تومان چک و سفته و عده‌دار دارم که می‌خواهم به بانک ملی بسپارم و اعتباری بگیرم» آقای خوش‌کیش گفتند «چکها و سفته‌ها را به بانک ملی شعبه مرکز بفرستید تا مورد رسیدگی قرار گیرد». آقای یزدانی بعداً چکها و سفته‌ها را به بانک تحویل دادند و از من خواستند که کمک کنم تا گزارش این کار زودتر داده شود و به اتفاق به بانک مراجعه نمودیم ایشان از آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی بانک ملی خواستند که با توجه به پشتوانه یک صد میلیون تومان چک و سفته‌هایی که به بانک تسلیم نموده‌اند چکی به مبلغ سیصد میلیون ریال صادر کنند و رئیس بانک این مبلغ را به صورت (اوردرافت) یا علی‌الحساب بپردازند و ایشان فردای آن روز مبلغ مذکور را به بانک مسترد نمایند، لذا رئیس شعبه به علت نبودن آقای خوش‌کیش در بانک با آقای سهامی معاونت بانک تلفنی تماس حاصل و آقای سهامی اظهار می‌دارند «اگر آقای یزدانی یک روز بعد پول را مسترد می‌دارند به مسئولیت خودتان بپردازید» که در نتیجه مبلغ مذکور به آقای یزدانی پرداخت شد و ایشان نیز یک روز بعد وجه مذکور را به بانک مسترد داشتند. ضمناً آقای یزدانی دو فقره درخواست تحصیل اعتبار تهیه که یکی را به بانک ملی شعبه مرکز و دیگری را به بانک ملی شعبه بازار تسلیم نموده بودند و چون تقاضاهای ایشان مورد تصویب قرار نگرفته بود، به اینجانب اظهار داشتند «شاید آقای خوش‌کیش که اعتبارات مرا تصویب نمی‌کند پول می‌خواهد» لذا دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان نوشته و به اینجانب تحویل نمودند تا به آقای خوش‌کیش بدهم و علاوه بر آن مبلغ دویست هزار تومان نیز دادند که ۵۰ هزار تومان به آقای مرزبان معاون

تاریخ ۱۱/۳/۵۴
شماره
پست



جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران

محترماً با استحضار مالی میسراند . آقای هزبریزدانی در تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۴ درخواستی به جناب آقای نخست وزیر تقدیم مداردمینی براینکه " در تراختلافات اینجناب با آقای دکتر یگانه اعتبارات بانکی اینجناب در بانک ملی و محضی از بانکها بسته شد . و در آبان ماه سال جاری آقای عباس سرافراز که معروف به واسطه و دلال آقای خوش کیش نزد تجار و بازرگانان است و اعتبارات مردم را اور دست میکند . ایشان با یکی از دوستان با من آشنا شد و بعد از چند روز در (لوتربک - چاتانوکا) با آقای خوش کیش ناهار صرف شد . بعد از دو روز ایشان در دفترشان بنده و آقای سرافراز را مهیاان نموده و اظهار نمودند که چون آقای دکتر یگانه مومن شده اعتبارات را مجدداً مفتوح مینمایم .

فردای آن روز آقای سرافراز با بنده ملاقات و اظهار نمودند . آقای خوش کیش توضیحاتی دارند و بنده در دو مرحله دوفقره چک مبلغ ۵۰ میلیون ریال در وجه حامل با ایشان دادم و روز ۱۳۵۳/۸/۲۸ در نصاب مرکزی بانک ملی ۳۰۰ میلیون ریال به بنده پرداخت شد و فردای آن روز آقای سرافراز وسایل تهیه مرکزی چک همراه بانک ملی فردوسی فرستادند که نقد کنند . بنده با ایشان گفتم . باید تمام اعتبار بنده که حدود ۳۵۰ میلیون تومان است باز شود و بنده هم چکیار ابردارم . ایشان اظهار نمودند آقای خوش کیش بشما حمله ای مینی بر ۳ یا ۵ یا ۱۰ میلیون تومان گفته اند ؟ اظهار داشتم درست است . گفتند ایشان برای باز شدن اعتبارات شما کشتی ۱۰ میلیون تومان نمیخواهند . اخیاراً " اظهار نمودم بنده از اعتبار گذشتم و چکیار ایس گرفتم . روز سی ام آبانماه رئیس شعبه مرکزی بانک ملی بمن تلفن کردند که سی میلیون تومان که گرفته اید باید دوباره پس بدهید . بنده فوراً پرداختم . ضمناً به آقای سرافراز آقای خوش کیش گفتم که چرا داده اید و سه روزه پس بدهید . آقای خوش کیش گفتند ملتئ را عود شما بهتر میدانید " و با تقدیم فتوکی چکیار آقایانای تحلیق و رسیدگی نبوده است .

گزارش سرلشکر هوشنگ ارم به امیرعباس هویدا | ۵۹-۱۰-۱۱۷ ی

شعبه مرکزی و ۱۵۰ هزار تومان به آقای قائمیان رئیس شعبه مرکزی بدهم، لذا اینجانب به بانک مراجعه و با ارائه دو فقره چک به مبلغ ۵ میلیون تومان جریان را با آقای خوشکیش در میان گذاردم که در نتیجه آقای خوشکیش ناراحت شده و از من خواستند که بلافاصله چکها را به آقای یزدانی برگردانم و آقای یزدانی هم تلفنی وصول دو فقره چک را به اطلاع آقای خوشکیش برسانند. اینجانب چگونگی را به آقای یزدانی اطلاع دادم لیکن چون با تشریف‌فرمائی شاهنشاه آریامهر به اصفهان الزاماً روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ عازم اصفهان بودم و این سه روز مقارن با واریز نمودن تعهد بانکی معادل مبلغ این دو فقره چک به حساب خودم و از طرفی تعطیل پنجشنبه و جمعه بانک ملی بود لذا از آقای یزدانی و انهارى خواستم که در صورت موافقت دو فقره چک را به حساب مذکور منظور و پس از مراجعت از اصفهان مسترد دارم لذا با موافقت آقایان انهارى و یزدانى چکها را پشت‌نویسی کرده و به بانک تحویل نمودم که در نتیجه به علت نبودن موجودی در حساب آقای یزدانى، هر دو چک برگشت شده بود (عین برگ برگشت چک به پیوست می‌باشد) و پس از مراجعت از اصفهان چک را به آقای انهارى تحویل دادم و ایشان هم به آقای یزدانى مسترد نمودند.

در مورد ۲۰۰ هزار تومان نیز که ۵۰ هزار تومان آن به آقای مرزبان معاون شعبه مرکزی داده شده بود، ایشان از قبول آن خودداری و وجه مذکور را به حساب شماره ۸۰۱۰۰ مورخ ۱۳۵۴/۹/۹ آقای یزدانى واریز و آقای قائمیان هم از قبول ۱۵۰ هزار تومان خودداری که مبلغ مزبور نیز طی چک شماره ۶۰۶۹۱۲ مورخ ۱۳۵۴/۹/۱۶ به آقای یزدانى مسترد گردید. آقای غلامعباس سرافراز اضافه نمود که آقای خوشکیش به هیچ وجه در این مسئله دخالتی نداشتند و حتی با دیدن چکها ناراحت نیز شدند و اتهامات آقای یزدانى در این مورد را رد کردند. آقای سرافراز در زمینه افتتاح و بسته شدن حساب آقای یزدانى در بانک ملی اظهار داشتند، آقای یزدانى در بانک ملی شعبه مرکز حساب جاری افتتاح و چون حدود یک صد میلیون تومان چک و سفته در اختیار بانک قرار داده بودند لذا رئیس شعبه مرکزی با کسب اجازه تلفنی از معاون بانک و نیز توجه به اعتبار یک صد میلیون تومان چک و سفته تسلیمی، با مسئولیت خود سیصد میلیون ریال به آقای یزدانى پرداخت و آقای یزدانى هم روز بعد این مبلغ را به بانک مسترد می‌دارد و مسئله بستن اعتبار در بین نبوده است و تقاضاهای آقای یزدانى دایر بر دریافت مبلغ ۲۵۰۰ میلیون ریال اعتبار هم به علت تعهداتی که ایشان به بانکها داشته‌اند مورد تصویب قرار نگرفته است.

آقای جهان‌بخش انهارى در تحقیقات معموله اظهار داشت که از دوستان قدیمی آقای هژبر یزدانى بوده و از طرف ایشان در چند شرکت و کارخانه اموری به ایشان محول شده

و به علت دوستی که با آقای سرافراز داشته واسطه آشنایی بین سرافراز و یزدانی می‌شوند و پس از چند جلسه ملاقات سه نفری موضوع استرداد اعتبارات یزدانی در بانک ملی مطرح و آقای سرافراز داوطلب شد که به اختلاف فی مابین خوش‌کیش و یزدانی التیام دهد که با صرف دو جلسه نهار در رستوران و بانک رفع کدورت گردید و قرار شده بود که آقای یزدانی به منظور تحصیل اعتبار جدید دو تقاضا بدهد که این تقاضاها نوشته شد و به آقای سرافراز تحویل گردید تا به بانک بدهد. در همین موقع آقای یزدانی دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان نوشته و در اختیار آقای سرافراز گذاردند آقای یزدانی نیز از حساب جاری باز شده در تاریخهای ۲۵ یا ۲۶/۹/۱۳۵۴ در بانک ملی شعبه مرکز به مبلغ سیصد میلیون ریال استفاده کردند و در مقابل ۲۰۰ هزار تومان به سرافراز دادند که ۵۰ هزار تومان به مرزبانی و ۱۵۰ هزار تومان به قائمیان رئیس شعبه بانک بدهد که هر دو نفر از قبول این وجه خودداری نموده بودند ضمناً چون هیچ یک از تقاضاهای یزدانی در مورد تحصیل اعتبار به مبلغ ۳۵۰۰ میلیون ریال در شعبات بازار و مرکز مورد تصویب قرار نگرفته بود، لذا اینجانب از طرف یزدانی به سرافراز مراجعه و چکهای ۲ و ۳ میلیون تومانی را که از طرف سرافراز پشت‌نویسی شده بود پس گرفته و به یزدانی تحویل نمودم.

ضمناً یزدانی به من گفت که «کار خوش‌کیش به درازا کشیده و حکم توقیف خوش‌کیش صادر شده است و ممکن است از شما هم سنوالاتی بکنند». آقای انهاری در مورد اختلافات آقایان دکتر محمد یگانه و خوش‌کیش و یزدانی اظهار می‌دارد که به علت اختلاف بین دکتر محمد یگانه رئیس وقت بانک مرکزی و آقای یزدانی، آقای خوش‌کیش در بهمن و اسفند ماه سال ۱۳۵۳ به شعبه فردوسی بانک ملی دستور داد که از اعتبارات استفاده شده آقای یزدانی جلوگیری نموده و نسبت به وصول آن اقدام نمایند و با این ترتیب طی دو فقره چک در آخر سال ۵۳ و یک فقره هم در پایان فروردین ۵۴ اعتبار آقای یزدانی را اخذ و دیگر اجازه پرداخت اعتبار قبلی را ندادند.

در مواجهه‌ای که بین آقایان مهندس غلامعباس سرافراز و جهان‌بخش کنارسری انهاری داده شد، هر دو نفر موضوع آشتی و رفع کدورت آقایان خوش‌کیش و یزدانی و نیز نحوه تحویل دو فقره چک به آقای سرافراز و دویست هزار تومان به کارمندان بانک ملی را به شرح فوق تأیید و علاوه بر آن انهاری اظهارات یزدانی مبنی بر تهدید خوش‌کیش و سرافراز را که گفته بود «علیه آنها اقدام خواهم نمود» تأیید و پس از یک سلسله بحث و گفتگو بالاخره تحت تأثیر عواطف خود افزود «حاضر نیستم به خاطر یزدانی شرافتم را از دست بدهم» و اضافه نمود بدون اطلاع یزدانی و سرافراز نزدیکی از مقامات رفتم (تیمسار سپهد دکتر ایادی) و جریان را به اطلاع ایشان رسانیده و گفته

است که در این ماجرا سرافراز بی‌گناه است انهارى در خاتمه اظهار نمود، دلايل و مداركى كه نادرستى آقاى خوش‌كيش را ثابت كند ندارد.

به منظور ملاحظه دفاتر و اسناد بانك و كارتهائى آقاى يزدانى و مصاحبه با آقاىان سهامى معاون بانك ملي و قائمیان رئیس شعبه مرکزی و زنده رئیس شعبه فردوسی به بانك مراجعه، آقاى سهامى معاون بانك اظهار داشتند، دو فقره تقاضای آقاى يزدانى به علت تعهدات مالی بیش از حدی كه داشتند مورد تصویب قرار نگرفته و در نتیجه ایشان در شعبه مرکزی حساب جاری افتتاح و در حدود يك میلیون تومان چك و سفته در اختیار بانك ملي شعبه مركز قرار داده كه رئیس شعبه مرکزی بانك نیز مبلغ سیصد میلیون ریال به صورت (اوردرافت) به ایشان پرداخت و روز بعد هم آقاى يزدانى واریز نموده است. (چهار روز بعد واریز شده)

آقاى قائمیان رئیس شعبه مرکزی بانك ملي نیز مراتب را به شرح فوق تأیید نمودند. آقاى زنده رئیس شعبه فردوسی بانك ملي نیز اظهار داشتند كه روز ۱۳۵۴/۸/۲۷ چكى به مبلغ سیصد میلیون ریال عهده بانك صادرات به بانك ملي شعبه فردوسی واصل می‌گردد و چون آقاى يزدانى از تمام اعتبار مجاز خود (۵۰۰ میلیون ریال) قبلاً استفاده نموده بود و محلی برای پرداخت چك مذکور وجود نداشته لذا تلفنی با شعبه مرکزی تماس حاصل و شعبه مرکزی هم قبولى چك را اعلام و به این ترتیب رئیس بانك شعبه فردوسی چك مزبور را پرداخت و روز ۱۳۵۴/۸/۲۸ این مبلغ به حساب جاری آقاى يزدانى در شعبه مرکزی واریز نگردیده است.

نتیجه و نظریه

باتوجه به مراتب معروضه و اظهارات مطلعین و بررسی اسناد و مدارك موجود و دفاتر بانكها و كارتهائى آقاى هژبر يزدانى كه اصل یا فتوكپی آن موجود می‌باشد نتیجه را به شرح زیر به استحضار می‌رساند:

۱. قطع اعتبار بانكى قبلى آقاى هژبر يزدانى در آخر اسفند ماه ۱۳۵۳ و فروردین ۱۳۵۴ به علت واگذاری اعتبارات غیرمعقول كه شعبه فردوسی در اختیار نامبرده قرار داده بوده توسط مسئولین بانك ملي مورد تأیید بوده و در عوض اعتباری به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال برای سه كارخانه متعلق به مشارالیه و نیز ۵۰۰ میلیون ریال دیگر برای شخص خود آقاى يزدانى اعتبار مجاز در اختیار گذارده شده كه هم‌اکنون ادامه دارد.
۲. دو فقره تقاضای كسبى آقاى هژبر يزدانى كه در تاریخ‌های ۵۴/۹/۳ و ۱۳۵۴/۹/۲۰ به شعبات بازار و مرکزی بانك ملي به مبلغ ۳۵۰۰ میلیون ریال تسلیم گردیده و در آن تقاضای اعتبار مجدد شده است در کمیته اعتبارات بانك به طور شفاهی

مطرح و باتوجه به اعتباراتی که قبلاً به مبلغ در حدود ۱۹۷۰ میلیون ریال در اختیار آقای یزدانی و شرکتهای وابسته گذارده شده مورد تصویب قرار نگرفته و مراتب نیز به اطلاع آقای یزدانی رسیده است.

۳. موضوع افتتاح حساب جاری به شماره ۸۵۱۱۳ از طرف آقای یزدانی در بانک ملی شعبه مرکز در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۶ و تسلیم حدود ۱۰۰۰۰ میلیون ریال چک و سفته مدت‌دار به بانک و نیز دریافت مبلغ سیصد میلیون ریال از همین حساب در تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۷ به صورت (اوردرافت) و نیز استرداد مجدد آن به بانک مورد تأیید است و موضوع تصویب اعتبار جدید به نام ایشان و قطع مجدد آن بنابه گفته آقای یزدانی مورد تأیید نمی‌باشد.

۴. تسلیم دو فقره چک به مبلغ ۲ و ۳ میلیون تومان و نیز ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد برای دو نفر کارمندان شعبه مرکزی بانک ملی توسط آقای یزدانی به آقای مهندس غلامعباس سرافراز به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت دریافت اعتبار جدید مورد تأیید می‌باشد که مراتب به اطلاع آقای خوش‌کیش نیز رسیده لیکن نامبرده بارویت چکها متغیر و از قبول آن خودداری و به آقای سرافراز اظهار نموده چکها را به آقای یزدانی مسترد و حتی تلفنی و حضوری نیز از این عمل آقای یزدانی گله نموده است. و با بررسیهایی که به عمل آمد دلایل یا مدارکی که نشان دهد آقای خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای آقای یزدانی نظر مادی داشته باشد به دست نیامد کمااینکه از مبالغ مذکور دیناری هزینه نشده و عیناً وسیله آقای سرافراز به آقای یزدانی مسترد شده.

۵. روابط نزدیک آقای خوش‌کیش مدیرکل بانک ملی با آقای مهندس غلامعباس سرافراز که از ۲۰ سال قبل شروع شده مورد تأیید بوده و این موضوع مورد قبول خود آقای سرافراز و انهاری و برخی از کارمندان فعلی و سابق بانک ملی نیز می‌باشد.

سرلشکر هوشنگ ارم غلامرضا نشاط امیراحمدعلی بیگدلی

[۵۹ تا ۶۵-۱۰-۱۱۷ ی]

[۴]

نامه تسویه حساب جهانبخش انهاری با شرکت کشت و صنعت شاهین کی

جناب آقای جهانبخش انهاری

محترماً بدینوسیله اعلام می‌دارد تا این تاریخ کلیه حقوق و تعلقات جنابعالی با این

شرکت تسویه و هیچگونه بدهی یا طلبی از این شرکت نداشته و طرفین حق هیچگونه ادعائی را در آتیه ندارند.
با تقدیم احترام
شرکت کشت و صنعت شاهین کی
| ۱۱۷-۳۱-۳ ی |

[۵]

نامه هژبر یزدانی به امیرعباس هویدا

جناب آقای هویدا نخست وزیر محترم و محبوب ایران
محترماً به عرض عالی می‌رساند پیرو عریضه قبلی به اطلاع آن جناب می‌رساند که اشتباهاتی برایم پیش آمد که موجب سوء تفاهماتی بین اینجناب و جناب آقای خوش‌کیش گردید بدینوسیله مراتب را به عرض عالی می‌رساند که موضوع را خاتمه یافته تلقی فرمایند.

با تقدیم احترام
[امضا] هژبر یزدانی

[پائین سند نوشته شده است]

به عرض رسید فرمودند به همراه سوابق فعلاً برای بایگانی ۲۵۳۵/۱/۳۱
| ۱۱۷-۱۰-۶۶ ی |

[۶]

نامه هژبر یزدانی به خوش‌کیش

جناب آقای خوش‌کیش
تاریخ ۳ اسفند ۲۵۳۶
رئیس کل محترم بانک مرکزی ایران
اینجناب از سوء تفاهمی که چندی قبل بین جنابعالی و اینجناب رخ داد عمیقاً متأسفم و اجازه می‌خواهم که از جنابعالی به این مناسبت صمیمانه پوزش بطلبم.
از خداوند توفیق جنابعالی را در خدمت به شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز مسئلت دارم.
[امضا] هژبر یزدانی

۲۵۳۶/۱۲/۳

| ۱۱۷-۱۱-۳-۱۱۹ خ |

[۷]

گزارش حسین فردوست به شریف امامی

جناب آقای شریف امامی نخست‌وزیر

گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۹ درباره عریضه بانو زهرانتهاری مبنی بر اینکه شوهرش وسیله هژیراله یزدانی مضروب شده و بعد از عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده که فتوکی آن به بیوست می‌باشد. از شرف عرض مبارک ملوکانه گذشت، اوامر شاهانه در مقابل پیشنهاد شرف صدور یافت:

«بفرستید»

تمنی است مقرر فرمائید نتیجه اقدام را اعلام دارند تا به شرف عرض مبارک شاهانه برسد.

رئیس بازرسی شاهنشاهی ارتشید حسین فردوست

| ۱۱۷-۲۱-۷۹ ی |

۲۰/۲۰۶۲

۱۳۵۷/۸/۱۱

۱۵۸ برگ

محرمانه


جناب آقای شریف امامی نخست‌وزیر

گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۹ درباره عریضه بانو زهرانتهاری مبنی بر اینکه شوهرش وسیله هژیراله یزدانی مضروب شده و بعد از عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده که فتوکی آن به بیوست می‌باشد. از شرف عرض مبارک ملوکانه گذشت. اوامر شاهانه در مقابل پیشنهاد عرضده و یافت:

«بفرستید»

تمنی است مقرر فرمائید نتیجه اقدام را اعلام دارند تا به شرف عرض مبارک شاهانه

برسد.


رئیس بازرسی شاهنشاهی ارتشید حسین فردوست

گزارش حسین فردوست به شریف امامی | ۱۱۷-۲۱-۷۹ ی |

[۸]

گزارش حسین فردوست به محمدرضا بهلوی

قسمت

۱۳۰۷/۸/۹

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

گزارش

مفتخراً بشرفعرض میرساند عریضه بانو زهرانهارى مبنی بر اینکه شوهرش وسیله هژبرالله یزدانی مضروب شده و بعد از انجام عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده، از شرفعرض گذشت.

اوامرملوکانه شرفصدور یافت:

«بازرسی شاهنشاهی به مطالب این زن رسیدگی کند»

در اجرای اوامر همایونی، درباره اتهامات وارده به هژبرالله یزدانی که شامل چهار مورد است تحقیق، موارد عنوان شده و نتیجه تحقیق مربوط بهر مورد بشرح زیر می باشد:

۱. قسمت یکم عریضه:

چندی قبل شوهر اینجانبه صرفاً بخاطر اینکه در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، بر خلاف میل هژبرالله یزدانی شهادت داده بود، مورد حمله واقع گردیده.

نتیجه تحقیق:

الف - ادای شهادت جهان بخش کنارسری انهارى (شوهر بانو زهرا) برخلاف میل هژبرالله یزدانی و مضروب شدن او وسیله ایادی وی تأیید میگردد.

ب - طبق محتویات پرونده متشکله در کلانتری چهار تهران، مضروب، ضاربین را هژبرالله یزدانی و پنج نفر سرنشینان خودرو پیکان متعلق به او معرفی و درخواست رسیدگی نموده، حین رسیدگی در کلانتری، چون شاکی از شکایت خود (مشروط براینکه هژبرالله یزدانی از وی عذرخواهی نموده و کارمندان مهاجم خود را تنبیه کند) صرفنظر نموده، پرونده امر به دادسرا ارسال و بلحاظ اعلام گذشت شاکی بموقوفی تعقیب منتهی شده.

۲. قسمت دوم عریضه:

بر اثر ضربه‌ای که به پای او وارد آورده‌اند، زانوی وی شکسته و بعد از انجام عمل جراحی تاکنون که حدود پنج ماه میگذرد، هنوز از حالت بیهوشی بیرون نیامده و معالجات بعدی هم درباره او نتیجه‌ای نداده.

شماره هجدهم
تاریخ ۱۳۰۷/۸/۱
دوست



بازرسی شاهشاهی

بهشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

گزارش

مختصراً به شرح می‌رساند عرضمه بانیزهرا انبهارى جنی بر اینکه شوهرش وسیله هژرالله یزدانی مضروب شده و بعد از انجام عمل جراحی از حالت بیهوشی خارج نگردیده، از شرفمضروب گذشت.

او امر طوگانه شرفصدوریافت:

"بازرسی شاهشاهی به مطالب این‌نین رسیدگی کند"

در اجرای او امرهایوزی در باره اتهامات وارده به هژرالله یزدانی که شامل چهارمضروب است تحقیق موارد عنوان شده و نتیجه تحقیق منوط به برپورده بشرح زیر می‌باشد:

۱- قسمت یکم عرضمه:

چندی قبل شوهرایزدانی به صرفاً به خاطر اینکه در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سر خلاف میل هژرالله یزدانی شهادت داده بود، مورد حمله واقع گردیده.

نتیجه تحقیق:

الف - ادای شهادت چنان بعضی کارمندی انبهارى (شوهرهایزدان) به سرخیلاف میل هژرالله یزدانی و مضروب شدن او وسیله ابادی وی تایید میگردد.

ب - طبق محتویات پرونده مشکله درکلانتری چهارشهران مضروب هژرالله یزدانی و پنج نفر سرشیمان خودروهنگان متعلق به او بهرخی و درخواست رسیدگی نمود، و حین رسیدگی درکلانتری، چون شاکتی از شکایت خود (مضروب بر اینکه هژرالله یزدانی از وی مذبذوخا می‌نموده و کارشندان مهاجم خود را تنبیه کند) صرفظنر نمود، پرونده امر به دادسبیرا ارسال و به لحاظ اطلاع گذشت شاکتی بموقوفی تمسب منتسب شده.

نتیجه در وقت بعد از...

گزارش حسین فردوست به محمدرضا پهلوی [۲۵-۴۳ - ۱۱۷ ی]

نتیجه تحقیق:

الف - ضربیدگی پای چپ مضروب و هم چنین شکستن استخوان زانوی همان پای او بعد از سه ماه که ناشی از زمین خوردن وی حین عبور از جوی آب بوده تایید میگردد، پزشک معالج در مورد وجود رابطه بین وارد آمدن ضربه قبلی و شکستگی بعدی زانوی

پای بیمار اظهار داشت: «چون در رادیوگرافیهای قبل از عمل پوک شدن استخوان پا که ناشی از استفاده کم از زانوی ضربدریده می باشد بوضوح بچشم می خورد، همین موضوع میتواند عامل زمینه سازی برای شکستگی زانوی انهاری حین سقوط بزمین باشد»

ب - بیمار در انجام عمل جراحی زانو، در اطاق عمل مبتلا بتوقف قلب و کم خونی مغز شده، چون نتیجه معالجات او در ایران و اسرائیل موفقیت آمیز نبوده، هنوز بحالت بیهوشی در منزل خود بستری می باشد.

پ - بانو زهرا انهاری که عامل این آسیب دیدگی همسرش را هژبرالله یزدانی می شناسد، علیه او بدادستان تهران شکایت نموده، پرونده امر در بازپرسی شماره ۸ داسرای تهران تحت رسیدگی می باشد.

۳. قسمت سوم عریضه:

باتمام این بدبختی ها و وجود دو فرزند نه و یازده ساله که ناچار هستم بیمار را در منزل بستری نمایم، مع الوصف آن شخص بی ایمان دست از آزار و اذیت برداشته و بعنوان مختلف، چه از طریق تلفن و چه نزد اشخاص، بنده و فرزندانم را مورد تهدید قرار می دهد.

نتیجه تحقیق:

در موارد بالا دلایل مثبتی بدست نیامد.

۴. قسمت چهارم عریضه:

هژبرالله یزدانی که مجاز به تجدید ساختمان ملک خود نبوده، باپرداخت ۸ میلیون ریال رشوه، برخلاف قانون شهرسازی مبادرت به ساختمان چند طبقه نموده.

نتیجه تحقیق:

در تعداد طبقات ساختمان منظور، تغییراتی بوجود نیامده و دلیلی دال بر پرداخت رشوه بدست نیامد، لیکن مالک با تقاضا و دریافت اجازه نامه تعمیرات جزئی از شهرداری منطقه ۵ تهران، ساختمان خود را که در منطقه مسکونی واقع گردیده، مغایر اجازه نامه های صادره بکلی تغییر شکل داده و برخلاف قانون شهرسازی به پاساژ تبدیل نموده.

۵. نتیجه:

الف - موضوع مضروب شدن و بیماری جهان بخش کنارسری انهاری در بازپرسی شماره ۸ داسرای تهران تحت رسیدگی می باشد.

ب - اجازه‌نامه تعمیرات صادره وسیله جانشین معاون فنی شهرداری منطقه ۵ تهران، برخلاف ضوابط قانون شهرسازی بوده.

پ - مالک بابتی‌اعتنایی به مندرجات اجازه‌نامه‌های تعمیر، ساختمان موصوف را که سابقه استفاده از دفاتر بانکی در منطقه مسکونی را داشته، برخلاف قانون شهرسازی به پاساژ تبدیل نموده.

ت - شهردار منطقه ۵ تهران با استحضار از انجام اعمال خلاف مالک، از ارسال پرونده تخلف او به کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ خودداری نموده، بنابراین چون عمل محمد دهش شهردار و مرتضی حیدرنیا جانشین معاون فنی شهرداری منطقه ۵ تهران خطای اداری از نوع تقصیر تشخیص و منطبق با بند ۳ از ماده ۱ قانون رسیدگی به اعمال خلاف حیثیت و شئون شغلی و اداری کارکنان دولت و شهرداریها می‌باشد، باستناد ماده ۳ قانون موصوف و ماده ۳ آئین‌نامه اجرائی همین قانون، پرونده امر قابل طرح در کمیسیون رسیدگی وزارت کشور می‌باشد.

۶. پیشنهاد:

الف - ارجاع پرونده به کمیسیون رسیدگی وزارت کشور و طرح پرونده تخلف مالک در کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰

ب - تحویل فتوکپی گزارش شرفرضی پرونده مربوط به نخست‌وزیر منوط به اراده سنیه ملوکانه است.

جان‌نثار حسین فردوست

مسئولان تهیه گزارش:

۱. سرتیپ ایرج فرح‌وش
۲. سرهنگ محمدعلی مسعودفر
۳. احمد مهرعلی قاضی

[۴۶ تا ۴۳-۲۵-۱۱۷ ی]

[۹]

نامه زهرا انهاری به محمدرضا پهلوی

در حدود ۱۸ سال قبل که همسر اینجانبه بنام جهانبخش انهاری رئیس شعبه مرکزی بانک اصناف بود بدلیل نوع کار خود با شخصی بنام آقای هژبریزدانی تماس اداری در نتیجه دوستی پیدا مینماید که تا سال قبل ادامه داشت.

پس از برکناری آقای انهاری از بانک بواسطه سوابق فوق بنابه پیشنهاد آقای هژبر یزدانی از سه سال قبل آقای انهاری بدلیل وارد بودن به امور تجاری و بانکی اینگونه امور آقای هژبر یزدانی را تقبل مینماید.

قبلاً لازمست بعرض برسد که کلیه اطلاعات تقدیمی مربوط میشود به اظهارات آقای انهاری و مشاهدات کمیته در حدی که یک همسر میتواند دخالت داشته باشد یا درک کند.

حدود دو سال قبل آقای هژبر یزدانی برای تهیه وامی از بانکهای خارجی احتیاج به تضمین بانک مرکزی پیدا مینماید که با عدم موافقت بانک مرکزی ایران به سرپرستی آقای دکتر یگانه مواجه میشود تا بدان پایه که موضوع جنبه هتاکی و درگیری روبرو حاصل میشود ولی آقای یزدانی از این راه هم موفق به اخذ وام نمیکرد.

بطوریکه آقای انهاری به کمیته اظهار نمود شدت عصبانیت آقای یزدانی بدان پایه بود که به این جانب پیشنهاد نموده است مبلغ دوهزار میلیون تومان تحت اختیار میگذارد تا باتفاق شما و بچه‌ها و همسر و فرزندان آقای یزدانی به خارج از کشور برویم تا خودشان بعد از ترور آقایان دکتر یگانه و خوش‌کیش و مخالفان خود بما ملحق شوند.

آقای انهاری پس از مشورت با کمیته به آقای هژبر اظهار نمودند چون این عمل برخلاف اصول اخلاقی و دینی و اجتماعی است از انجام آن معذور هستند که همین مطلب اولین هسته شک و عدم اطمینان به آقای انهاری را در وجود آقای هژبر حاصل کرده سردی مشهودی را بوجود آورد آقای انهاری هم با وارد شدن به اعمال خلاف رویه ایشان کم‌کم برای اینکه دوچار صدمه احتمالی نگردد اظهار علاقه به برکناری نموده بود که آقای یزدانی با دلجوئی ایشان را مجبور به کار نمودند در صورتیکه اکنون معلوم میشود صلاح نمیدانسته است شخصی را که در امور خصوصی ایشان وارد است رها نماید.

مراتب زیر فشرده است از نحوه روحیه و اعمال آقای یزدانی که اینجانبه شاهد آنها بوده یا از آقای انهاری شنیده‌ام.

۱. آقای یزدانی همیشه اظهار نزدیکی کامل با شخص اول کشور شاهنشاه آریامهر نموده در این تظاهر آنقدر غلو می نمودند که حتی در سال گذشته موقعیکه شاهنشاه آریامهر تعطیلات زمستانی خود را در خارج از کشور می گذرانیدند روزی آقای یزدانی باتفاق سه نفر از دوستان خود که آنها را نمی شناختم در منزل انهاری برای نهار مهمان بودند بعد از صرف نهار آقای یزدانی اظهار نمودند میخواهند تلفناً گزارشی را بشرف عرض مبارک ملوکانه برسانند ولی در موقعیکه اینجانبه برای بردن ظروف خالی وارد اطاق گردیدم معلوم شد آقای یزدانی دارند بزبان سنگ سری صحبت مینماید که معلوم

(۱)

۵/۲

در حدود ۱۸ سال قبل که مسرایبجانچه بنام جهانپختن انهاری رئیس شعبه مرکزی بانک اصفهان بود بدلیل نوع کار خود باشخص بنام آقای هزبر یزدانی تا سر اداری در نتیجه دوستی پیدا می‌نماید که تا سال قبل ادامه داشت .

پس از برکناری آقای انهاری از بانک بواسطه سوابق فوق بنا به پیشنهاد آقای هزبر یزدانی از سه سال قبل آقای انهاری بدلیل وارد بودن به امور تجاری و بانکی انجام اینگونه امور آقای هزبر یزدانی را منتقل می‌نماید زیرا لزیمت هم‌مرس برسد که کلیه اطلاعات نقدی مربوط میشود به اظهارات آقای انهاری و مشاهدات کمیته در حدی که یک همسر میتواند دخالت داشته باشد باید درک کند .

حدود دو سال قبل آقای هزبر یزدانی برای تهیه وام از بانکهای خارجی احتیاج به تمسین بانک مرکزی پیدا می‌نماید که با عدم موافقت بانک مرکزی ایران به سرپرستی آقای دکتر یگانه مراجعه میشود تا بدان پایه که موضوع جنبه هنگامی و درگیری رویو حاصل میشود ولی آقای یزدانی از این راه هم موفق به اخذ وام نمیکرد . بطوریکه آقای انهاری به کمیته اظهار نمود نیت تمسینت آقای یزدانی بدان پایه بود که به این جانب پیشنهاد نموده است مبلغ دو هزار میلیون تومان تحت اختیار میگردد تا با تظاق شما و بچه‌ها و همسر فرزندان آقای یزدانی به خارج از کشور برویم تا خودشان بعد از تهور آقایان دکتر یگانه و چون کش و معالمان غصبود بنا طمع شوند .

آقای انهاری پس از مشورت با کمیته به آقای هزبر اظهار نمودند چون این عمل برخلاف اصول اخلاقی و دینی و اجتماعی است از انجام آن معذور هستند که همین مطلب اولین هسته نیک و عدم اطمینان به آقای انهاری را بوجود آقای هزبر حاصل کرده سردی مشهودی را بوجود آورد آقای انهاری هم با وارد شدن به افعال خلاف روزه ایشان کم کم برای اینکه دچار حده احتمالی نگردد اظهار علاقه به برکناری نموده بود که آقای یزدانی با دلجویی ایشان را مجبور به کار نمودند در صورتیکه اکنون معلوم میشود صلاح نیت است است شخصی را که در امور خصوصی ایشان وارد است رها نماید .

مراتب زیر فستورده است از نحوه روحیه و افعال آقای یزدانی که اینجانبه شاهد آنها بوده با از آقای انهاری شنیده‌ام .

۱- آقای یزدانی همیشه اظهار نزدیکی کامل با شخص اول کشور شاهنشاه آریا مپهر نموده در این نظامر آندر ظلم میشوند که حتی در سال گذشته موشیک شاهنشاه آریا مپهر تعطیلات زمستانی خود را در خارج از کشور میگذرانیدند روزی آقای یزدانی با تظاق سه نفر از دوستان خود که آنها را نمی‌شناختم در منزل انهاری برای نهار مهمان بودند بعد از صرف نهار آقای یزدانی اظهار نمودند میخواهند تلذنا

۲ / / / /
۳۰ - ۱۴ - ۱۱۷

شد مسئله گزارش به حضور مبارک ملوکانه ایفای نقشی پیش نبوده است بخصوص که بعد از پایان مکالمه به آقایان حاضر اظهار نمودند شاهنشاه اوامری در مورد آماده نمودن چریکها و بعضی از امور دیگر فرمودند.

- مرکز تلفن در اینمورد میتواند اطلاعات لازم را تحت اختیار بگذارد زیرا آقای یزدانی به تلفن خانه بعداً اطلاع دادند پول مکالمه را در حساب ایشان منظور نمایند.

۲. همیشه در محافل خصوصی و نیمه خصوصی اظهار مینمودند با تیمساران ارتشبد دکتر ایادی و تیمسار سپهبد نصیری و اصولاً سازمانهای امنیت و بازرسی شاهنشاهی و دادستانی کل و حتی بعضی محافل خارجی ارتباط و نفوذ داشته و ایادی ایشان در برابر کارهایی که از آنها خواسته میشود نباید هیچگونه نگرانی داشته باشند زیرا مورد پشتیبانی ایشان قرار خواهند گرفت.

۳. تأمین یک شخصیت مقتدر و متنفذ کاذب با بذل پول ضمناً تولید رعب و وحشت را بدان پایه از جسارت رسانیده‌اند که بودن هیچگونه نگرانی در هر مجلس و محفلی اظهار میدارد مرحوم تیمسار بختیار بوسيله ایادی و دستور من کشته شده است و اینطور نتیجه‌گیری مینماید که هنوز همان قدرت و نفوذ را در دستگاههای داخلی و خارجی دارند.

۴. از تعدادی اطرافیان و آشنایان خود از جمله انهارى و کمینه دعوت نمودند از چریکهای آماده و مستقر در کوه‌های لاروسنگسر دیدنی به عمل آورده شود که این دیدار نیز صورت گرفت.

اعمال بی‌رویه متکی به پول و زور و تظاهر آقای یزدانی داستانی است که شمردن تک‌تک آنها باعث ملال خاطر و ضیق وقت بوده بهترین مثال و شاهد عددی وزنده آن سرنوشت همسر بی‌گناه و فرزندان معصوم اینجانبه میباشد و موضوع پرداخت هشت میلیون ریال برای ساختن غیرقانونی ساختمان در بازار آهنگرهای تهران - برقرار نمودن واحد ترور مخالفان - تشبث به ضرب و جرح - اشاعه نفوذ و دردست داشتن نبض اقتصادی مملکت و دهها موارد دیگر جزئی از آنها بوده سوابق موجود در پرونده‌های متشکله فعلی حاکی از آنها میباشد.

پایان کار

در زمانی که آقای یزدانی با مقاومت دستگاههای اقتصادی کشور مواجه شد درخواست وامی بمبلغ سیصد میلیون ریال از بانک ملی ایران می‌نماید که با مخالفت بانک و آقای خوش‌کیش مواجه میگردد ولی آقای یزدانی با توجه به سوابق موجود از آقای انهارى میخواهند با توسل به دوستان فیما بین خود و آقای خوش‌کیش بهر طریق

شده است حتی با دادن رشوه این وام را اخذ نمایند که در نتیجه دخالت آقای سرافراز هم در این امر به میان می‌آید.

چون در امر اخذ وام توفیقی حاصل نمیشود آقای یزدانی چک بی محل را پیش آورده مقدمات مزاحمت آقای سرافراز را فراهم میسازد که خوشبختانه مسئله از طرف سازمان امنیت و نخست‌وزیری روشن میشود در این زمان چون آقای یزدانی موفق نمی‌شود تصمیم بنابودی انهاری که حاضر نگردیده بود شهادت دروغ بدهد میگیرد و مراتب بطور مشروح در پرونده‌های متشکله نخست‌وزیری موجود است.

مراتب فوق که به دلیل فشرده‌گی مطالب گویای کامل نیست باعث میشود که بدستور آقای هژبر یزدانی ایادی ایشان در روز روشن و انتظار عمومی با چوب و چماق به انهاری حمله نموده و کار را به جانی برسانند که اکنون از انهاری نامی جز تکه گوشت بی‌حس باقی نماند و این جانبه نیز با دو فرزند کوچک به مرحله نابودی کامل برسد و سخت‌ترین غذایها و شکنجه‌های روحی را بخاطر برآورده نشدن امیال شیطانی فرد شروری تحمیل نماید.

ایکاش جسارت این فرد تا بدان حد بود که اقلاباً با فراهم ساختن چنین وضع دردناکی برای خانواده بی‌گناهی از ارباب و اداء و ایداء خودداری میکرد در صورتیکه در زمان معامله بی‌نتیجه انهاری در اسرائیل که به دستور جناب نخست‌وزیر انجام گرفته است دائماً بوسیله تلفن و پیغام تهدیدآمیز به دزدیدن بچه‌ها و خفه نمودن اینجانبه در صورت تعقیب موضوع را نموده است و آنقدر در تهدید خود با فشاری و جسارت مینماید که شخصی بنام سرتیپ بازنشسته شهربانی پرتو را نزد اینجانبه فرستاده است که آقای هژبر یزدانی حاضر است کلیه هزینه‌های مصروفه را بپردازد - تا شما از تعقیب موضوع صرف‌نظر نمائید والا ترتیبی خواهم داد که نامی از انهاری و شما باقی نماند.

اینک بعد از خداوند متعال چشم امید فرزندان معصوم انهاری و روح رنج‌دیده همسر او فقط و فقط بدست پر عطوف شاهنشاه آریامهر میباشد که داد ما مظلومان را از ستمگران ستانیده تا عبرت افرادی شود که نه بخدا ایمان دارند و نه مملکت و شاهی برای خود می‌شناسند و نه برای افراد خانواده‌ها ارزشی قائل‌اند.

به امید مراحم و عطف توجه شاهنشاه عدالت‌خواه

زهر انهاری

آدرس

عباس‌آباد فرح شمالی تکش غربی پلاک ۷۳

[۳۲ تا ۳۰-۱۴-۱۱۷ ی]

[۱۰]

نامه زهرا انهاری به کیانپور

تبعیض فردی خیر

اما، تبعیض بین غنی و فقیر بلی

جناب آقای کیانپور

مقام منیع وزارت دادگستری

با کمال ادب از اینکه بانوشتن این نامه مصدع وقت عزیز شما میشوم بپوزش میطلبم. ولی این نامه را به عنوان یک فرد ایرانی که مدت ۱۸ ماه یگانه سرپرست و شوهر خود را صرفاً بخاطر امیال یکنفر بی دین و غنی از دست داده است نه از دست دادنی که برای ابد بلکه مدت ۱۸ ماه شوهر خود را مثل یک گیاه که گاهگاهی باد او را بلرزش در آورد ولی قادر بتکلم و حرکت نباشد روی تختخواب منزل جلوی چشم خود و دو فرزند خردسال خود میبینم. (البته این موضوع را قبلاً بتمام سازمانها و مراجع دادرسی و حتی بشما وزیر دادگستری توسط نامه عرض نمودم که شخصی بنام هژبر یزدانی صرفاً بخاطر هدف شیطانی خود هدفی که اصولاً اشخاص غنی و پول دار برای رسیدن به آن و رسیدن به یک مشت کاغذ که اسم آن را پول گذاشته اند از هیچ کاری حتی آدم کشی دریغ نمی نمایند شوهر این جانبه زهرا محمدحسین زاده عراقی به نام جهانبخش کنارسری انهاری را از بین برده و به این روز انداخته اند و شما هم به دادستان ارجاع فرمودید آقای دادستان هم کلیه نامه ها و سوابق را داخل دو صفحه مقوا که اسم آن را پرونده گذاشته قرار داده و ایشان هم اکنون مدت هیجده ماه است این پرونده را مطالعه میفرمایند؟ اما کو نتیجه) بلکه این نامه را به عنوان یک مادر [۱]، مادری که دارای دو طفل صغیر ده ساله و دوازده ساله میباشد و مرتباً از او سوال میشود، سوالی که این مادر از جواب آن عاجز است و از شما استعانت و کمک می طلبد.

جناب آقای کیانپور: اطفال بنده از من سوال می کنند مادر آیا در این کشور ما فقرا حق حیات نداریم اگر چنین حقی بر ما هست پس چرا یکنفر شخص غنی و سرمایه دار پدر ما را به این روز انداخته و دستگاه حاکمه هیچ نوع اقدامی در این باره نمی نماید.

۲. آیا در این دنیای پهناور جان ما فقرا ارزشی در مقابل اغنیاء ندارد.

۳. آیا دستگاه حاکمه از این قبیل اشخاص سرمایه دار و غنی ترسی دارد؟ یا اینکه ما

را جزء موجودات به حساب نمی آورد؟

۴. ما در روزنامه چند شب قبل خواندیم که قاتل پدر ما، مقتولی که اگر میمرد و از این اجتماع کثیف می رفت راحت تر بود برای خشنودی والا حضرت ولایتعهد هفدهمین سال تولد ایشان را در هتل شاه عباس اصفهان جشن گرفته و میلیونها تومان خرج نموده است.

آیا والا حضرت به این جشنی که فردی بی‌دین و مذهب شخصی که از روی اجساد فقرا بخاطر یک مشت کاغذ، کاغذی که اسم آن را پول گذاشته بگذارد و خانواده‌هایی را از بین ببرد ولی جشن تولد برپا نماید. راضی و خوشحال است؟

۵. از من سوال میکنند که پدر تاجدار ما مرتباً در رادیو و تلویزیون از دمکراسی و دمکراتیک صحبت می‌فرمایند آیا منظور ایشان فقط از چند حروف رویهم گذاشتن است یا دمکراسی واقعی؟ و اگر دمکراسی واقعی است آیا تعیین فرمودند که این دمکراسی واقعی فقط بین اغنیا باشد یا بین کلیه افراد این مملکت؟ اگر بین کلیه افراد است پس چرا شامل حال ما فقرا نیست؟

جناب آقای کیانپور این سوالها و این آیها زیاد است اما من از جواب آنها عاجزم ولی سوالی که بنده از شما داشتم اینست آیا شما فکر می‌فرمائید کلیه افرادی که خائن جانی و یا خرابکار هستند از مادر خائن جانی یا خرابکار متولد میشوند؟ تا آنجا که بر همه واضح و روشن است هیچکس و هیچ موجودی از روز تولد خائن و جانی و خرابکار به دنیا نیامده است بلکه این اجتماع است که آنها را چنین بار می‌آورد اگر خوب دقت کرده باشید ۸۰ درصد افراد متخلف و خرابکار اشخاصی هستند که در اثر تحریک محرکین تحت احساسات واقع شده و دست به خرابکاری می‌زنند و اما وای به حال کسی که خود مستقیماً تحت ظلم و ستم واقع شده باشد.

جناب آقای وزیر دادگستری آیا شما و دستگاه حاکمه فکر نمی‌فرمائید که این دو طفل معصوم این دو طفلی که امکان دارد روزی برای این مملکت و این آب و خاک مثمر ثمر واقع شوند بواسطه این ظلمی که از طرف یک نفر پولدار و سرمایه‌دار یکنفری که در روزنامه‌ها عکس خود را با انگشترهای ۸۰ میلیون تومانی می‌اندازد و کاخ فرعون‌ی خود را به رخ ۳۵ میلیون افراد این مملکت میکشد بر این دو طفل روا گردانیده دو نفر خائی و خرابکار از آب درآیند.

در خاتمه باید به عرض برسانم آنچه گفتنی بود گفتم و حال این اجتماع و هیئت حاکمه است که باید تصمیم بگیرد و این شما هستید که بر مسند قضاوت تکیه زده‌اید و این شما هستید که بایستی احقاق حق نموده و مرهمی بر دل ریش این دو طفل صغیر بگذارید اما استدعای بنده اینست لااقل دستور فرمائید جواب سوالهای اطفال بی‌گناه من داده شود. با تقدیم احترام - زهرا انهاری رونوشت به:

سردبیر محترم روزنامه کیهان
سردبیر محترم روزنامه اطلاعات
سردبیر محترم روزنامه رستاخیز

نامه زهرا انهاری به دادستان تهران

۲۵۳۵/۱۱/۴

دادستان محترم تهران

محترماً به عرض می‌رساند: شوهر اینجانبه بنام جهانبخش کنارسری انهاری حدود دو سال قبل به عنوان مدیر عامل و مدیر چند شرکت شخصی بنام هژبریزدانی مشغول کار بوده و پس از گذشت یکسال آقای یزدانی صرفاً بخاطر اینکه انهاری کارمند او می‌باشد از ایشان تقاضا نموده بود که بر علیه آقای خوش‌کیش مدیرعامل بانک ملی ایران در نخست‌وزیری شهادتی برخلاف حق و حقیقت اظهار نماید و انهاری علاوه بر اینکه شهادتی برخلاف حقیقت بر له آقای یزدانی نداده بلکه حقیقتی را در نخست‌وزیری بیان نمودند که پرونده امر نزد تیمسار سرلشکر ارم رئیس خلافکاران کارمندان دولت در نخست‌وزیری موجود می‌باشد در نتیجه حقیقت‌گوئی انهاری باعث کینه و عداوت آقای یزدانی نسبت به انهاری گردید، تا جایی که در تاریخ ۲۵۳۴/۱۲/۲۰ به تحریک آقای یزدانی شش نفر از ایادی و نوکران ایشان تصمیم به کشتن انهاری گرفته و اینک جریان را به‌طور خلاصه و به‌عنوان تظلم و دادخواهی به عرض آن دادستان محترم رسانیده می‌شود: بین ساعت ۵ و ۶ بعد از ظهر ۲۵۳۴/۱۲/۲۰ زمانی که انهاری با اتومبیل خود از خیابان مهناز عباس‌آباد وارد خیابان تکش گردید در اواسط خیابان اتومبیل پیکان سفید رنگی که قبلاً انهاری آنرا برای یکی از موسسات آقای یزدانی خریداری نموده بودند بسرنشینی شش نفر از ایادی و نوکران یزدانی جلوی اتومبیل شوهر اینجانبه را سد نموده و با چوب و چماق به قصد کشتن انهاری به او حمله‌ور میشوند چون انهاری از منظور آنها آگاهی پیدا می‌نماید شروع به داد و فریاد نموده و در نتیجه یک عده عابر جلوی اتومبیل‌ها جمع می‌شوند وقتی که آن شش نفر اوضاع را وخیم می‌بینند با چوب و چماق به انهاری حمله‌ور شده و در نتیجه پای چپ ایشان مضروب و شکسته می‌شود جریان همان شب به کلانتری ۴ اطلاع داده می‌شود افسر نگهبان انهاری را به پزشک قانونی معرفی و گواهی پزشک قانونی ضمیمه پرونده در کلانتری موجود می‌باشد البته ناگفته نماند همان شب موضوع تلگرافی به نخست‌وزیری / شهربانی کل کشور و بعضی از مقامات مملکتی مخابره گردید اما پس از گذشت چهارروز از آن حادثه زمانی که آقای یزدانی به کلانتری جلب می‌شود پس از اقرار نمودن که این شش نفر از آن حادثه زمانی که آقای یزدانی به کلانتری جلب می‌شود پس از اقرار نمودن که این شش نفر از ایادی من بوده و به دستور اینجانب این عمل را انجام داده‌اند با دسیسه و نیرنگ و تهدید از شوهر اینجانبه رضایت می‌گیرد پرونده طی کلاسه شماره ۱۴۹۶۳ مورخ ۳۵/۳/۲۴ در ناحیه دادسرای

یوسف‌آباد موجود می‌باشد اما شکستگی زانوی پای انهارای روزبروز وخیم‌تر شده تا جایی که در تاریخ ۲۵۳۵/۳/۲۷ انهارای به بیمارستان آمریکائی تهران مراجعه و به تشخیص پزشک بیمارستان در تاریخ ۲۵۳۵/۳/۱۹ مبادرت به عمل جراحی می‌نماید متأسفانه وقتی که انهارای را بیهوش می‌نمایند دیگر از حالت اغماء و بیهوشی برون نیامده و با کوشش زیادی که اینجانبه انجام داده‌ام حتی برای معالجه ایشان یک پروفیسور از فرانسه و یک پروفیسور از اسرائیل آورده و متحمل هزینه‌های زیادی چه از نظر بیمارستان و چه از نظر مخارج پروفیسورهای خارجی گردیده بودم حال انهارای روزبروز وخیم‌تر می‌شد در خلال این مدت که انهارای در بیمارستان بستری بود و آقای یزدانی از جریان با اطلاع شدند مرتباً با تهدید و تطمیع بنده را می‌خواستند راضی نمایند تا شکایتی بر علیه ایشان به دستگاه‌ها ننمایم ولی بنده برخلاف میل ایشان در همان موقع به سازمان امنیت - نخست‌وزیری و - سایر مراجع شکایت نموده که پرونده امر در سازمانهای یادشده موجود می‌باشد.

وقتی که آقای یزدانی متوجه شدند که نمی‌توانند بنده را با تطمیع و یا تهدید از شکایت نمودن منصرف نمایند لذا بوسیله دیگری متوسل شده و آن عبارت از این بود که مرتباً بتوسط تلفنهای ناشناس به منزل اینجانبه تلفن و دو طفل صغیر ۱۱ ساله و ۹ ساله مرا تهدید به ربودن و کشتن می‌نمود که بنده موضوع را در همان تاریخ به آن دادستانی و شرکت مخابرات اطلاع داده و در نتیجه دومرتبه زمانی که بنده و بچه‌هایم مورد تهدید قرار می‌گرفتیم از طریق اداره مخابرات نوار گرفته شده و در آن اداره موجود می‌باشد.

پس از گذشت سه ماه از عمل جراحی و بیهوشی انهارای زمانی که جناب آقای نخست‌وزیر برای عیادت آقای اصفیاء وزیر مشاور به بیمارستان تشریف‌فرما شده بودند محبت فرموده و از انهارای عیادت و دستور فرمودند که ایشان را جهت معالجه با هزینه دولت به اسرائیل اعزام دارند که متأسفانه پس از ۴۵ روز که ایشان را به اسرائیل اعزام داشته بودن کوچکترین نتیجه از معالجات دوباره ایشان را به ایران مراجعت دادند اکنون مدت دو ماه است که اینجانبه انهارای را که به حال اغماء و بیهوشی افتاده و مانند گیاهی است که هیچگونه تحرک و صحبتی نمی‌نماید در منزل نگهداری می‌نمایم. طبق مدارک و شواهدی که در پرونده بیمارستانی ایشان موجود می‌باشد تمام این گرفتاریها و بدبختیها در اثر ضربه و شکستگی پا می‌باشد که به تحریک آقای یزدانی و به دست ۶ نفر از ایادی و نوکران او انجام یافته است.

اینک از آن دادستان محترم که همیشه حامی و مدعی اشخاص ضعیف در مقابل فرد یا افراد زورگو و جابر چون یزدانیها می‌باشند استدعا دارد دستور فرمایند موضوع از

طریق بازپرسی و دادگاه مورد بررسی قرار گرفته تا اولاً خون شخص بی‌گناهی که صرفاً بخاطر حق و حقیقت گوئی به این روز افتاده و همچنین انتقام دو طفل صغیر اینجانبه که در تمام مدت شبانه‌روز شاهد مرگ تدریجی پدرخود می‌باشند از شخص پولدار و ثروتمندی به نام یزدانی که فقط به خاطر تمول و ثروت خود دست به چنین جنایتی می‌زند گرفته شود. بنا به شعر معروف:

یا رب این نودولتان را بر سر خرشان نشان

کاین همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند
ثانیاً با مجازات و تسلیم ایشان به قانون و عدالت مرهمی بدل دردمند اینجانبه و فرزندان صغیرم بگذارید.

قبلاً از مراجع و لطفی که میفرمائید تشکر می‌نماید
زهر انهارى

آدرس:

خیابان عباس‌آباد - خیابان تکش غربی - پلاک ۷۳

تلفن ۸۴۱۴۰۵

[۵۲ تا ۵۰ - ۱۱۷-۳۱ ی]

[۱۲]

نامه وکلای جهانبخش انهارى به دادسرای تهران

بازپرس محترم شعبه ۳۰ دادسرای تهران تاریخ ۵۷/۸/۶
با احترام در مورد پرونده کیفری کلاسه ۲۳۳/۵۷ اتهامی آقای هژبراله یزدانی بدینوسیله ما وکلای امضاء کننده ذیل وکالت خود را از خانواده آقای انهارى شاکى خصوصى اعلام داشته و به شرح ذیل ایراد می‌داریم.
الف - علیرغم مظلومیت و بی‌پناهی آقای انهارى و نیز برغم نفوذ گسترده و ارباب‌آور حضرت آقای یزدانی، سرانجام کمیسیون پزشکی که در شبکه قدرتمندان فدائی شخص هژبراله محصور بودند صریحاً اظهارنظر کردند که شوک و کما و بیهوشی یا به عبارت دیگر مرگ با شکنجه و زندگی بدتر از مرگ آقای انهارى منبعث از ضربه وارده به زانوی وی می‌باشد و بدین طریق اوهام تلقینی نظیر آثار احتمالی اعتیاد و امثال آن که با الهام از بارگاه آقای یزدانی، پاره‌ای پزشکان فراموشکار عنوان کرده بودند قاطعاً مردود شد.
ب - بجهات بی‌اطلاعی موکلین و نیز به جهات هیجان و اضطراب رعب‌آوری که از

واقعه مصدوم شدن انهارى و تهديدات يزدانى بر آنها مستولى شده بود بسيارى از قضايا چنانكه بايد و شايد و پاره‌اى از قضايا اصلاً طرح و عنوان و تحقيق نشده‌اند، من جمله تبانى آقاى يزدانى با آقاى دكتور اقرارى رئيس بیمارستانى كه شخص آقاى انهارى در آنجا بسترى مى‌شوند مى‌باشد، در اینجا فيما بين دكتور اقرارى، بهائى و هم‌مسلك آقاى هژبر، و هژبر توافق مى‌شود كه در لحظه عمل جراحى بر روى آقاى انهارى جريان اكسيژن بیمارستان را قطع كنند تا انهارى و رازها و دانسته‌ها و آرزوهايش براى هميشه دنياى هژبر آقا را ترك بگويد و همين كار راهم مى‌كنند كه ايكساش بجای وضع و سرانجام موجود، انهارى يكباره ميمرد، و زمان نيز به جای اين همه درد و افسوس و غم وماتم هر روزه فقط خاطره‌اى از او براى عزيزانش به جا مى‌گذاشت.

خاطره مردى كه مانند ديگران قربانى طمع و ددمنشى شده بود، بهرحال چنين نشد و يقيناً آقاى بازپرس به خوبى مى‌دانند كه در يك بیمارستان عريض و طويل و مجهز كه هر لحظه چندين نفر در زير عمل جراحى قرار دارند، قطع جريان اكسيژن اطاق‌هاى عمل نمى‌تواند امرى اتفاقى باشد، همچنانكه اتفاقى نبود كه در لحظه و ساعت عمل جراحى آقاى انهارى هيچ مريض ديگرى را به تخت عمل قرار نداده بودند؟! استدعا دارد به اين قضايا دقيقاً عنايت فرموده، معطوفاً به مندرجات پرونده درخصوص اين امور تحقيق شود و نيز تحقيق شود كه مسنول دستگاه اكسيژن در آن روز چه كسى بوده و اين شخص در كجاست؟ و هويت و موقعيت او چيست و از جانب كى و كدام مقام معرفى و استخدام و سپس اغوا شده تا يكى از كريبه‌ترين جنابات عصر ما را بازيگرى كند.

ج - با آنكه شرح مختصرى از اطباء و مطلعين اين توطئه را در لايحه مى‌آورد اما مستدعى است از موكله خانم انهارى و اخوى ايشان آقاى مهندس محمود عراقى به نشانى موكلين تحقيق فرموده ماوقع و اصل اين توطئه و اسامى و آدرس كارگردانان آن را از ايشان استنطاق نموده با تشكيل جلسات مواجهه و امثال آن كه حضرتعالى بهتر استحضار داريد واقعيت را كشف و اين شناعت متعفن را با عاملين آن از پرده بيرون آوريد تا خلق بدانند و بشناسند.

د - هرچند در مورد اينكه كما و بيهوشى جانگداز امروزي آقاى انهارى ناشى از ضربه وارده به او مى‌باشد ولى در صورتيكه مقام بازپرسى تحقيق بيشترى لازم بدانند در اين مورد آقاى پروفيسور سميعى استاد ايرانى دانشكده‌هاى پزشكى آلمان كه از آغاز در جريان بوده‌اند حاضر به اداى شهادت مى‌باشند و بارها به عنوان يك وظيفه بشرى آمادگى خود را در اين مورد اعلام كرده‌اند، مى‌توانيد از طريق موكلين نامبرده را در كمترين مدت احضار بفرمائيد.

ز - سواد نامه شخص آقاى هژبرالله با دستخط مباركشان تقديم مى‌شود، در اين نامه

همانطور که ملاحظه می‌فرمائید ایشان صریحاً در مقابل مخاطب خود (هویدا) اعتراف به اشتباهاتی راجع به روابطش با خوش‌کیش می‌نماید که البته ثمره و ادامه این اشتباهات دستور نابودی آقای انهارى بهر قیمتی که شده (از طرف هژبر) می‌باشد، زیرا آقای انهارى حاضر نشده بود بنابه میل هژبر راجع به پیشنهاد رشوه از طرف خوش‌کیش به هژبر (بنابه ادعای هژبر) شهادت بدهد و همین امر موجب صدور دستور نابودی آقای انهارى از جانب هژبر می‌گردد. تفصیل این ماجرا در اوراق بعدی و در دادگاه بیان خواهد گردید.

ر - متهم که به تقصیر جنایتکارانه خویش وقوف دارد درصدد استمالت از موکله برآمده قسمتی از پاداشتها و بدهیهای سالیان خدمتگذاری شخص انهارى را در بانک ایرانیان به حساب سپرده ثابت موکله می‌ریزد تا بلکه بدین طریق ندامت خود از عمل شنیع و تمایل خود به بقاء رفاقت و همکاری را ثابت کرده با استمالت از او توفیق جلب رضایت عایدش شود (استدعا دارد از بانک ایرانیان تاریخ و مشخصات و مبلغ این وجه استعلام شود) غافل از آنکه بدون الحاظ این مسائل هم انهارى از حیث حقوق حقه و کارکرد خویش بسی بیش از این مبالغ را طلبکار است.

ز - متهم برای جلب رضایت از موکله واسطه‌های خود را که (بعضی از آنها قبلاً مشاغل حساس و با عنوان نیز داشته‌اند) بسیج میکند تا درازاء پرداخت میلیون‌ها تومان آنها را راضی کند ولی مگر میشود؟ یک لحظه درنگ و تصور این مصیبت آدمی را وادار به پاسخ منفی می‌نماید. راستی آقای بازپرس بیایید با هم فکر و تصور کنیم ما، یعنی شما و همه دیگران هرچند بی‌احساس و قسی‌القلب و هراندازه محتاج و حریص هم که باشیم، آیا حاضریم درازاء تمامی ذخائر طلای جهان خودمان را یک هفته و نه بیشتر در خانه‌مان مرده جنبیده ببینیم، بطوریکه با زن و فرزند و عزیزان دیگرمان نتوانیم مبادله محبت و عاطفه و مهر بنمائیم، حتی نتوانیم نیازمندیهای حیوانی و طبیعی خویش نظیر تغذیه و دفع را انجام دهیم. چشمان باز باشد ولی نبینیم، گوش‌هایمان فراخ باشد ولی نشنویم، میشود؟ آیا می‌شود دو فرزند معصوم ما ماهها در مدارس و کوچه و جامعه وقتی از دهن همسالانشان اسم پدر و خاطره مهر پدر را می‌شنوند فقط اشک بریزند؟ آیا می‌شود که مادر را هم در پرستاری و خدمت چنین شوهر و پدری وقف شده و بسی خاصیت دید؟ بسرائستی می‌شود؟ و آیا شما بهائی برای این غم و دردهای وصف‌نشدنی سراغ دارید؟

در دنیا میلیونها کودک قبل از بلوغ پدرانشان را از دست میدهند، این طبیعی است و واقعیت دارد، ولی خیلی زود یا مادر یا برادر یا عموی یا یک انسان دیگر جای پدر و محبت‌های او را با اندکی کم و زیاد پر میکند، ولی این صحنه چگونه؟ این صحنه‌ایکه دو

فرزند بارها و بارها بچشمان پرفروغ پدری بنگردد ولی نه پاسخ لبخندی دریافت کند و نه محبت و خشمی. پدر داشته باشند اما فقط در بستر و تخت، مادر داشته باشند آنهم در تیمار پدر و ولاله و سرگردان زندگی. راستی قصد نوحه‌سرائی و تعزیه نداریم، اما ابعاد این بی‌رحمی و خشونت چنان وسیع و چهره‌اش آنچنان کریه است که سکوت را لعن می‌فرستد و باور را می‌لرزاند؟

س - مستدعی است از موکله، شخصاً دفعات طلب رضایت و واسطه‌ها و وعده‌ها و مبلغ موعود وجه‌المصالحه را استفسار بفرمائید تا در پرونده با قلم و گفتار ایشان ثبت و ضبط شود، زیرا عقیده داریم که در جریان بزرگترین و هول‌انگیزترین جنایت و پرونده قرن قرار گرفته‌ایم و چه بهتر که چهره واقعی و سیاه زمان خود را با صداقت ترسیم کنیم بلکه آیندگان را شاهدی صریح و سترگ از اینهمه فاجعه و ظلم را بجا بگذاریم.

ش - نظر به اینکه موکلین، به حکایت مدارک موجود و به حکایت واقعیاتی که همه از آن استحضار داریم از جمله بیدرمان بودن دردهای هولناک و سرسام‌آور بودن هزینه‌های درمانی چنین دردی بکلی از زندگی ساقط شده و حتی نزد یکانشانرا هم مقروض نموده کمترین توان مالی و قدرت اقتصادی ندارند، بضمیمه این لایحه یک برگ دادخواست ضرر و زیان به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال تقدیم میدارد که دادگاه با قبول اعسار ایشان به اصل و فرع آن رسیدگی و پس از حکم حقوق دولتی را موضوع نمایند، از این لحاظ و به جهت اینکه امکان دارد متهم در خلال رسیدگی بجهاتی چند معسر و یا مفلس شود از محضر بازپرس محترم تقاضا می‌کنیم مستنداً به مواد ۶۸ و ۶۸ مکرر آئین دادرسی کیفری قرار تأمین اموال متهم را معادل مبلغ خواسته صادر بفرمائید تا حقوق ضرروزیانی موکلین محفوظ بماند.

ص - به جهت اینکه پرونده‌های متهم مذکور به طور جامع تحت رسیدگی است استدعا دارد در مورد اعمال و رفتار و جرائم ایشان از آقای همت سیفعلیان مقیم سنگسر نیز تحقیق کامل به عمل آید زیرا نامبرده سالها است که در جریان افعال این متهم قرار دارد.

ض - از اداره عمران و مراتع وابسته به وزارت کشاورزی تحقیق شود که سهمیه تفاله چغندر کشاورزان استان مازندران را چه موقع برای آنها منظور کرده و اداره کشاورزی استان مازندران این حواله‌ها را درجه تاریخی به دامداران داده‌اند. و علت این اغتشاش و عامل سوء استفاده از آن چه کسی بوده است (آقای یزدانی) این امور مربوط به دو و سه سال اخیر است که آقای یزدانی مانع تحویل تفاله در کارخانه شیروان به دامداران شده و اینها متحمل خسارات هنگفت شده‌اند. و اداره کشاورزی پس از ماهها نگهداری مبالغ هنگفتی پول آنها را به هزار زحمت به صاحبانشان مسترد می‌دارد (عنایت می‌فرمائید چه

طریقه ابتکاری برای سوءاستفاده و بردن اموال مردم ابلاغ شده که قهراً این یکی از هزارها است).

ل- در سالهای اخیر شرکت گوشت که با سرمایه هژبر یزدانی و شرکای هم مسلک وی علی و حسین روشن، اداره می شد ادعا کرد که چندین هزار رأس از گوسفندان وارداتی مرده اند در حالیکه همه مردم بخوبی وقوف دارند که این گوسفندها هیچوقت نمردند بلکه مرده قلمداد شدند تا پول آنها را متهم مشهور و ایادی و عواملش بالا بکشند (اینهم نوع ابتکاری دیگری از مال ملت را دزدیدن است) استدعا دارد در این خصوص نیز تحقیق شود.

م- شایع است که در استانهای مازندران و خراسان سهمیه کنجاله دامی و جو و ذرت و علوفه را با قیمت نازل مرسوم آقای هژبر و ایادی او دریافت کرده و تحویل می گرفته اند سپس مازاد بر احتیاج خود را با قیمت چندین برابر به دیگر دامداران مفلوک این مناطق می فروخته اند، مستدعی است در این زمینه نیز تحقیق شود.

ن- گفته می شود در سه چهار ساله اخیر، تقریباً تمام جو وارداتی را آقای یزدانی به تنهایی دریافت کرده و سپس به شرح بند قبلی عمل می فرموده اند، استدعا دارد در این موارد نیز تحقیقات لازمه را مبذول فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه

ناصر زرافشان نادر ذوالفقاری حسین دبیر رحمانی

نشانی - خیابان شاهرضا - کوچه سرشار - دفتر وکالت آقای مهاجری

[۹۴ تا ۹۰-۲۱-۱۱۷ ی]

پژوهشگاه علوم انسانی [۱۳] مطالعات فرهنگی

گزارش حسنعلی رفیعا به دادسرای دیوان کیفر

شماره ۱۱۷
۱۳۵۷ خرداد

آقای پیروزنیا بازپرس محترم شعبه ۱۸ دادسرای دیوان کیفر

با توجه به قرار صادره از طرف شعبه سوم دادسرای تهران موضوع پرونده شماره ۲۳۳/۵۷/ شعبه مزبور موضوع رسیدگی به اعتبارات و وامهای دریافتی آقای هژبراله یزدانی که رسیدگی آن را برطبق قرار صادره به عهده اینجانب احاله فرموده اند آنچه که مربوط به وجوه استفاده شده نامبرده از بانک ملی ایران بوده است رسیدگی و گزارش هر یک به نحویکه ذیلاً اعلام می دارد مشروحاً به پیوست مدارک و اسناد مربوط به شرح زیر،

شماره	تاریخ	موضوع
الف-۱-۱۱۰	۱۳۵۷/۱/۱۴	رسیدگی شرکت تولید کفش اطمینان شنبه ۳۳ برگ
۱۱۱-۲	۱۳۵۸/۱/۲۱	رسیدگی به حساب پنجاه میلیون اعتبار از بانک ملی شعبه فردوسی ضمیمه ۱۱۱ برگ
۱۱۲-۳	۱۳۵۸/۲/۱	شرکت کشاورزی و دامپروری کیخسرو ضمیمه ۳۳ برگ
۱۱۳-۴	۵۸/۳/۲۱	شرکت قند قزوین ضمیمه ۳۶ برگ
۱۱۴-۵	۱۳۵۸/۲/۱۰	شرکت گوشت آریا زمین ضمیمه ۲۹ برگ
۱۱۵-۶	۱۳۵۸/۳/۹	شرکت کارخانه قند شاه‌زند ضمیمه ۳۱ برگ
۱۱۶-۷	۱۳۵۸/۳/۱۳	شرکت قند قوچان شیروان و بجنورد ضمیمه ۳۰ برگ

به آن دادسرا ارسال شده است.

و اکنون برای اینکه خلاصه‌ای از جریان معاملات نامبرده با بانک ملی ایران استحضار فرمایند اعلام می‌گردد که برابر صورت ضمیمه کل معاملات آقای هژبراله یزدانی اعم از اعتبارات و وامهای دریافتی در تاریخ رسیدگی مبلغ دو میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون و هشتصد و چهل و چهار هزار و پانصد و پنجاه و چهار ریال ۲۵۵۰۸۴۴۵۵۴ ریال مبلغ پرداختی بابت بدهی در حساب جاری مبلغ ۱۸۶۷۳۷۳۵۰۶ ریال مبلغ باقیمانده که طلب بانک در تاریخ رسیدگی بوده است در مقابل ضمانتنامه مبلغ ۱۷۰۰۰۰۰۰ ریال بدهی در مقابل وام ۶۶۶۴۷۱۰۴۸ باقیمانده کل بدهی در مهرماه ۱۳۵۷ مبلغ ۲۵۵۰۸۴۴۵۵۴ ریال که آقای هژبراله یزدانی به نحویکه در صورت ریزحساب ضمیمه ملاحظه فرموده‌اند و در گزارش مخصوص هر یک از واحدهای مزبور منعکس است می‌باشد از آن استفاده نموده است.

ب- اعطای اعتبارات مربوط به شرکتهای صادراتی پوست آریا زمین و تولیدی کفش اطمینان و همچنین پانصد میلیون ریال اعتبار در حسابجاری اعطانی از طرف شعبه فردوسی بانک ملی ایران به آقای هژبراله یزدانی (که فقط یک قطعه زمین به ارزش بیست میلیون ریال وثیقه دارد) در مقابل وثیقه غیرمنقول نبوده و در مقابل سفته از تسهیلات اعتباری استفاده نموده‌اند.

پ- نسبت به اعطای اعتبار در حسابجاری شعبه شاه‌زند اراک از طرف شعبه سعیدی در مقابل رهن ماشین‌آلات قسمتی سفته اخذ شده که در گزارش مربوطه جزء منعکس است.

د- نسبت به کارخانه‌های قند قزوین شرکت کشاورزی میکانیزه و دامپروری کیخسرو و قند شاه‌زند و شرکت قند شیروان قوچان و بجنورد که قبلاً سهامداران آن دیگران بوده‌اند و برابر اسناد قراردادهای منعقد شده و وثائق و گروگانهای سپرده‌اند که پس از سهیم شدن آقای هژبراله یزدانی این تعهدات و گروگانها جزء بدهکاریهای شرکتها [ی] مزبور به ایشان و سهامداران جدید انتقال یافته است که مشروح هر یک در گزارش مربوط به آن ذکر گردیده است.

ت- نحوه اداره و تشکیل شرکتهای فوق به طوری که پرونده‌ها نشان می‌دهد از تاریخی که آقای هژبراله یزدانی سهامدار خرید از آن شده است با نحوه اداره آن تغییرات عمده پیدا کرده است و تسهیلاتی که در موقع عهده‌داری ریاست هیئت مدیره یا مدیرعامل آن تعهد نسبت بنامبرده اعمال شده است نسبت به ماقبل آن متفاوت است و همه جا جانبداری و تعلل در وصول مطالبات و بی‌توجهی حتی به مطالبی که در گزارشهای مامورین اطلاعات بانک منعکس است می‌رساند که شعب بانک ملی و اداره اعتبارات بانک درباره اعطای و اعتبارات به آقای هژبراله یزدانی نظر خاص داشته و وضع معاملاتی او را نادیده گرفته‌اند.

ث- آقای هژبراله یزدانی بابت معاملات مختلف وامهائی با بهره‌های متفاوت از ۵٪ وام تولیدی تا ۱۲٪ اعتبار در حسابجاری و غیرقابل دریافت داشته که هیچگاه بانک ملی و ادارات امور اقتصادی و دارائی کنترل آن را نداشته‌اند که مصرف واقعی این اعتبارات و وامها را مورد رسیدگی و بررسی قرار دهند زیرا در همه جا آقای هژبراله یزدانی از ادامه دفاتر و اسناد خودداری ننموده [نموده] است و ترازنامه‌هایی که در جهت پرداخت مالیات ارسال داشته اکثر با واقعیت منطبق نبوده وزارت امور اقتصادی و دارائی در مورد مشارکتهای ایشان ناچار شده است علی‌الرأس به تشخیص مالیات اقدام فرمایند که آنها را نیز نپرداخته و میلیونها ریال جزء مطالبات دولت به شرح گزارش‌های مربوط باقیمانده است.

با توجه به این مطالب آقای هژبراله یزدانی و تغییراتی که در اساسنامه شرکتها به عمل آورده و دست و بال خود را برای هرگونه معاملات بازگذارد هر نوع وهی [وجهی] را که به عنوان وام یا اعتبار از بانک دریافت داشته بنحو دلخواه خود به مصرف رسانیده است. ج- نحوه معاملات و خرید سهام شرکتها از طرف آقای هژبراله یزدانی بطوریکه در گزارش هر یک از آنها ذکر شده صورت خاص داشته و بدین ترتیب بوده که سهام اشخاص را نامبرده با پرداخت وجوهی که از اعتبارات خود استفاده می‌کرده است بنام خود و فرزندان و پاداش مخصوص خود خریداری و با تشکیل شرکت خانوادگی تعداد میزان سهام را افزایش و ترقی میداده و به میزان افزایش سهام و سرمایه از بانک اعتبار

دریافت می‌داشته است و این ترتیب در شرکت کفش اطمینان که سرمایه از ده میلیون ریال به یک صد میلیون صوری ترقی داده شده به همان میزان اعتبار دریافت کرده است نموداری از وضع عملیات آقای هژبراله یزدانی است.

چ - در اعطای اعتبارات و تمدید آن که قاعده [تا] بایستی در پایان مدت بدهکار اعتبار دریافتی را واریز نماید به هیچوجه مراعات نشده و باینکه صراحتاً تذکر داده‌اند که اعطای اعتبار برای مدت یکسال است بدون اینکه توجهی به این قسمت نشده [شده] و میزان بدهکاریهای شرکتها به سایرین و بانکهای عنایت گردد به نظرات خاص اقدام به تمدید و تجدید اعتبار شده و تخلفات آقای هژبراله یزدانی در بسیاری از جهات نادیده گرفته شده است.

ح - آقای هژبراله یزدانی اکثر اعتباراتی که به منظور خاص دریافت نموده بعداً آن را بصورت دیگری مورد استفاده قرار داده است مثلاً در مورد دریافت مبلغ پانصد میلیون ریال اعتبار در حساب جاری در بانک شعبه فردوسی خود را بازرگان - املاک و خرید و فروش آهن آلات معرفی می‌نماید و بانک بدون توجه کارت بازرگانی - دفاتر رسمی و غیره و غیره شروع به اعطای اعتبار می‌کند و با آنکه تخلفات در پرداخت بدهی او مشهود و سفته‌هایش و اخواست می‌گردد معذالک بدون دریافت هرگونه تضمین یا قبول سفته اشخاص و حمایت نامبرده [،] نامحدود نامبرده را از تسهیلات اعتباری برخوردار و هیچگونه رعایت اصول و قاعده درباره‌اش معمول می‌گردد [نمی‌گردد] و عجیب این است که با وجود تخلفات نامبرده همیشه در پیشنهادات خود به اداره اعتبارات برای تجدید و تمدید و افزایش اعتبار [،] نامبرده را بازرگانی معروف و خوشنام و خوش حساب قلمداد نموده‌اند.

خ - بهر تقدیر آقای هژبراله یزدانی با دریافت اعتبارات و وامهای بیحد و حساب خود و موافقت کارگزاران بانکی [،] رؤسا و معاونین شعب و اداره اعتبارات بانک [،] تعهدات خود را انجام نداده و نحوه مصرف وجوه را بنحویکه متعهد انجام آن بوده است و از بهره و تسهیلات اعتباری استفاده نموده مشخص نساخته و با درآمد اعتبارات استفاده شده ترازنامه‌های نادرست تسلیم اداره کل مالیات و شرکتها کرده است و مبادرت به اعمالی نموده که در گزارش هر یک از قسمتها مندرج و قابل عملکرد میباشد و از این جهت نیز شرکاء و هیئت مدیره شرکتها نیز در انجام عملیات فوق بدون مسئولیت نمی‌باشد.

د - پرداخت اعتبار به آقای هژبراله یزدانی در قسمتهای مختلف با قبول سفته اشخاص و شرکت و تضمین نامبرده که خود صاحب و مالک شرکت بوده بدون وثیقه که رکن اساس پرداخت وام و اعتبارات با توجه به تضمیناتی که بانک در مورد معاملات غیرمنتفذ داشته قابل تأمل می‌باشد.

ز - جای خوشوقتی است که با تمام مسائل فوق اقدامات وزارت دادگستری و تعقیب به موقع تا حدودی باعث گردید که در این جریان شعب بانک اقدام به وصول مطالبات و تجدید و تمدید سفته‌های واگذاری اشخاص نموده تا حدودی موفق به وصول آن گردیده است و حتی درباره بانک [ملی شعبه] فردوسی که تا تاریخ مراجعه اینجانب اسفند ماه ۱۳۳۷/۱۳۵۷ اصولاً هیچگونه اقدامی راجع به سفته‌ها و حتی زمینی را که در وثیقه دولت بوده ننموده الزاماً اقدامی در وصول مطالبات خود نموده است و امید است با بکار انداختن کارخانه‌ها و تصدی و بررسی خود دولت در تأمین حقوق مردم بشود.

در خاتمه به استحضار می‌رساند که تاریخ شروع رسیدگی در مهرماه ۱۳۳۷ [۱۳۵۷] این تاریخ یعنی متجاوز از هشت ماه و نیم با کمک هر روزه پنج نفر کارشناس بوده است که حتی از روزهای سخت انقلاب و تعطیل از نظر فوریت امر این وظیفه را ادامه داده است علاوه بر هفت فقره گزارش و اسناد منضم به آن قریب به ۸۰۰ برگ صورت‌حساب و کارت اعتباری مورد رسیدگی واقع شده که فتوکی کارت‌ها نیز ضمیمه پرونده در شعبه سوم بازپرسی دادسرا ارسال شده است ضمناً متمنی است همانطور که در پایان گزارشها خواستار شده است دستور فرمایند دستمزد کارشناس را برابر آئین‌نامه مربوطه به دستمزد کارشناس و قرار صادره از طرف بازپرس شعبه سوم دادسرا و نامه تأییدیه دادسرای تهران مبنی بر قبول بانک با پرداخت آن صادر و ابلاغ فرمایند موجب کمال تشکر است با تقدیم احترام

کارشناس رسمی وزارت دادگستری - حسنعلی رفیعا

[۹۷ تا ۹۴ - ۱۱۷-۲۰ ی]

[۱۴]

نامه جهانبخش انهری به امیرعباس هویدا

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر محترم و محبوب ایران
بدنبال افترای واهی آقای هزبر یزدانی علیه دستگاههای اقتصادی مملکت و صدور دستور رسیدگی از طرف آنجناب به تیمسار سرلشکر ارم و احضار و توضیحات چاکر واهی بودن اتهامات وارده را برای دستگاههای مأمور رسیدگی روشن ساخت نیات آشوبگر نامبرده نقش برآب گردید از آن تاریخ مرتباً تهدید بقتل میگردید تا اینکه بعدازظهر پنجشنبه ۵۴/۱۲/۲۱ در خیابان نکش مورد ضرب و جرح ۶ نفر از آدم‌کشان

هژبر یزدانی که با اتومبیل پیکان نامبرده بودند قرار گرفتیم و با وساطت عابرین نقشه خائنه آنها که قصد قتل این جانب را نموده بود نقش بر آب شد ولی از ناحیه پا مجروح و پس از مراجعه به کلانتری ۴ و پزشکی قانونی اکنون در منزل بستری هستم و از آن به بعد نیز مرتباً به وسیله تلفن تهدید به قتل میشوم اینک با نداشتن تأمین جانی دست توسل به دامن نخست وزیر محبوب زده استدعا دارم مقرر فرمائید ترتیبی اتخاذ شود که چاکر هم مانند ۳۵ میلیون ایرانی از نعمت بزرگ امنیت که همیشه مورد نظر شاهنشاه آریامهر است بهره‌مند گردم.

با بهترین احترام. جهانبخش انهاری

[۴۲ تا ۴۱-۱۴-۱۱۷ ی]

[۱۵]

نامه جنگلداری نائین در مورد تجاوز غیر قانونی به اراضی اردستان توسط هژبر یزدانی

به - دادگاه مستقل شهرستان نائین
از - جنگلداری نائین
موضوع - ارسال صورتمجلس تجاوز
شماره ۱۰۷۰
تاریخ ۳۵/۱۲/۲
پیوست دارد
پیوست یکبرگ صورتمجلس تجاوز بشماره ۳۵/۱۱/۲۶-۲۰۵۰ به ارتکاب آقایان الله‌قلی رحمانی ساکن اصفهان آدرس کارمند کارخانه قند اصفهان و علی‌اکبر محمدی فرزند حسن ساکن چهارمیل اردستان و بانضمام برگ تحقیق مورخه ۳۵/۱۱/۲۶ از آقای علی‌اکبر محمدی فرزند حسن ساکن چهارمیل اردستان و صورتمجلس مشاهدات مورخه ۳۵/۱۱/۲۶ و کروکی اراضی ملی مورد تجاوز به مساحت ۱۵۰۵ هکتار که نامبردگان بدون مجوز قانونی مبادرت به دخل و تصرف نموده‌اند و توضیح اینکه آقای هژبر یزدانی ساکن تهران میدان ژاله مقابل کارخانه برق کفش ایران به موجب صورت مجلس تجاوز شماره ۳۵/۴/۵-۲۰۳۶ در مساحت ۴۰۰ هکتار از مرتع چهارمیل اردستان و اظهار آقای علی‌اکبر محمدی در برگ تحقیق شرکاء نامبردگان می‌باشد که به استناد ماده ۵۵ قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور تقاضای تعقیب و خلع ایداراضی ملی مورد عمل را دارد.

جنگلداری نائین چهل‌مرد

[۶۵-۳۴-۱۱۷ ی]

[۱۶]

[آرم] محفل روحانی بهائیان کردند
نامه تقدیر آمیز محفل بهائیت کردند از هژبر یزدانی

نمره ۱۷

تاریخ ۱۸ شهر العلاء ۱۲۳

مطابق ۱۸ اسفند ماه ۲۵۳۵

شخصیت بزرگوار جامعه بهائی و آیت بخشش رحمانی جناب هژبر یزدانی علیه بهاء الله یاران جامعه کهن و دیرپای کردند که روزگاری مسکن و مأوایشان متبرک به قدوم جمال اقدس و عائله مبارک بوده است بی نهایت از ابراز لطف و عنایت آن یار موفق و روحانی درخصوص بنای ساختمان حظیرةالقدس این سامان به یاد والده گرامیتان غرق در شادی و سرور گشته و حقیقتاً این اقدام شکوهمند آن جناب سبب انبعاث روح جدید و شور و حرکتی بدیع در این منطقه وسیع خواهد شد که خیر کثیر آن همه نثار روح جاوید متصاعده الی الله مادر لایق و عزیزتان خواهد گردید.

محفل مقدس روحانی این سامان ضمن ابراز تقدیر و سپاس بی حد آرزوی توفیق و تأیید بیشتر از پیشگاه آن یار مؤمن و بزرگوار تقاضامند است که کلیشه‌نی زیبا و ارزنده از عکس مادر عزیز را همراه بیوگرافی ایشان جهت این محفل ارسال فرمائید پس از اتمام بنا در محل مناسب و مخصوص نصب و نگهداری شود.

با تقدیم تحیات بهائی

منشی محفل - محمد صالحی

[۱۱۷-۱۵-۲۴ ی]

[۱۷]

متن بازجویی هژبر یزدانی در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۴

س - آقای هژبر یزدانی، با توجه به گزارش مورخ ۵۴/۱۱/۴ جنابعالی تقدیمی به دفتر جناب آقای نخست وزیر که در آن اشاره نموده‌اید که دکتر یگانه به علت اختلافاتی که با جناب عالی داشته اعتبارات بانکی جناب عالی را در بانک ملی و بعضی از بانکها بسته، ضمن توضیح کافی در مورد علت اختلافات خود با آقای دکتر یگانه میزان اعتبارات و اسامی بانکها را مرقوم فرمایید.

ج - در اسفند ماه یا بهمن ماه سال ۵۲ منزل دکتر حسین شرافت مدیرعامل سابق بانک بیمه بازرگانان واقع در خیابان فرمانیه توسط اینجانب خریداری شد. بعد از دو روز

از طریق بانک مرکزی آقای دکتر یگانه بنده را احضار نمودند و گفتند چرا منزل دکتر شرافت را خریده‌ای و بعد از بحث‌های زیاد و ارائه سند که هیچ اشکالی از لحاظ ثبتی نداشته است و خرید به ایشان ارتباطی ندارد مسئله منتفی شد. چندی بعد بنده سهام بانک اصناف ایران (ایرانیان فعلی) را خریداری نمودم (در حدود ۷۵٪). آقای دکتر یگانه گفتند سرمایه از دویلمیون آن وقت بانک باید به سیصد میلیون تومان ازدیاد گردد. به هر صورت بنده در حدود ۳۵٪ از سهام جدید را خریداری نمودم. ایشان برخلاف قوانین جاریه مملکتی با تهدید به بانکها و اعمال نفوذ به اعتبارات اینجانب صدمه زدند از جمله که بنده در بانک ملی فردوسی در حدود سیصد و پنجاه میلیون تومان اعتبار داشتم. به مبلغ پنجاه میلیون تومان تقلیل پیدا نمود و یا در بانک صنایع ایران که حدود چهل و پنج میلیون تومان استفاده می‌شد کاملاً واریز گردید و هم‌اکنون در بانک صنایع اعتباری ندارم. تمام مدیران بانکهای ایران را فرداً فرد آقای دکتر یگانه مورد بازخواست قرار می‌دادند که چرا اعتبار [داده] و اقدام می‌کنند. بنده در فروردین ماه [۱۳۵۴] دیگر با بانک ملی کارم کمتر شد و تقریباً به حد معمولی، در حدود اعتبار موجود، باقی ماند.

س - توضیح بفرمایید چرا دکتر یگانه از اینکه جنابعالی خانه حسین شرافت را خریده بودید ناراحت بود و نیز توضیح بفرمایید آیا با آقای یوسف خوش‌کیش نیز اختلاف دارید یا خیر. در صورت اول مشروحاً علت اختلاف خود را با آقای یوسف خوش‌کیش مرقوم دارید.

ج - آقای دکتر یگانه اظهار می‌نمودند که خانه شرافت را برای مهمانسرای بانک مرکزی لازم دارم و بعد دکتر شرافت به ما بدهکار بود. بنده اظهار داشتم خانه به نام دخترش بود و در سند هم معامله رهنی واقع نشده بود. شخص دکتر یگانه مرد لجباز و حسودی بوده است و اما مرقوم فرمودید که با آقای خوش‌کیش اختلافی دارم یا نه، بنده با شخص ایشان اختلافی نداشتم و خیلی دوست بودیم. ایشان نیز خلاف مقررات بانک ملی و بدون رعایت وضعیت کارهای اینجانب، اعتبارات بنده را قطع نموده‌اند در صورتی که کسانی که همسطح این‌جانب و یا کارهای کمتر دارند مبالغ خیلی زیادتری استفاده می‌نمایند و کار استفاده از اعتبار بانک ملی بدون مؤسسات و کارخانه‌های تولیدی و یا تجارتمی‌کاری پیش‌پا افتاده است و بدون جهت و سبب در کارهایم اشکال‌تراشی می‌نمودند. بعداً متوجه شدم که ایشان قصد انتقامی دارند.

س - در گزارش خود نوشته‌اید که شخصی به نام عباس سرافراز که معروف است واسطه و دلال آقای خوش‌کیش نزد تجار و بازرگانان است و تمام اعتبارات مردم را او درست می‌کند لطفاً دلایل و مدارک خود را در این زمینه ارائه نموده و بازگو فرمایید و اسامی تعدادی از افراد را که آقای سرافراز به وسیله آقای خوش‌کیش برای آنها اعتبار

داده است به وضوح مرقوم دارید.

ج - در مورد آقای سرافراز سؤال فرمودید: تمام تجار طهران و اکثر کارمندان عالیرتبه بانک از روابط آقای خوش‌کیش و ایشان اطلاع دارند و چنانچه محرمانه، به صورتی که متوجه نشوند، از دستگاه دولتی سؤال بشود همه اظهار خواهند داشت که نامبرده هرگز فتاری که با آقای خوش‌کیش دارید او حل می‌نماید. در مورد اسامی افراد مرقوم فرمودید که بنده چند نفر به نام اسم ببرم. چون در کار تجارت اعتبارات افراد به منزله رشته اصلی عملیات اقتصادی مردم است بنده اسم کسی اراا نمی‌برم ولی شما می‌توانید به طور غیرمستقیم از هرکسی که فکر می‌کنید اعتبار بزرگی در بانک ملی داشته باشد سؤال بفرمایید. در مورد مدارک به وسیله آقای سرافراز، به طوری که بنده در عریضه‌ام نوشته‌ام، چکهای موجود سند روشنی می‌باشد.

س - جناب آقای یزدانی، جناب عالی در عریضه تسلیمی خود به دفتر جناب آقای نخست‌وزیر در مورد غلام‌عباس سرافراز نوشته‌اید که این شخص دلال آقای یوسف خوش‌کیش است و کار اعتباری تجار را او درست می‌کند در حالی که از بردن نام این تجار که کار اعتباری آنان به وسیله سرافراز و خوش‌کیش درست شده خودداری می‌نمایید. با توجه به اینکه موضوع تحت رسیدگی است لطفاً اسامی چند نفر از این افراد را مرقوم فرمایید.

ج - ... اختلاف آقای میراشراقی با آقای خوش‌کیش. پرنده‌های اعتباری که آقای خوش‌کیش تصویب نمودند واسطه اکثر آنها سرافراز بوده است. بدینوسیله آقای غلامعلی خمودی که سالها رئیس شعبه مرکزی و شعبه سعدی و فردوسی و بازرسی استانها بوده‌اند حضورتان معرفی می‌شود تا اطلاعات جامع و کاملی در زمینه سوءاستفاده‌های خوش‌کیش به شما ارائه نماید.

س - شما در دادخواست خود عنوان کرده‌اید که تقاضای اعطای اعتبار را خود آقای خوش‌کیش دیکته نمود و شما نوشتید؛ توضیح دهید که در کجا و در حضور چه کسانی و در چه تاریخی این عمل انجام شد و چه دلایلی در این مورد دارید.

ج - در حضور ایشان، در دفترشان؛ اظهار نمودند که اعتباراتی را در شعبه مرکزی خواهم داد و گفتند که چه جور نامه‌هایی بنویسم برای تقاضای اعتبار برای شرکتهای دیگر. آقای عباس سرافراز نامه را که ایشان می‌گفتند نوشتند و بعداً به آقای انهاری دادند پاکت‌نویس نمود و به خاطر ندارم در کجا بوده که پاکت‌نویس شد و آقای انهاری به آقای سرافراز داده‌اند که به آقای خوش‌کیش بدهند.

س - شما در گزارش خود نوشته‌اید که در اثر اختلافاتی که با آقای یگانه داشته‌اید اعتبارات شما را یکمترتبه قطع نموده‌اند در صورتی که طبق تحقیق اعتبار شما در شعبه

فردوسی به تدریج قطع شده است. اگر در سایر شعبات و بانکها در یک مرحله تمام اعتبارات شما قطع شد روشن بفرمایید در کدام شعبات و در چه تاریخ.

ج - در بانک ملی فردوسی بنده تمام اعتبارات خود را از پانزدهم اسفند تا اواخر اسفند پرداخت نمودم؛ فقط در روز ۵۳/۱۲/۲۸ مبلغ یکصد و پنجاه و پنج میلیون تومان دریافت نمودم. علت آن این بود که چکهای تهران تضمینی این جانب موجود در بانک را تاریخ گذاشتند و به دستور خوش کیش در آخرین پایاپای چکها بانکها وصول نمودند.

س - مشروحاً توضیح بفرمائید چکهای شماره ۲۳۳۳۳۱ به تاریخ ۱۳۵۴/۸/۲۵ به مبلغ سی میلیون ریال و در وجه حامل و چک ۳۳۳۳۳۲ به تاریخ ۵۴/۸/۲۶ در وجه حامل به مبلغ بیست میلیون آیا متعلق به جنابعالی است یا خیر و این چکها را به چه منظور کشیده‌اید و در اختیار چه کسی و به چه منظور قرار داده‌اید و از طرف چه کسی پشت‌نویسی شده و چطور شد مجدداً به دست شما رسیده است.

ج - بعد از ملاقات در دفتر آقای خوش کیش آقای سرافراز به من مراجعه نمودند و گفتند که آقای خوش کیش توقعاتی از شما دارند. بنده مبلغ سی میلیون ریال چک دادم. فرمایش باز اظهار نمودند مبلغ مزبور کم است. در نتیجه، بنده مبلغ بیست میلیون ریال دیگر دادم. چکها هر دو فقره در وجه حامل بود آقای خوش کیش تلفنی با من تماس گرفت و من رفتم دفترشان. اظهار نمودند که چک‌هایی به مبلغ سه یا پنج یا ده میلیون تومان به سرافراز داده‌اید. بنده گفتم درست است. ایشان تعارف نمودند که بنده نظری ندارم و از محبت شما ممنونم. من به ایشان گفتم چکها نزد سرافراز است و هر وقت شما لازم دانستید پس می‌گیرم و مطلب با تعارفات تمام شد.

فردای آن روز در شعبه مرکزی مبلغ سیصد میلیون ریال به من دادند و روز بعد دو فقره چک را برای وصول به شعبه میدان فردوسی فرستادند. بنده باتماس با آقایان اظهار نمودم که باید تمام اعتبار قطع شده به بنده پرداخت گردد تا شما چکها را وصول نمایید. آقای سرافراز در ملاقات با من گفتند اولاً آقای خوش کیش با مبلغ پنج میلیون تومان موافق نیستند باید ده میلیون تومان بدهی. دلیلش را پرسیدم گفتند که شما در ملاقات با آقای خوش کیش ایشان جمله‌ای به شما گفتند که سه یا پنج یا ده میلیون تومان چک به سرافراز داده‌اید. گفتم بلی، و درست است چنین جمله‌ای گفتند. گفت نظرشان روی ده میلیون تومان است. بنده هم ناچاراً از ایشان خواستم چکهای مرا پس بدهد و من اعتبار نمی‌خواهم. روز ۵۴/۸/۲۹ آقای قائمیان به من تلفن کردند و اظهار نمودند شما باید سی میلیون تومان را پس بدهی و تا این تاریخ مقداری هم چکهای متفرقه وصولی شما به حساب رفته است. بقیه را باید زودتر واریز کنید. من به آقای خوش کیش تلفن نمودم که آقا این چه اعتباری است که دادید و باید دو روزه پس بدهم. گفتند علتش را خودت

بهرتر می‌دانی. [بعدا] تلفن را قطع نمودند. بنده در تاریخ ۵۴/۸/۳۰ بابت بقیه سی میلیون تومان وجه نقد مبلغ ۱۹۰ یا ۱۹۵ میلیون ریال چک بانک صادرات دادم که تاریخ اول یا دهم آذرماه به حساب جاری ۸۵۱۱۳ بانک ملی مرکز واریز شده چکهای [مزبور] توسط آقای عباس سرافراز پشت‌نویسی شده و وسیله انهارای از ایشان گرفته شد. در یکی از شبها یکی از افراد مؤثر مملکت از ایشان (عباس سرافراز) سؤال نمودند که چکها را به چه منظور گرفتی. گفت می‌خواستم در بانک ملی خرج کنم. آن فرد از ایشان سؤال نمود آقای خوش‌کیش اگر نظری نداشتند از کجا فهمیدند که شما چک از یزدانی گرفته‌اید. گفتند که من به ایشان گفتم. دوباره سؤال شد چه جواب دادند. آقای سرافراز گفت آقای خوش‌کیش اظهار نمود چکها را پس بده. سؤال شد پس چرا چکهای بدون وصول به بانک ملی فردوسی بردید. درست جواب ندادند و از جواب دادن عاجز ماندند. و نیز به علت حق‌الزحمه آقای سرافراز بنده مبلغ دو میلیون ریال بایشان دادم که بعداً مبلغ پانصد هزار ریال نقداً به حساب این‌جانب واریز کرده‌اند و یک چک به مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال نیز به من دادند که فتوکپی آن تقدیم شده است.

س - پانصد هزار ریال را چه کسی به حساب جنابعالی واریز نمود و بقیه را چه کسی به شما پس داد؟ و توضیح بفرمایید این دویست هزار تومان، پول نقد بود یا چک و در کجا و در حضور چه کسانی و در چه تاریخ به عباس سرافراز و به چه منظور پرداخت نمودید.
ج - درست نمی‌دانم که چه کسی مبلغ پانصد هزار ریال را به حساب این‌جانب واریز نموده چون رسید آن را به من ندادند و پیغام دادند (سرافراز) که پولی که به معاون شعبه مرکزی جهت کار شما داده‌بودم به حساب شما واریز شد و وجه دویست هزار تومان را نقد به ایشان در سالن شعبه مرکزی دادم. آقای انهارای هم بودند و یک کارمند این‌جانب هم که پول آورده بود حضور داشت. نام معاون شعبه مرکزی مرزبانی است و شنیده‌ام برادرش با آقای سرافراز کار می‌کند.

س - با تحقیقی که از بانک ملی به عمل آمد اصولاً در چند ماه اخیر اعتباری برای جناب‌عالی باز نشده تا در اثر کم بودن وجه چک پرداختی به آقای سرافراز مسدود و یا اعتبار شما قطع گردد بلکه جناب‌عالی حدود ۱۰۰ میلیون تومان چک و سفته در بانک داشته‌اید و رئیس شعبه مرکزی به نام قائمیان به جناب‌عالی مانند سایر مشتریان دیگر بانک مبلغ سی میلیون تومان به صورت اوردرافت پرداخت تا شما پس از چند روز واریز نمایید. با این ترتیب ملاحظه می‌فرمایید مسئله ایجاد و یا اعطای اعتبار در بین نبوده...

ج - ا. بنده احتیاج به اعتبار جدیدی نداشتم چون اعتبار پایه در [بانک] ملی فردوسی داشتم به مبلغ پانصد میلیون ریال. اعتبار قطع شده از اعتبار اصلی بود که طبق تعرفه بانک باید با مشتری معامله شود. پس بنابراین احتیاج به صدور کارت اعتباری جدید

نبود. آقای خوش‌کیش می‌گفتند چون شعبه مرکزی شعبه بزرگ‌تری است در این شعبه استفاده کن ۲. هر اعتبار که باید پرداخت شود مشتری بانک برای پوشش اعتبار باید اسناد وصولی تجارته و یا وثیقه ملکی داشته باشد؛ چون قرار بود که اعتبار در شعبه مرکزی استفاده شود بنده در حدود یکصد میلیون تومان اسناد دادم که بعداً با دادن وصولی بیشتر تا میزان اعتبار استفاده نمایم. ضمن اینکه افراد اعتبار دارند باید پوشش وصولی در بانک تکمیل باشد تا بتوانند استفاده کنند. بنده هم به همان علت یکصد میلیون تومان وصولی علی‌الحساب داده بودم و اما اگر آقای قائمیان اظهار می‌دارد که خودشان داده‌اند، ایشان چنین اختیاری ندارند بدون آقای مدیرکل پولی بدهد. چون همان روزی که به من سی میلیون تومان را دادند ایشان از آقای سهامی معاون کل که در بانک ساختمان جلسه داشتند اجازه خواستند. تلفنی ایشان گفتند که آقای مدیرکل امروز گرفتار است پس نمی‌شود با ایشان تماس گرفت. بالاخره با ایشان از بانک ساختمان تماس گرفتند و به آقای قائمیان اجازه پرداخت دادند.

س - اظهار داشتید آقای خوش‌کیش از طریق دریافت حواله‌زحمه به منظور پرداخت همین نوع اعتبارات دارای ثروت هنگفتی در داخل و خارج از کشور می‌باشد لطفاً اطلاعات خود را در این زمینه مشروحاً بنویسید.

ج - آقای خوش‌کیش دارای املاک فراوانی در شمال ایران و تهران است که اگر لازم شد خود بنده صورت املاک و اسناد ایشان را از ادارات ثبتی می‌گیرم. و با تحقیق در شمال صورت آن را می‌دهم. آقای سرافراز به طوری که می‌گفت ایشان در لندن ویلا دارد. در نیویورک زمین دارد. یک شرکت بزرگ با سرمایه بزرگ در آمریکا دارد و حدود یکهزار میلیون تومان [یک میلیارد] پول دارد در خارج از کشور که اکثراً آقای سرافراز پولها را به خارج برده است.

س - توضیح بفرمایید از ابتدا تا کنون جناب عالی در بانک ملی در شعبات مختلف چه مبلغ اعتبار داشته‌اید. و در حال حاضر یعنی در روز ۵۴/۱۱/۶۶ چه مبلغ در بانک ملی اعتبار دارید و چه مبلغ قبلاً توسط آقای بگانه و خوش‌کیش اعتبار شما قطع شده و همین‌طور توضیح بفرمایید در سایر بانکها تا این تاریخ چه مبلغ اعتبار دارید.

ج - در بانک ملی از سه الی چهار سال قبل حدود ۳۰۰ الی ۳۵۰ میلیون تومان شخصاً از اعتبارات استفاده می‌کردم. از آخر اسفند ماه یعنی اوایل فقط پانصد میلیون الی پانصد و پنجاه میلیون ریال استفاده شده است. در بانک صنایع حدود پانصد میلیون ریال استفاده می‌شد که واریز شده است. در بانکهای صادرات ۷۵ و عمران ۵ و داریوش ۱۵، ایران و ژاپن ۹، بیمه ایران ۵، شهریار ۱۰، پارس ۷/۵، دالراشان ۵، بانک روس و ایران ۱۰، تجارت خارجی ۱۴ [میلیون ریال] که از اکثر آنها استفاده شده است و تمام این

اظهارات متهم



برگه بازجویی و صدور گواهی

دادخواهان	دادخواستنده	خواسته	تاریخ	جزوه‌دان	پرونده
			روز ۲۰۰۲	۹۵۹	
<p>تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۱ س - خود را معرفی نمائید و مفاد ماده و شماره ۲۰۰ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری بشما تفهیم میشود. موایب اظهارات خود باشید. ج - نام: هژبر یزدانی / روزنه: روزنه یزدانی / نام خانوادگی: یزدانی / شهر: تهران سن: ۱۳۱۳ / شغل و محل کار: ... اهل: ... مذهب: ... اصلاحی آیین دادرسی کیفری مطلع عدم هرفوت امامتگاه خود را تصدیق نمودم. موایب اظهارات خود هیستم. ۱ - ... ۲ - ... ۳ - ... ۴ - ... ۵ - ... ۶ - ... ۷ - ... ۸ - ... ۹ - ... ۱۰ - ... ۱۱ - ... ۱۲ - ... ۱۳ - ... ۱۴ - ... ۱۵ - ... ۱۶ - ... ۱۷ - ... ۱۸ - ... ۱۹ - ... ۲۰ - ... ۲۱ - ... ۲۲ - ... ۲۳ - ... ۲۴ - ... ۲۵ - ... ۲۶ - ... ۲۷ - ... ۲۸ - ... ۲۹ - ... ۳۰ - ... ۳۱ - ... ۳۲ - ... ۳۳ - ... ۳۴ - ... ۳۵ - ... ۳۶ - ... ۳۷ - ... ۳۸ - ... ۳۹ - ... ۴۰ - ... ۴۱ - ... ۴۲ - ... ۴۳ - ... ۴۴ - ... ۴۵ - ... ۴۶ - ... ۴۷ - ... ۴۸ - ... ۴۹ - ... ۵۰ - ... ۵۱ - ... ۵۲ - ... ۵۳ - ... ۵۴ - ... ۵۵ - ... ۵۶ - ... ۵۷ - ... ۵۸ - ... ۵۹ - ... ۶۰ - ... ۶۱ - ... ۶۲ - ... ۶۳ - ... ۶۴ - ... ۶۵ - ... ۶۶ - ... ۶۷ - ... ۶۸ - ... ۶۹ - ... ۷۰ - ... ۷۱ - ... ۷۲ - ... ۷۳ - ... ۷۴ - ... ۷۵ - ... ۷۶ - ... ۷۷ - ... ۷۸ - ... ۷۹ - ... ۸۰ - ... ۸۱ - ... ۸۲ - ... ۸۳ - ... ۸۴ - ... ۸۵ - ... ۸۶ - ... ۸۷ - ... ۸۸ - ... ۸۹ - ... ۹۰ - ... ۹۱ - ... ۹۲ - ... ۹۳ - ... ۹۴ - ... ۹۵ - ... ۹۶ - ... ۹۷ - ... ۹۸ - ... ۹۹ - ... ۱۰۰ - ...</p>					

۱۱۷-۳۳-۴۵

اعتبارات مربوط به شخص اینجانب است و کارخانه‌ها و شرکتهای وابسته به اینجانب در بانک ملی حدود یکصد و چهل میلیون تومان اعتبار دارند که اکثر اعتبارات مزبور به علت خرید کارخانه‌ها به ارث به اینجانب رسیده است و از روز خرید مقداری هم کم شده است. توضیحاً قطع اعتبار مزبور در اسفند ماه بوده که حدود یکصد میلیون تومان تا اواخر اسفند ماه ۵۳ - روز ۵۳/۱۲/۲۸ - مبلغ یکصد و پنجاه و پنج میلیون تومان و در فروردین ماه ۵۴ پنجاه میلیون تومان پرداخت شده است.

س - شما در گزارش تقدیمی خود نوشته‌اید که نحوه تقاضای دریافت اعتبار توسط آقای خوش‌کیش دیکته شد و شما نوشتید. با توجه به فتوکپی تقاضای شما که یکی به تاریخ ۱۳۵۴/۹/۳ و دیگری به تاریخ ۵۴/۹/۲۰ می‌باشد و به رؤیت شما رسید، توضیح بفرمائید کدام یک را آقای خوش‌کیش دیکته کردند و کدام به خط جناب‌عالی است و چرا تاریخهای آن متفاوت است و این تقاضاها را چه کسی برد و به بانک تحویل داد و با این ترتیب مسئله اعتبار سی میلیون ریال. با توجه به تاریخ نمی‌تواند صحت داشته باشد. ج - چون نامه‌ها به خط آقای انهاری بوده است بنده یادم نیست که تاریخ نامه‌ها چه بوده است. نامه‌ها در آبان ماه باید صادر شده باشد. نامه اولی را آقای خوش‌کیش دیکته نمودند.

| ۳۰ تا ۲۵ - ۱۱۷۱۰ ی |

[۱۸]

متن بازجویی هژبر یزدانی در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۶

به تاریخ ۱۳۵۶ | ۳۶/۵/۲۳ | پرونده تحت نظر است. آقای هژبر یزدانی در بازپرسی حضور دارند. خطاب شد به نامبرده خود را معرفی نمایند.

ج - هژبرالله یزدانی، فرزند رضاقلی، ۴۳ ساله، شغل بازرگان، اهل سنگسر، مقیم تهران، فرمانیه، مقابل کوچه ندا، شماره ۲۰۰ می‌باشم.

س - مشروح شکایت آقای جهانبخش کنارسری انهاری و همسر ایشان قرائت می‌شود. [...] چه می‌گویید؟

ج - بنده هنوز کاملاً نمی‌دانم خانم آقای انهاری به چه جهت و چه علت از بنده شکایت می‌نماید و آقای انهاری هم شکایتی نموده بود که رضایت داد؛ و ایشان شکایت نموده‌اند که شوهر ایشان به وسیله ایادی این‌جانب مضروب شد. بنده اطلاعی ندارم، و بر اثر تحریک عده‌ای می‌باشد که می‌خواهند برای مردم مزاحمت و دردسر ایجاد نمایند.

س - شما با آقای جهانبخش کنارسری اختلافی داشتید؟

ج - ایشان مدتی پیش من کار می‌کردند که به علت حسابهای نامرتب استعفا کرد و رفت.

س - روزی که در اثر شکایت ایشان پرونده‌ای در کلانتری ۴ تشکیل شد شما با آقای کنارسری مواجه شدید؟

ج - بله.

س - در مواجهه چه بحثی مطرح شد؟

ج - به ایشان گفتم که بعد از این همه خدمت نتیجه این است که شکایت کنی! او هم گفت معذرت می‌خواهم و مرا بوسید و رضایت داد.

س - شما از جملاتی که به عنوان اعلام رضایت کتبی در کلانتری نوشت اطلاع دارید؟

ج - من اطلاعی از مطالبی که به عنوان رضایت نوشته ندارم.

س - جمشید فیروزی و حسن فیروزی و محمد صمدیان کارگر و یا کارمند شما بوده‌اند، البته منظور حین طرح شکایت است.

ج - جمشید فیروزیان آن موقع راننده قند اصفهان که کارخانه آن متعلق به من است بود. حسن فیروزیان را نمی‌شناسم. یک محمد صمدیان در کفش اطمینان داریم که معاون آقای انهاری بوده. ضمناً جمشید فیروزیان از نزد من رفته و در حال حاضر کامیون دارد.

س - بعد از طرح شکایت اولیه و اعلام رضایت در کلانتری معلوم شد که علت ایراد ضرب وارده به آقای کنارسری چه بوده؟

ج - آن موقع معلوم نشد و پزشکی قانونی هم گفته [مدت بستری وی در بیمارستان] شش روز بوده و معلوم هم نشد که چه کسی او را زده. بعد هم صحیح و سالم چندین ماه به اروپا مسافرت کرده.

س - نظریه پزشکان قانونی قرائت می‌شود که حاکی است عارضه ایجاد شده رابطه سببیت با ایراد ضرب او دارد؛ آیا به نظر شما این نظریه صحیح است یا اینکه عارضه ایجاد شده علل دیگری داشته است؟

ج - بنده از ایراد ضرب خبری جز آنچه که در کلانتری شکایت کرده و بعد رضایت داده ندارم، منتهی در مورد عارضه‌ای که ایجاد شده ایشان معتاد بود و در بیمارستان این موضوع را کتمان کرده و همین باعث شده که بیهوش مانده است.

س - علت ایراد ضرب اولیه آقای جهانبخش کنارسری را چه می‌دانید؟

ج - بنده اطلاعی ندارم که ایراد ضرب بوده یا خیر.

- س - در اظهارات ۵۴/۱۲/۲۴ اعلام نموده‌اید که چون با آقای خوش‌کیش اختلاف داشته‌اید و در نتیجه در اثر تحریکاتی آقای جهانبخش کنارسری اعلام شکایت نموده‌اند. در این مورد توضیحات بیشتری بدهید.
- ج - بنده هنوز با آقای خوش‌کیش حرف نمی‌زنم؛ سروکاری هم ندارم. چون از طرفین نامه‌ای گرفته شده در مقامات امنیتی که از هم شکایتی نکنیم از این رو حرفی نمی‌زنم. والا تحریک ایشان هست.
- س - شما تصور می‌کنید که اصلاً ایراد ضربی در بین نبوده و بدون جهت و در اثر تحریکات اشخاصی از شما شکایت کرده، منظور این است که فکر می‌کنید مورد ایراد ضرب قرار نگرفته.
- ج - بله، به علت تحریکات شکایت کرده. شاید هم به قصد اخاذی شکایت کرده و ایراد ضربی در بین نبوده است. چطور ممکن است بنده دستور بدهم ایشان را بزنند؟ شکایت ایشان واهی بوده.
- س - شهادت آقای محمدعلی آقاچانی [که] حاکی از ایراد ضرب به آقای کنارسری می‌باشد قرائت می‌شود. بنابراین ثابت است که ایراد ضربی به آقای کنارسری به عمل آمده. در این مورد چه توضیحی دارید؟
- ج - بنده این آقا را نمی‌شناسم و این دلیل نمی‌شود.
- س - در مورد رفع اختلافی که در محضر تیمسار ارم به عمل آمده توضیحاتی بدهید.
- ج - تیمسار ارم مأمور رسیدگی به شکایت این جانب از آقای خوش‌کیش بوده.
- س - آیا آقای جهانبخش کنارسری اظهاراتی علیه شما نزد ایشان مطرح کرده‌اند؟
- ج - دقیقاً نمی‌دانم ولی ایشان را احضار کرده‌اند. به هر صورت اظهاراتی به نفع خوش‌کیش کرده است. البته من پرونده را ندیده‌ام ولی شنیده‌ام.
- س - از چه کسی این مطلب را شنیده‌اید؟
- ج - تیمسار ارم به من گفت.
- س - بعد از اینکه اطلاع پیدا کردید که آقای جهانبخش کنارسری به ضرر شما اظهاراتی نموده با او تماس گرفتید و اقدامی کردید؟
- ج - وقتی من شنیدم که ایشان استعفا داده و رفته بود و دیگر او را ندیدم.
- س - اظهارات خود را گواهی کنید.
- ج - امضا می‌کنم.

[۱۹]

نامه تقدیر آمیز محفل بهائیان از هژبر یزدانی

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHAI WORLD CENTRE

۸ شهر الکلمات ۱۳۵

۲۰ جولای ۱۹۷۸

برادر عزیز روحانی جناب هژبر یزدانی علیه بهاءالله

مکتوب مورخ ۱۷ شهر الرحمه ۱۳۵ آنجناب درباره تقدیم قالی نفیس واصل گردید و موجب سرور وافر شد جناب بورا کاولین نیز از آن یار نازنین در مراجعت به ارض اقدس تمجید نمودند که الحمدالله آن نفس نفیس شجاع و غیورند و مستعد خدمت و جانفشانی در سبیل رب غفور.

در آستان مقدس رجا نمائیم که عنایات الهیه شامل حال گردد و آن یار مهربان را موفق سازد تا به خلق و خوی رحمانی چنان محشور گردند و در خدمت خلق و خدا چنان مشهور خاص و عام شوند که جاذب تائیدات ملائع اعلی باشد و جمیع را معترف سازد که پیروان اسم اعظم از هر جهت ممتازند و مفتون تعالیم عالییه حضرت بی نیاز.

با تقدیم تحیات بهیه
بیت العدل اعظم

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHAI WORLD CENTRE

۸ شهر الکلمات ۱۳۵

۲۰ جولای ۱۹۷۸

برادر عزیز روحانی جناب هژبر یزدانی علیه بهاءالله

مکتوب مورخ ۱۷ شهر الرحمه ۱۳۵ آنجناب در باره تقدیم قالی نفیس واصل گردید و موجب سرور وافر شد جناب بورا کاولین نیز از آن یار نازنین در مراجعت به ارض اقدس تمجید نمودند که الحمدالله آن نفس نفیس شجاع و غیورند و مستعد خدمت و جانفشانی در سبیل رب غفور.

در آستان مقدس رجا نمائیم که عنایات الهیه شامل حال گردد و آن یار مهربان را موفق سازد تا به خلق و خوی رحمانی چنان محشور گردند و در خدمت خلق و خدا چنان مشهور خاص و عام شوند که جاذب تائیدات ملائع اعلی باشد و جمیع را معترف سازد که پیروان اسم اعظم از هر جهت ممتازند و مفتون تعالیم عالییه حضرت بی نیاز.

با تقدیم تحیات بهیه



نامه تقدیر آمیز محفل بهائیان از هژبر یزدانی | ۷-۱۵-۱۱۷ ی

[۲۰]

نامه هژبر یزدانی به بانک ملی ایران

هژبر یزدانی

بانک ملی ایران

تاریخ ۱۳۵۴/۹/۳

شماره ۱۳۱۳

پیوست —

محترماً به استحضار می‌رساند:

نظر به اینکه کارخانجات صنعتی و تولیدی و همچنین شرکتها و مجموعه‌های صادراتی اینجانب به خاطر رشد بیشتر اقتصاد کشور و بازده بیشتر احساس می‌کنند داشتن اعتبارات قابل توجهی به منظور تنخواه‌گردان و فعالیت و بگردش درآوردن امور خود دارند با عنایت به اهمیت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و حجم معاملات آنها که با نیروی انسانی عظیمی سروکار دارد با در نظر گرفتن سوابق و اعتبار آنها تقاضا دارد مقرر فرمایند با اعطای اعتبار مصوبی برای هر یک از واحدها و مجموعه‌هایی که ذیلاً از آنها نام برده می‌شود در پیشبرد هرچه بیشتر رشد اقتصادی کشور کمک مؤثر می‌ذول فرمایند. لزوماً به استحضار می‌رساند که علاوه بر گروگان‌های ارزنده‌ای که هم‌اکنون به عنوان وثیقه در رهن بانک می‌باشد روزانه بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون ریال سفته‌های کوتاه‌مدت و چک‌هایی که از فروش کالا عاید می‌گردد در اختیار آن بانک قرار گرفته و به حسابهای مربوطه منظور خواهد شد در عین حال چنانچه لزومی به ارائه و سپردن وثائق دیگر برای اعطاء اعتبارات مورد درخواست باشد آمادگی خود را اعلام داشته رجاء واثق دارم با تصویب اعتبارات مورد تقاضا رونق قابل توجهی به بازار اعطاء فرموده‌اند که علاوه بر مصوبات قبلی اعتبارات زیر مورد تصویب قرار گیرد. شرکتها و کارخانه‌ها با اعتبار مورد درخواست به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱. شرکت ریسندگی و بافندگی پاکریس ۴۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال
۲. شرکت کشاورزی مکانیزه دامپروری کیخسرو " ۴۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰
۳. شرکت صادراتی پوست آریازمین " ۲۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰
۴. شرکت تولیدی کفش اطمینان " ۲۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰
۵. شرکت کارخانه قند اصفهان " ۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰

اینجانب با وسعت معاملات روزانه تقاضای ۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال اعتبار دارد.

با امتنان و تجدید احترام - هژبرالله یزدانی

[۳۱-۱۰-۱۱۷ ی]

[۲۱]

نامه هژبر یزدانی به محمدرضا بهلوی

به خاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ارواحنا فداء

مفتخراً بشرفعرض خاکپای مبارک می‌رساند:

خاطر خطیر همایونی مستحضر است که چاکر همواره نوکری صادق و وفادار برای شاهنشاه متبوع مفتخم و سربازی جانباز برای میهن مقدّس خود بوده و هستم و خواهم بود. با آنکه چاکر در تمام طول عمر خود هرگز در کارهای سیاسی و اجتماعی مداخله نکرده و تمام کوشش فدوی کمک به اقتصاد کشور از طریق ایجاد مؤسسات تولیدی بوده و تمام سرمایه خود را که در سایه ذات اقدس شهرباری به دست آورده در همین کشور به کار انداخته و دیناری از کشور خارج ننموده‌ام، اخیراً روی سیاستهای خاص مورد تهاجم مغرضان و حسودان قرار گرفته است.

چاکر در حال حاضر جز در بانک صادرات ایران و بانک ایرانیان سهامی ندارد و در اجرای اوامر مبارک شاهانه سهام خود را در سایر بانکها فروخته‌ام. در حالی که عده‌ای هستند که در چندین بانک دارای سهام زیادی هستند که شاید از بیست درصد بنام شرکتها و یا بنام خود و فرزندانشان در هر بانک متجاوز می‌نماید. منافع مشروع حاصله از سهام بانک صادرات ایران چاکر به مصرف خیران زیان و توسعه بعضی از تأسیسات غلام می‌رسد. چنانچه تا به حال زیان وارده از کارخانجات قند چاکر از سود سهام بانک صادرات تأمین می‌شده است.

فهرست واحدهای وابسته به چاکر و میزان سرمایه‌گذاری و تعهدات هر یک به ضمیمه از لحاظ خاکپای همایونی می‌گذرد. ضمناً بعرض می‌رساند: در این تأسیسات حدود شصت هزار نفر مشغول به کار می‌باشند.

اخیراً به چاکر ابلاغ گردیده که کلیه سهام بانک صادرات خود را بفروشم و حال آنکه قبلاً ابلاغ شده بود که فقط در دو بانک سهام داشته باشم که در اجرای اوامر سهام خود را در سایر بانکها فروخته‌ام. جواباً عرض کردم که در امتثال فرمان مطاع مبارک فرمانبردار بوده و آماده فروش هستم ولی به قرار معلوم بانک صادرات که چاکر را مجبور بفروش سهام و اطاعت امر می‌داند پیشنهاد می‌نماید سهام چاکر را کمتر از ارزش واقعی خریداری نماید. چون غلام جان‌نثار اطمینان دارد و شاهنشاه آریامهر اوامری جز در طریق عدالت و مصلحت صادر نفرموده و نخواهند فرمود، لذا از خاکپای همایونی استدعا دارد مقرر فرمایند قیمت واقعی سهام چاکر را براساس سوددهی و ارزیابی دارائی و تأسیسات بانک صادرات ایران تعیین نمایند. در مورد فروش و یا عدم فروش

سایر تأسیسات چاکر که بدون وجود منبع درآمد اداره آنها امکان پذیر نخواهد بود از خاکپای همایونی کسب تکلیف می نماید که به هر طور که صلاح و مصلحت می دانند اوامر شاهنشاه مطاع خواهد بود.

بیستم بهمن ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی
غلام جان نثار - هژبر یزدانی
[۱۱۷-۱۶ ی]

به حکمی بزرگ بزرگان و مجتهدین دولت شاهنشاهی

مغفرت فرمودن حکمی بزرگ بزرگان :
عظمتی بزرگ بزرگان و مجتهدین دولت شاهنشاهی در چاکر مورد ذمّه و در باره ایستادگی، جمع نمودن و سرزنی بزرگان بزرگان

خود بوده و مستم و فرام بود .
با آنکه چاکر در تمام طول فرود بزرگان و کارهای سیاسی و اجتماعی را مانع کرده ، تمام کوشش فردی بکشت به قصد کشتن فردی
و بعد کوشش است و کوشش بوده و تمام بر این خود را در همه کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
و دیگری در کشته خارج نمود ، و بجز در همه کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
چاکر در حال حاضر در کشت است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
در کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
بنام کوشش و ایستادگی خود و فرزندانش در کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
چرا که در این دولت است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است

چنانچه تا حال زبان دارد ، از کار و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
فرست و اداری وابسته به چاکر و بزرگان است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
در این است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است

و بجز به چاکر ارجح گوید ، و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
که در کارهای اداری هم خدا در کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
ولی قریه معلوم بکشت عدالت به چاکر را بجز در کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
خوبی و نوبت ، چون تمام چاکر است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
بکشت عدالت است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است
نخواهد بود و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است و کوشش است

بیستم بهمن ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی
غلام جان نثار - هژبر یزدانی
[۱۱۷-۱۶ ی]